



فریدون مجلسی، نویسنده، تحلیلگر و دیپلمات پیشین وزارت امور خارجه:
**اقتصاد کشور در برابر هزینه نزاع‌های جمهوری اسلامی
ناتوان است**



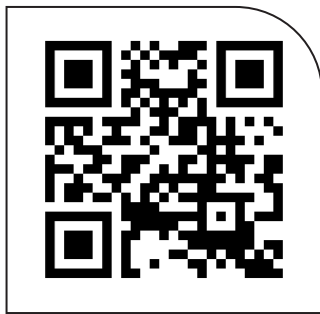
امیر موسوی، تحلیلگر و دیپلمات پیشین وزارت امور خارجه:
**حادثه اصفهان در برابر عملیات زلزله بر انگیز فلسطینیان
همچون یک خراش بود**



هفته‌نامه غیربرخط اراده‌ملت شماره ۵۷ چهارشنبه ۱۹ بهمن ۱۴۰۱



ما مردمان خاور میانه ایم...



هفته‌نامه غیر برخط اراده ملت

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱ / شماره ۵۷



صاحب‌امتیاز:

حزب اراده ملت ایران

مدیرمسئول:

رحیم حمزه

زیر نظر شورای سردبیری

همکاران این شماره:

راضیه گمار/زهرا کرد/زهرا رحیمی
سکینه باران چشمه/سمانه فاخری/فاطمه قدم
فائزه صدر/مهشید قاسمی/افشین فرهانچی
امیرحسین سمائی/پیام فیض/حسن غلامی
حمید سپهری/کاظم طیبی/فرد/علی صابری
علیرضا مالیر/مرتضی صادق‌ان/محمد بنی‌اسدی
حامد نامجو/مهدی تروهد/مهدی لشگری

نشانی:

خیابان اسکندری جنوبی، نرسیده به خیابان آزادی، بن

بست خلیلی پلاک ۱ واحد ۱

تلفن:

۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵/۰۲۱۶۶۵۶۲۳۰۶



این هفته نامه

ارگان رسمی حزب اراده ملت است

به جای مقدمه: ما مردمان خاور میانه ایم...

کلام مدیر مسوول: حرفی باقی نمانده!

سخن سردبیری: ما می‌گوییم مولدسازی، شما بخوانید فروش اموال

سر مقاله: متشکل شویم

گفتگوی ویژه: فعالیت سیاسی غیر حزبی نتیجه‌ای جز هدر رفت انرژی و جزیره‌ای عمل کردن ندارد

نوشتار ۱۰

هوای پاک، حق تمامی شهروندان

کارگران در بن‌بست اداره کار

دولت چه راحت میتواند شرکت‌های تولیدی را ورشکسته کند

گزارش ۱۴

خانه احزاب، محلی برای گفتگو نکردن

لهستان؛ دوران حکومت نظامی

اندیشه ۱۹

نظریه‌های بدیل برای لذت‌گرایی

نسل Z، نسل پرخطر

فلسفه به مثابه روش تدریس

گفتگو ۳۰

اقتصاد کشور در برابر هزینه نزاع‌های جمهوری اسلامی ناتوان است

حادثه اصفهان در برابر عملیات زلزله برانگیز فلسطینیان همچون یک خراش بود

معرفی و پیشنهاد ۳۵

آنچه انکار می‌کنی تو را شکست می‌دهد، آنچه قبول می‌کنی تو را تغییر می‌دهد

به کجا می‌رویم؟

این میراث من است!

نگاهی به سخنرانی استیگلیتز درباره اقتصاد ایران

جایزه گرمی

شاعر رنج مدام

کارگرانی با تن‌پوش‌های عروسکی در پشت نقاب‌های خندان

ایران کشوری کم جنگل

نگاهی به رویدادهای اخیر جهان ۴۴

اخبار حزب ۴۸

تاریخ احزاب: احزاب؛ ضرورت اجتماعی یک اجتماع مدرن ۵۱

صفحه آخر: رسانه داخلی یا خارجی؟! ۵۵



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

به جای مقدمه

شماره ۵۷ نشریه اراده ملت را تقدیم شما
مینمائیم با رنج و اندوه ناشی از درگذشت و
مجروح شدن انسانهای بسیاری در ایران، ترکیه
و سوریه بدنبال زلزله های رخ داده در هفته
های اخیر.

در این شماره نشریه اراده ملت بخش جدیدی
تحت عنوان "تاریخ احزاب سیاسی ایران" به
نشریه اضافه شده است که امیدواریم بتوانیم آنرا
ادامه دهیم و در هر شماره پربارتر کنیم.
شما را به خواندن بخش های مختلف و متنوع
این شماره دعوت مینمائیم.

ما مردمان خاور میانه ایم...
بعضی هایمان در جنگ کشته می شویم،
بعضی در زندان...
بعضی هایمان در جاده می میریم،
بعضی در دریا،
حتی بلندترین کوه ها هم...
انتقام تنهایی شان را از ما می گیرند،
چرا که ما شغل مان "مُردن" است.

شعری از نشاط حمدان با ترجمه حمیدرضا آبک

حرفی باقی نمانده!



رحیم حمزه

rahimhamzeh@gmail.com

ملی می توان آنها را ارزیابی کرد. برای نمونه، آیا این تورم روزافزون و مهار گسیخته، منفعت ملی است؟ ... بگذریم! دیگر نوشتن نمی آید ...

تأکید مؤکد می شود که حکومت در بستر حکمرانی حزبی می تواند پاسخگوی مطالبات مردم باشد

وقتی اکثریت جامعه ای معترض به وضع موجود هستند و بارها از کانال های مختلف اعم از احزاب، گروه ها و افراد یادآوری می شود و بدان وقعی گذاشته نمی شود؛ دیگر چه می توان گفت. وقتی ساختار معیوب اجازه هیچ گونه اصلاحی را نمی دهد، تلاش برای متقاعد کردن چه نتیجه ای می تواند داشته باشد. گوشزد کردن بدیهیات حکمرانی چه فایده ای دارد، بارها و بارها تأکید مؤکد می شود که حکومت در بستر حکمرانی حزبی می تواند پاسخگوی مطالبات مردم باشد اما چه سود؟! کو گوش شنوا؟!!

وقتی مصائب این ملک و ملت، حداقل در یک صد سال اخیر مرور و بازخوانی می شود، عمق فاجعه بهتر فهمیده می شود. بیشتر از این چه می توان گفت؟ در خانه اگر کس است یک حرف بس است. آن حرف ضرورت حکمرانی حزبی بر بستر گفتگو و تعامل همه آحاد مردم، یعنی دموکراسی، جامعه مدنی، انتخابات آزاد و ... است. واقعا چه می توان گفت، چرا این تقابل های آزاردهنده را که در سپهر سیاسی اتفاق می افتد پایانی نیست، واقعا در راستای کدام منفعت



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

ما می‌گوییم مولدسازی، شما بخوانید فروش اموال

دموکراتیک و با رعایت پاسداری حداکثری از حقوق و آزادی‌های مثبت و منفی مدنی تمامی افراد جامعه صورت پذیرد. آنچه تاکنون به نام خصوصی‌سازی در ایران صورت گرفته، تجربه بسیار ناکارآمد، ناموفق و حتی فسادزایی بوده است. طوریکه واژه «خصوصی» در ادبیات اقتصادی ایران ناشی از این صورت ناخوش رایج شده است. آنچه به نام طرح مولدسازی در دست پیگیری است آلوده به عدم شفافیت است و تمامی ابعاد آن دور از دید مردم، یعنی دور از رصد صاحبان اصلی آن است. بدون تردید مسئولین دولتی و حکومتی باید فقط و فقط نقش امانت‌دار در ارتباط با چنین سرمایه‌هایی را ایفا نمایند هرگونه تغییر و تبادل و معامله و هزینه‌ای باید به طور روشن و آشکاری در صحنه عمومی انجام و اجرا گردد.

+مصونیت قضایی متولیان و مجازات مخالفان و منتقدان طرح، نشان از عمق فساد و فاجعه دارد. در تمامی طرح‌ها و برنامه‌های ضدفساد و مبارزه با فساد و سوءاستفاده مالی، عدم مصونیت مسئولین از یک‌سو و آزادی جامعه مدنی برای رصد و سوت‌زنی و افشاگری از اجزا و مولفه‌های اصلی فسادزایی است؛ لذا هرگونه مصونیت متولیان و همچنین مجازات سوت‌زنان، نشانی از تصمیمات مغرضانه در مسیر بی‌توجهی به گسترش و عمق فساد در جامعه و در سطوح مدیریتی دارد.

+ترکیب ۷ نفره معرفی شده با اختیار تام در تصمیمات و اجراییات این طرح تهدیدآمیز، با سوابقی که بعضاً در هاله ابهام و زیر پرشش افکار عمومی بوده‌اند و بی‌هیچ پاسخگویی از آن شانه خانه خالی کردند، امکان اعتمادآفرینی و احساس امنیت را زایل می‌کند.

+مهر تأیید رهبری، می‌تواند تأثیرات اجتماعی و حقوقی از جمله، برخورد‌های قهری و حذفی با منتقدان و معترضان و مخالفان طرح را در پی داشته باشد که به طور بدیهی حق دارند در این زمینه پرسشگر، مطالبه‌گر، نقاد دیدبان و معترض باشند.

+به نظر می‌رسد که فرایند جاری در طرح مولدسازی به نوعی دوزدن برخی قوانین و برخی نهادهای انتخابی است که البته در نظام تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های کنونی، سهم مشخص و روشنی هم از اعمال قدرت برایشان هویدا نیست.

+نگاهی بر طرح‌های کلان دیگری که تاکنون از سر گذرانده‌ایم، خود گواه دیگری بر نتیجه و سرانجام این طرح خواهد بود. اینکه پیش‌تر نیز فقدان دغدغه حفظ منافع ملی و منفعت کشور و مملکت در طرح‌های کلان، رنج‌نامه مفصلی بود که بار دیگر با نامی جدید در حال رقم‌خوردن است و در غیاب حضور تصمیم‌گیر و در سایه فقدان مطلق مشارکت مردمی محقق می‌شود.

+در نهایت خصوصی‌سازی در ابعادی که مولدسازی مذکور دارد می‌تواند با سیاست‌های سوسیال‌دموکراسی در تعارض باشد.

یک بررسی ساده در باب «مولدسازی»، شهروندان را با اشکال ساده و خردی از مولدسازی یا همان فروش اموال دولتی در برخی سازمان‌ها آشنا می‌کند. حالا گویا قرار است که این پدیده در ابعادی وسیع، نامحدود و افسارگسیخته صورت پذیرد.

فروش اموال دولتی از ابزار و ادوات و تجهیزات گرفته تا زمین و ساختمان قابل فروش و واگذاری است. معمولاً به نام فرایند مزایده گزارش خواهد شد که خریداران در سیستم غیرشفاف مالی و اقتصادی ایران، می‌توانند خصوصی یا خصوصی‌سازی باشند. اموال دولتی معنای گویا و رسایی برای این تعلقات نیست. چراکه دولتمردان

دولتمردان صاحبان و مالکان حقیقی این املاک و دارایی‌ها نیستند. بلکه این مجموعه متعلق به ملت و کشور و جامعه به طور عموم است

صاحبان و مالکان حقیقی این املاک دارایی‌ها نیستند. بلکه این مجموعه متعلق به ملت و کشور و جامعه به طور عموم است که در دوره‌های مختلفی، دولتمردان در جایگاه فرد حقوقی، مسئول و مأمور به مراقبت، نظارت، محافظت و استفاده بهینه از آنها در راستای منافع ملی می‌شوند.

لذا هرگونه پنداشتی که چنین اموالی را متعلق به حکومت یا دولتی خاص بداند و متولیان که با عبارات خودساخته و اختراعی دست به آرایش معنایی آن بزنند، چیزی از واقعیت و حقیقت موضوع را تغییر نمی‌دهد که این اموال متعلق به یک سرزمین و مردمان گذشته و حال و آینده است.

به هر حال برای هر دولت و هر حاکمیتی مواردی از نیاز و بحران پیش می‌آید که مجبور به دست‌گذاشتن روی فروش اموال عمومی می‌شود.

این کار در بحران‌های مالی کشورها، گاه به برخاستن دوباره یک دولت زمین‌خورده کمک می‌کند. اما حزب اراده ملت ایران از چه زوایایی با این تصمیم مخالف است و آن را به صلاح منافع ملی و کشور نمی‌داند؟

+ خصوصی‌سازی می‌تواند یکی از راهبردهای توسعه و رونق اقتصادی در یک جامعه باشد مشروط بر اینکه مبتنی بر موازین



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

خصوصی سازی در ابعادی که مولدسازی مذکور دارد می تواند با سیاست های سوسیال دموکراسی در تعارض باشد.

از آنجا که ارائه خدمات عمومی و رفاهی برای برخورداری همه شهروندان کشور از یک زندگی استاندارد دغدغه اصلی این رویکرد

سیاسی است و از آنجایی که در اختیار گذاشتن این خدمات که شامل حوزه های آموزش رایگان، بهداشت و درمان و تأمین اجتماعی می گردد، نیازمند تأمین منابع مالی برنامه ریزی شده و کافی است. با توجه به نظام مالیاتی نامطلوب، غیر شفاف و ناکارآمد در ایران، چنین گونه هایی از سلب مالکیت، شکاف طبقاتی و فاصله ثروتمند و ضعیف را عمیق تر و بیشتر می کند. در شرایطی که وخامت اقتصادی کشور ناشی از ناکارآمدی و بی کفایتی و بی تدبیری و عدم احساس مسئولیت مسئولین است. چنین تصمیمات و رفتارهایی، ما را به وضعیت خانواده بدسپرستی شبیه می کند که والدین ناشایست آن، به جای ایفای نقش مطلوب سرپرستی خویش، در عین فقر و محرومیت و نیازمندی اعضای خانواده، دست به فروش اموال بر روال خودمحوری و خودخواهانه خویش می زنند.



متشکل شویم

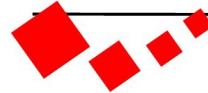
در دوسرمقاله اخیر نشریه اراده ملت به این بحث پرداختیم که در شرایط پیچیده فعلی و با توجه به اینکه دولت مستقر وظایف بدیهی خود در بعضی از حوزه‌ها را انجام نمی‌دهد؛ و از طرفی گوش شنوایی نیز نسبت به انتقادات ندارد و حاضر نیست تن به نظرات متخصصین امر بدهد؛ لازم است که مردم و جامعه مدنی خود به این حوزه‌ها توجه نمایند.

در اولین شماره به بحث لزوم آموزش پرداختیم و در شماره بعدی بحث محیط زیست را مورد توجه قرار دادیم. در این شماره به بحث تشکل‌ها و اهمیت حضور در آنها می‌پردازیم.

در یک جامعه دموکراتیک تلاش می‌شود تا از همان دوران مدرسه، کودکان و نوجوانان با نهادهای مدنی آشنا شوند و با حضور در انجمن‌های مختلف مجموعه مهارت‌های زندگی و تصمیم‌گیری مشارکتی را فراگیرند. با توجه به ذهن‌پذیرنده کودکان در این سنین این موضوع مطمئناً تأثیر شگرفی در آینده ایشان می‌گذارد و به ایشان یاد می‌دهد که هم‌چگونه با دیگران تعامل و همکاری نمایند و هم‌چگونه در قالب نهادهای مدنی پاسدار ارزش‌های دموکراتیکی چون: آزادی، حق رأی، حق اظهار نظر، تقسیم قدرت، حفظ حقوق اقلیت و ... باشند.

در ایران به دلایل مختلفی سیستم آموزش و پرورش خیلی به این مسئله مشتاق نیست و در مواردی نیز که به این مسئله می‌پردازد ترجیح می‌دهد کودکان و نوجوانان را نه در قالب نهادهای مدنی مستقل و مطالبه‌گر بلکه در قالب نهادهای وابسته و اطاعت‌پذیر، متشکل نماید. از این رو وقتی در ایران، ما از دبیرستان فارغ‌التحصیل

آموزش و پرورش ترجیح می‌دهد کودکان و نوجوانان را نه در قالب نهادهای مدنی مستقل و مطالبه‌گر بلکه در قالب نهادهای وابسته و اطاعت‌پذیر، متشکل نماید



می‌شویم عملاً آموزش تئوریک و عملی مناسبی از جهت کار در نهادهای مدنی فرا نگرفته‌ایم. شوراهای دانش‌آموزی و مجلس شورای دانش‌آموزی نیز گرچه شروع خوبی داشتند ولی در عمل و در ادامه کار نتوانستند کارکردهای مناسب خود در این جهت را انجام دهند و بیشتر به تریبونی برای ارائه نظرات مسئولین و القا آن به دانش‌آموزان بدل شدند. (به صحبت‌های آقای یوسف نوری وزیر آموزش و پرورش در اختتامیه دهمین دوره مجلس دانش‌آموزی در مردادامسال نگاه کنید) خوشبختانه دانشگاه‌ها تا حدودی این نقیصه را پوشش می‌دهند. انواع و اقسام نهادهای دانشجویی موجود به تدریج به دانشجویان یاد می‌دهد که چگونه در دنیای پیچیده امروز مشارکت نمایند و برای هدف مشترکی گرد هم آیند. گرچه ساختارهای حکمرانی موجود حتی در دوره دانشجویی نیز محدودیت‌های زیادی را بر این گونه‌ها نهادهای تحمیل می‌نماید و اگر شمارد فضای دانشگاه باشید می‌بینید که این نهادها پایداری و قوام لازم را ندارند و بار آموزشی و پرورشی آنها بسیار محدود است و گاهی حتی بدآموزی‌هایی نیز دارند. جدا از اینکه بسیاری از دانشگاه‌های موجود مثلاً دانشگاه آزاد، فرهنگیان یا علمی کاربردی هافق‌این گونه‌ها هستند یا تعدادشان بسیار کم است.

بعد از این دو مقطع تحصیلی عملاً دیگر فرصتی برای آموختن وجود ندارد و ما باید وارد گود شویم. از این رو بسیاری دیگر هیچگاه سراغ نهادهای مدنی نمی‌روند چرا که یا اصلاً با آنها آشنا نشده‌اند و یا اگر هم آشنائی مختصری دارند نحوه کارکرد و فعالیت آنها را نمی‌دانند. نهادهای مدنی موجود نیز توان و ابزار لازم برای تبلیغ و ترویج خویش را ندارند و نمی‌توانند خود را به خوبی به جامعه معرفی نمایند. در نهایت با وضعیتی روبرو می‌شویم که همگان می‌بینند. کشوری با نهادهای مدنی مستقل بسیار ضعیف و در نتیجه جامعه مدنی بسیار محدود و غیر مؤثر.

برای ساختن یک جامعه پویا و وجود یک جامعه مدنی بسیار بسیار لازم است. و این جامعه مدنی از دل نهادهای مدنی بیرون می‌آید. حال چند قدمی را که باید همه برداریم تا بتوانیم یک جامعه مدنی پویا و قدرتمند را در کشور شکل دهیم که مطالبه‌گر باشد و بتواند در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی به طور مؤثر دخالت کند را توضیح می‌دهیم.

قدم اول. در حوزه شغلی و کاری خویش جستجو کنید و نهاد صنفی مرتبط با خود را بیابید؛ و در ادامه در آن عضو شوید. اگر این نهاد صنفی وجود ندارد با همکارانتان آن را ایجاد کنید. اگر بیکار هم هستید انجمن بیکاران را راه‌اندازی کنید و مطالبه‌گر شغل از ساختار حکومت باشید.

در حال حاضر بسیاری از مشاغل انجمن، صنف، اتحادیه و سندیکای مرتبط با خود را دارند ولی به علت مشارکت محدود اعضا در آن، این تشکل صنفی کارکرد قدرتمندانه و اثر بخش ندارد.

تشکل‌های صنفی کارکردهای متعددی می‌تواند داشته باشد. مهم‌ترین آن پیگیری مزایای مادی برای اعضا است اما این تمام کار نیست. این نهادهای صنفی می‌تواند محلی برای آموزش، ایجاد پرستیژ حرفه‌ای، تبادل اطلاعات و اخبار، حمایت از اعضا در شرایط دشوار و نظیر اینها باشد.

قدم دوم. حداقل در یک انجمن عمومی فرهنگی، هنری، محیط‌زیستی، علمی، محلی، حقوق بشری یا خبریه عضو شوید. در آن انجمن مسئولیت بپذیرید و فعالانه در راستای اهداف انجمن خود مشارکت نمایید. دیگران را نیز به حضور در انجمن‌های عمومی ترغیب کنید.

قدم سوم. کودکان، نوجوانان و جوانان را آموزش دهید تا ترغیب شوند که در این گونه‌ها انجمن‌ها عضو شوند. از آنها حمایت کنید و بعضی از مسئولیت‌ها را بر دوش آنها قرار دهید. اشتباهاتشان را نادیده بگیرید و تلاش کنید که بتوانند چالش‌های کار جمعی را با کمترین هزینه پشت سر بگذارند.

قدم چهارم. در حد بضاعت خود به این انجمن‌ها و تشکل‌های صنفی یا عمومی کمک کنید. مثلاً: فضای مناسب در اختیارشان قرار دهید؛ تبلیغات و نشریات آنها را پخش کنید؛ در گردهمایی‌ها و مراسمات ایشان شرکت کنید؛ به آنها عضو معرفی کنید؛ از نفوذ خود برای به موفقیت رسیدن پروژه‌های ایشان بهره بگیرید؛ تجربیات خود را با آنها به اشتراک بگذارید؛ در مشکلات و ناملایمات همراه و مشوق ایشان باشید؛ و کارهایی از این دست.

و نهایتاً قدم پنجم. از طریق نهادهای صنفی و عمومی مطالبه‌گری نماییم و اجازه ندیم که صاحبان قدرت بدون توجه به نظرات ما مردم، عمل نمایند. این کشور ملک مشاع همه ایرانیان است و همه مادر آن سهمیم هستیم. این سهمیم بودن فقط رأی دادن در انتخابات نیست. حضور در نهادهای مدنی نیز یکی از روش‌های سهمیم شدن در قدرت است. با این نهادهای مدنی می‌توانیم تک‌تک مسئولین را پاسخگو نماییم و به آنها یادآور گردیم که اگر قدرتی دارند منبعث از مردم و رای و اراده مردم است پس باید بر اساس نظر مردم عمل نمایند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

این هفته پای صحبت آقای داریوش محمدی عضو محترم شورای مرکزی حزب و دبیر آموزش و پرورش نشستیم تا بتوانیم نقطه نظرات ایشان در مورد مسائل مختلف را بشنویم. ایشان ساکن شهر چورزق در شهرستان طارم استان زنجان هستند. این مصاحبه ماحصل این گفتگو است.

فعالیت سیاسی غیر حزبی نتیجه ای جز هدر رفت انرژی و جزیره ای عمل کردن ندارد



حمید سپهری

Miladsepehri00@yahoo.com



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

فراموشی توده و عامه مردم و غافل شدن از مشکلات و آرزوهای آنهاست؛ داشته باشد.

و یا اینکه اشخاص و نخبگان سیاسی فکر می کنند حرکت و فعالیت در قالب احزاب باعث محدودیت آنها می شود و از پیاده کردن اهدافشان عاجز می مانند و در نتیجه سعی می کنند به صورت مستقل و یا در قالب احزاب تک نفره و خانوادگی فعالیت کنند و این نوع فعالیت ها نیز نتیجه ای جز هدر رفتن انرژی و جزیره ای عمل کردن و سخت و پرهزینه شدن فعالیت های

جناب محمدی ممنون از وقتی که به نشریه حزب اختصاص داده اید، در ایران فعالین سیاسی کمتر خود را در قالب احزاب تعریف می کنند و بیشتر مایل هستند به طور مستقل و یا در قالب جبهه های سیاسی عمل کنند. برداشت شما از این موضع چیست؟ کار در قالب احزاب آن چنان که باید و شاید در کشور ما شکل نگرفته که می تواند علل مختلف من جمله عدم حمایت دولت ها در صد و اندی سال گذشته از توسعه احزاب و عدم اعتماد عامه مردم به احزاب و یا نگاه احزاب به بخشی از جامعه من جمله نخبگان و



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

سیاسی ندارد.

شما در کنار فعالیت سیاسی، به شغل معلمی نیز اشتغال دارید؛ وضعیت آموزش و پرورش را در سال های اخیر چگونه می بینید؟ و این موضوع در سال های آینده چه اثری خواهد داشت؟

مشکلات و مسائل آموزش و پرورش در ایران جدایی از مشکلات سایر نهادها و مؤسسات مدرن در جامعه ما نیست. عمده مشکلاتی که در آموزش و پرورش امروز ما وجود دارند، عبارت اند از:

یک. نداشتن درک و تعریف صحیح از علت ایجاد این نهاد و کارکرد و اهمیت آن در جامعه مدرن امروز در جهت تسهیل توسعه انسانی دو. نگاه مادی گرایانه و سنجش سود و زیان و سیاست گذاری و بودجه ریزی با این نوع نگاه توسط مدیران کلان کشور

سه. منطبق نبودن مأموریت آموزش و پرورش با نیازهای جامعه چهار. فراموشی جایگاه آموزش و پرورش در تربیت اجتماعی انسان ها و آماده کردن آنها برای قبول مسئولیت های اجتماعی

پنج. وجود انواع مدارس غیر دولتی که عرصه را برای رقابت خانواده های کم درآمد و ضعیف سخت کرده و در نتیجه در آینده امکان ورود فرزندان این خانواده ها به دانشگاه های معتبر و به تبع آن مسیر ورود این دانش آموزان به پست های مدیریتی و استفاده از رانت و درآمد بالا غیر ممکن شده و باعث میشود شکاف طبقاتی علاوه بر مسائل اقتصادی در مسائل آموزشی و فرهنگی نیز عمیق تر و ملموس تر می گردد

مدتی است که از اعتراضات معلمان خبری نیست. آیا به مطالبات ایشان پاسخ مناسب داده شده است که دیگر اعتراض نمی کنند یا مسئله چیز دیگری است؟

در رابطه بحث رتبه بندی، مدیران دولتی ما استاد دادن وعده های بسیار دهن پرکن و بزرگ و در ادامه لوٹ کردن آنها هستند که نتیجه کار به هیچ وجه با وعده داده شده همخوانی ندارد و نه تنها در حل مشکل موجود عاجز است خود نیز به مشکل جدیدی تبدیل می شود. در ادامه می بینیم که به جای حل مشکل سعی در امنیتی کردن آن دارند در حالی که ریشه مشکل و راه حل آن به هیچ وجه نمی تواند امنیتی باشد.

رتبه بندی هم از این قاعده مستثنا نیست آنچه که امروزه به عنوان رتبه بندی جریان دارند به هیچ وجه نمی تواند در حل مشکلات معیشتی و منزلتی و حتی علمی معلمان موجب رضایت آنان شود. می توان گفت که تحمیل هزینه بالا به شکل دهندگان اعتراضات و امنیتی کردن آن و در ادامه شکل گیری اعتراضات عمومی در ماه های اخیر که مشکلات کلی تری را پوشش می داد باعث فروکش کردن اکثر اعتراضات صنفی گردید. ولی با توجه به حل نشدن مشکلات جامعه آموزش و پرورش، در ماه های آینده دوباره خودنمایی اعتراضات صنفی چه در میان معلمان و چه در میان سایر اصناف دور از انتظار خواهد بود

ایران در ماه های اخیر تنش هایی را با همسایه شمالی خویش، جمهوری آذربایجان داشته است. شما چه ارزیابی از این حوادث دارید؟

این مقوله تنش ما بین ایران و جمهوری آذربایجان قدمتی به اندازه تاریخ ایجاد جمهوری آذربایجان دارد. می دانیم که جمهوری

آذربایجان برای اولین بار در سال ۱۹۱۸ به رهبری محمد امین رسول زاده شکل می گیرد اینکه آیا آن جمهوری به نام آذربایجان یا به نام دیگری خوانده بشود ما بین کشور ایران و روشنفکران و نویسندگان و روزنامه نگاران آن زمان و جمهوری آذربایجان تنش ایجاد می شود که با اشغال جمهوری آذربایجان توسط نیروهای کمونیسم در سال ۱۹۲۰ این بحث به محاق می رود. ولی دوباره با ایجاد جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۱ این مسئله خودش را نشان می دهد. اگر به مصاحبه آقای دکتر ولایتی وزیر امور خارجه وقت ایران در ۲۷ نوامبر ۱۹۹۱ دقت کنید می گوید که ما (ایران) کشوری به نام جمهوری آذربایجان را به هیچ وجه به رسمیت نخواهیم شناخت. این مصاحبه قبل از فروپاشی رسمی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال و ایجاد کشور جمهوری آذربایجان است.

در ادامه تنش و جنگ ما بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر قره باغ که خود تاریخ طولانی دارند و نوع برخورد کشور ایران با این مقوله و در ادامه در جنگ دوم که منجر به رفع اشکال از این مناطق میشود و با پیدایش بحث دالان زنگزور تنش ها به اوج می رسد. جالب اینکه در خود آذربایجان ایران نیز این تنش ها و این نگاه با سوءظن به روی بعضی از رفتارهای وزارت امور خارجه و مقالاتی که آنها در بعضی از نشریه ها به چاپ می رسانند، وجود دارد. حس بی اعتمادی و نارضایتی نسبت به رفتار وزارت خارجه وجود دارد. وجود دارد به نوعی که بعضی از نشریات و بولتن های رسمی و غیر رسمی و زبان بعضی از دولتمردان به کرات کلمه اشتباه جمهوری باکو به جای جمهوری آذربایجان را بیان می کنند.

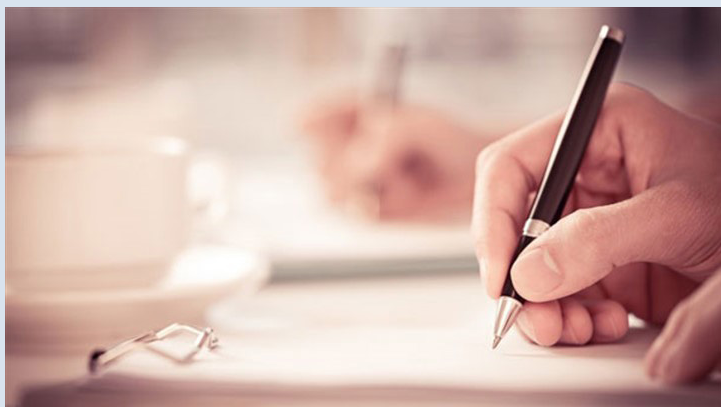
من امیدوارم که هر دو طرف، تفاهم و گفت و گو برای رفع این سوء ظن ها بردارند. ما دو کشوری هستیم که پر از اشتراکات هستیم و میشود با تکیه بر اشتراکات که بسیار هستند؛ از شاعران؛ نویسندگان مشترک؛ شخصیت های تاریخی مشترک و خیلی چیزهای دیگر میشود به طرف حل این موضوعات حرکت کرد. به شرط اینکه هر دو طرف از نفوذ لایه های ناسیونالیسم افراطی در تصمیم گیری هایشان اجتناب کنند

جناب محمدی در اعتراضات پائیز مجدداً بحث مطالبات اقوام به میان آمد، به طور خلاصه می فرمایید که ایشان چه مطالباتی دارند؟

در بحث اقوام واژه اقوام را قبول ندارم و آن را به نوعی تحقیر آمیز می دانم. کشور ایران کشور کثیرالملله ای هست و این در تاریخ نقطه قوت بوده نه عامل نگرانی. در بعد از مشروطه با ایجاد دولت ملت جدید و ایجاد دولت متمرکز بر مبنای زبان و نژاد واحد؛ بیشتر ایالت ها و ملل ایرانی که با این تعریف حکومت ناسازگار بودند، به حاشیه رانده شدند و تقریباً در این صد سال اخیر سهمی بسیار کمتر از مناطق مرکزی در قدرت و ثروت و مدیریت این کشور داشته اند. این اغراق نیست. میشود با مراجعه به آمارها و میزان سرمایه گذاری ها و مسئله نفوذ آموزش و میزان بهره مندی از توسعه اقتصادی و بودجه های عمرانی این را به صراحت اثبات نمود. ایشان از آموزش زبان مادری و فرهنگ و ادبیات و توسعه فرهنگی و اقتصادی و سیاسی محروم بودند و علت اصلی این تبعیض را تمرکزگرایی می دانند. راه حل را نیز در زدودن تمرکز و ایجاد سیستم فدرال و سپردن اداره و مدیریت اقتصادی، فرهنگی و آموزشی مناطق؛ طبق قانون اساسی به خودشان و رسمیت دادن به زبان، فرهنگ و ادبیات آنها در کنار زبان و ادبیات و فرهنگ رسمی کشور می باشد.



نوشتار



هوای پاک، حق تمامی شهروندان



محمدبنی اسدی

(کارشناس ارشد مهندسی صنایع)

صنعتی شدن شهرها از یک سمت و ناوگان حمل و نقل فرسوده و آلاینده زا و بسیاری از مواردی که شاید بسیار ضعیف جلوه داده می شوند اما تنفس راحت هوای پاک را از ما دریغ کرده از سمت دیگر همه با هم دست به دست داده اند تا هوای پاک که حق تمامی شهروندان است را بگیرند. منظور از هوای پاک این است که هوا به دور از هر گونه دود و گردوغباری باشد تا به سلامت گیاهان و جانوران بخصوص انسان صدمه ای وارد نشود.

بر اساس گزارش سازمان جهانی بهداشت تخمین زده می شود که آلودگی هوا سالانه عامل مرگ زودرس هفت میلیون نفر در دنیا باشد.

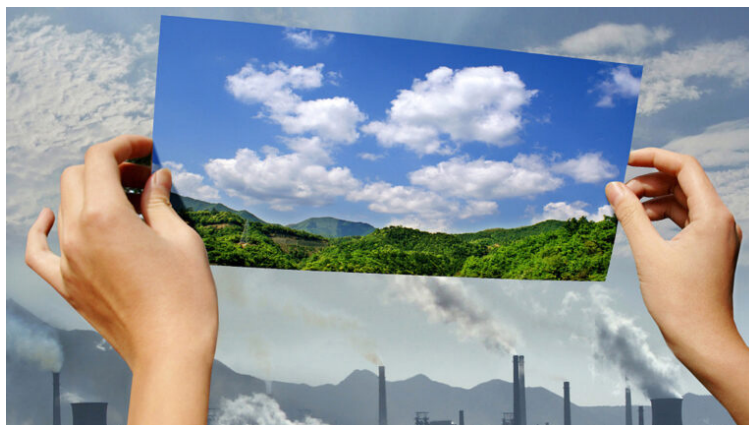
هر نوع تغییر فیزیکی، بیولوژیکی یا شیمیایی که ممکن است در هوا اتفاق بیفتد به عنوان آلودگی هوا شناخته می شود. زمانی این اتفاق رخ می دهد که گازهای مضر، گردوغبار، دود و... وارد هوا می شوند. در شهرها معمولاً ماشین ها و اتوبوس ها، هواپیماها، کارخانجات و صنایع و حتی دامداری ها باعث آلودگی هوا می شوند.

اگر اصول توسعه پایدار برای صنایع، پایش دقیق کارخانجات و استانداردهای وسایل نقلیه مد نظر قرار بگیرد وضعیت آلودگی هوا فاجعه بار نمی شود، تنفس هوای آلوده برای مدت طولانی می تواند مشکلات جدی تری ایجاد کند و بر اساس گزارش سازمان جهانی بهداشت تخمین زده می شود که آلودگی هوا سالانه عامل مرگ زودرس هفت میلیون نفر در دنیا باشد. مدیریت آکادمیک و علمی باید در حوزه آلودگی هوا دخالت کند و اصول علمی برای

مقابله با آن بکار گرفته شود، در شرایط فعلی که آلودگی هوا حاکم بر مناطق ایران شده است پایش کارخانجات و صنایع برای کنترل آلاینده های آن ها باید با جدیت بیشتر دنبال شود که این امر را، سازمان محیط زیست باید دنبال کند. کارخانجات، ماشین ها و وسایل نقلیه، پالایشگاه ها و... باید جدی تر از قبل رصد و پایش شوند، زیرا آلودگی هوا دارد تبدیل به یک مشکل روزمره در کلان شهرها می شود، به عنوان یک شهروند هوای پاک حق ما هست. بایستی موضوع از ریشه حل شود. نه اینکه هر روز نکات بهداشتی برای روزهای آلودگی منتشر شود، البته که این امر درست است. قانون برای خواندن نیست، برای عمل است؛ لذا اگر به قانون هوای پاک هم عمل کنیم وضعیت رو به بهبودی می رود. در قانون هوای پاک وظیفه همه دستگاه ها مشخص شده است و برای خارج شدن از بحران باید این قانون اجرا شود.

وضعیت آلودگی هوا با جلسات دور میزی و... حل نمی شود، عمل می خواهد، عمل به فرامین علمی و بهره گیری از نخبگان و همچنین ایجاد رابطه با کشورهای پیشرفته که در این حوزه موفق عمل کرده اند و بهره گیری از تجارب آن ها برای مدیریت آلودگی هوا.

برای داشتن هوای پاک و سالم در عصر کنونی که عصر فن آوری و استفاده از وسایل پیشرفته است، باید اقدامی جدی صورت گیرد؛ چرا که با افزایش جمعیت، اگر روند آلوده کردن هوا به همین ترتیب پیش رود، به زودی شاهد نابودی لایه اوزون خواهیم بود و باز بین رفتن آن، محیط زیست نابود می شود. استفاده از وسایل نقلیه عمومی، مترو و دوچرخه، انتقال و ساخت کارخانه ها و پالایشگاه ها به خارج از شهرها، تهیه بنزین با فرمولی که بهتر بسوزد و کمتر آلودگی ایجاد کند، کاشت درختان و ایجاد فضای سبز در شهرها، حفظ و احیای جنگل ها، استفاده از سوخت گاز طبیعی و انرژی هسته ای، سرپوشیده کردن فاضلاب ها برای متصاعد نشدن گازهای ناشی از تجزیه آنها در برابر خورشید، دفع و نابود کردن صحیح زباله ها به ویژه زباله های بیمارستانی و... از جمله اقداماتی است که با انجام آنها می توان از آلودگی هوا جلوگیری کرد. و هوای پاک را برای شهروندان به ارمغان آورد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

کارگران در بن بست اداره کار



مهدی لشگری

اینک و با توجه به اینکه نگارنده خود بدلیل اخراج غیر قانونی از محل کار خود بعد از حدود ۲۷ سال سابقه و ثبت شکایت با استناد به ماده ۲۸ قانون کار (مصونیت نمایندگان کارگر) مدتی بیشتر از ۲ ماه درگیر این موضوعات می باشم به ذکر چند نکته در این باب می پردازم:

۱. استفاده از افراد نا آشنا با قوانین کار به عنوان مسئول جلسات هیات تشخیص
۲. استفاده از افراد نا آشنا با قوانین کار به عنوان نمایندگان کارگر و کارفرما
۳. اعمال نفوذ و خط دهی برخی از مسئولین به خصوص مسئول روابط کار به مسئولین جلسات هیات تشخیص
۴. چیدمان سلیقه ای و تغییر غیر قانونی نفرت حاضر در جلساتی که تجدید وقت شده اند (نفرت جلسه اول در جلسه دوم تغییر میکنند)
۵. عدم نظارت دقیق بر رفتارهای اعضای جلسات و نوع مدیریت غلط مسئول جلسات
۶. نقش محوری نماینده کارفرما در مدیریت جلسه و نظاره گر بودن نماینده کارگر و سکوت نماینده اداره کار (مسئول جلسه) و به طبع محکوم شدن کارگر در این پروسه غلط
۷. رفتار سلیقه ای و تفسیر شخصی و غلط از متون قانون کار توسط نماینده کارفرما و نماینده اداره کار

و در پایان به ذکر نکته مهمی می پردازم که بدلیل همین اشکالات مورد اشاره و بر اساس پیگیری و شنیده های موثق در صد بالایی (حدوداً ۷۰ درصد) از آرای هیات های تشخیص شهر قزوین در دیوان عدالت اداری شکسته شده و این خود نمونه ای بزرگ از اشکالات اداره کار قزوین در نحوه رسیدگی به شکایات مطروحه میباشد.

بر اساس قانون کار جمهوری اسلامی ایران، ادارات کار مسئول رسیدگی به شکایات و اختلافات در حوزه کارگری و کارفرمایی هستند و به درستی هم قانون گذار راهکارهای مناسبی برای رسیدگی به این شکایات ها اندیشیده است، طبق قانون و روال مرسوم رؤسای ادارات کار، هیات های تشخیص و هیات های حل اختلاف مسیرهای دادخواهی کارگران

میباشند

آنچه که در عمل اتفاق می افتد با آنچه روی کاغذ آمده است بسیار متفاوت است

اما آنچه که در عمل اتفاق می افتد با آنچه روی کاغذ آمده است بسیار متفاوت است. الان مشاهد می کنیم که کارگران هر روز مسیر اداره کار شهرستان و اداره کل استان، طبقات و اتاقها را برای رسیدگی به شکایت های خود نا امیدانه طی میکنند شاید که معجزه ای شود و بتوانند از حق و حقوق خود دفاع کنند. از آن طرف مسئولینی را می بینیم که در مواجهه با کارگران بارفع تکلیف و با استناد به ماده ۲۱ قانون کار (قرارداد موقت) با خیال راحت کل قانون کار را تعطیل و به فراموشی می سپارند.





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

به بهانه دستور توقف خرید دین!

دولت چه راحت می تواند شرکت های تولیدی را ورشکسته کند



فریدون مجلسی

به دلیل سمتی که در یک شرکت تولیدی در صنایع شیمیایی دارم، امروز از سراسیمگی مدیر عامل آگاه شدم که به دستور بانک مرکزی دادن اعتباراتی تحت عنوان خرید دین به شرکت های تولیدی متوقف شده است. خرید دین لطف عجیبی نیست، در شرایطی که شرکت های خارجی برای دریافت اعتبارات بانکی از تسهیلاتی با سود یکی دو درصدی بهره مند می شوند، در ایران، بانک با توجه به اعتبار و وثایق شرکت و گروه گذاشتن کارخانه و ۱۵۰ درصد چک های ثبت شده مشتریان را که امکان نکول ندارد دریافت می کند و در مقابل آن با بهره ۲۵ درصد برای مدت محدود چک هایی را که بابت آن خرید دین کرده است نقد و تسویه حساب می کند! یعنی وام نیست! خرید دین کالای فروش رفته است.

این وجه است که نقدینگی خرید مواد اولیه و هزینه های دیگر صنعت را برای تداوم تولید تشکیل می دهد

یعنی شرکت هایی که تولیدات خود را در بازار می فروشند به دلیل تأخیر در دریافت بهای محصولات فروش رفته به صنایع واسطه چک مهلت دار می دهند. بانک های طی قراردادی با مشتریان تولید کننده در مقابل وثایق معتبر از جمله اصل سند کارخانه، چک های ثبت شده

دوقبضه صنایع نهایی و معادل آن چک تضمینی مدیران شرکت طرف قرارداد، وجه آن چک های مدت را مانند وام کوتاه مدت با بهره ۲۵ درصد نقداً به مشتری پرداخت می کنند و چک تضمینی مدیران را پس می دهند. این وجه است که نقدینگی خرید مواد اولیه و هزینه های دیگر صنعت را برای تداوم تولید تشکیل می دهد! علاوه بر اعتبار گردش حساب شرکت و چک تضمینی مدیران، و سند کارخانه و اصل چک ثبت شده و نقد شدن صنایع نهایی، بانک مبلغی نقدی از حساب مشتری را نیز مسدود و به وثیق نگاه می دارد، مثلاً در شرکت مورد بحث برای خرید دین، معادل ۲۰ میلیارد تومان، مبلغ ۵ میلیارد تومان نقد را هم به عنوان وثیقه مسدود کرده اند! و در عوض ۲۰ میلیارد تومان اعتبار خرید دین قائل شده اند که هر زمان چک هایی وصول و بهره آن نیز تسویه شد، معادل آن تا مرز ۲۰ میلیارد تومان خرید دین ادامه می یابد. به این ترتیب اگر به طور دائم از این اعتبار خرید دین استفاده شود عملاً گویی بانک سالانه در مقابل وثایق مطمئن ۲۰ میلیارد تومان وام می دهد و ۵ میلیارد تومان سود می گیرد، و ۵ میلیارد تومان هم وثیقه نزدش است. اکنون با اعلام ناگهانی «از امروز به دستور بانک مرکزی قراردادهای خرید دین معلق شده است» چه اعتباری برای بانک باقی می ماند؟ مشتری تعهدات روز خود را برای تداوم تولید به ازای تولیداتی که قبلاً به فروش رسانده و بهای آن دریافت نشده است چگونه باید پردازد! آیا قانونی را نقض کرده است که مستلزم مجازاتی باشد؟ آیا اختلاسی شده است؟ آیا وام های نجومی بدون وثیقه دریافت کرده و صرف خرید املاک خصوصی شده است؟ یا خرید دین بابت فروش کالاهای تولید شده و به فروش رفته در مقابل چک خریدار و چک تضمینی مدیران و مسدود کردن بخش مهمی از نقدینگی در گردش شرکت تولید کننده است؟





گزارش



خانه احزاب، محلی برای گفتگو نکردن



فاطمه قدم

fatemehghadam56@gmail.com

نماینده زن غنی نباشد. ایشان که از تبعیض جنسیتی و عدم مشارکت زنان در پست‌های سیاسی در کشور گله مند بودند، هنگامی که یکی از اهداف جنبش زن، زندگی، آزادی را مطالبات به حق زنان در مشارکت سیاسی دانست، صدای اعتراض عده قلیلی از مخالفان، جلسه را به همه‌انداخت، این عده قلیل که متأسفانه خود عضو حزبی بودند و مدعی، از شعار زن زندگی آزادی به نوعی ابراز انزجار کردند و گفتند که ما اجازه نمی‌دهیم هیچ جنبشی شکل بگیرد و هر جنبشی را خفه خواهیم کرد.

با این که در واقعیت جنبش زن زندگی آزادی شکل گرفته است، ولی به نظر می‌رسد که این گروه از شنیدن نام جنبش واهمه داشتند و گویی با قیل و داد نوعی جدید از سرکوب را در پیش گرفته بودند، تا دیگر حتی اسم جنبش زن زندگی آزادی به زبان نیاید، آن هم در مجلسی که با عنوان آسیب‌شناسی انتخابات اخیر شکل گرفته بود و مسلماً یکی از کلیدواژه مهم آن «زن» بوده است.

بعد پایان مراسم فاطمه قدم به عبدالله مرادی دبیر کمیسیون ماده ۱۰ قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی گفت که سکوت بنده نسبت به مخالفین، به عنوان یک کنشگر سیاسی و عضو حزب بر اساس آموزه‌های حزبی، عدم گفتگوی پینگ پنگی دو یا چند نفره بوده است و احترام به حرمت این مجلس و اعضای محترم آن. واقعیت این است که این همایش محل تحلیل سیاسی و علمی و بیان و تحمل عقاید و دیدگاه‌های مختلف است نه بحث‌های کوچه و بازاری و به کرسی نشاندن حرف عده‌ای نارسبست و خودمختار.

اگر ما احزاب کنار هم نتوانیم عقاید و دیدگاه‌های مخالف را تحمل کنیم و به جای نقد سازنده به تخریب هم بپردازیم، جز نفی کردن همدیگر، صرفاً برای رسیدن به منافع سیاسی، گفتگویی بین ما شکل نخواهد گرفت و باید به نسل جوان حق داد، که ما را به عنوان نمایندگان مردم از طیف‌های مختلف برای گفتگو به رسمیت نشناسد.

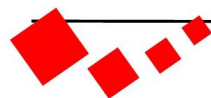
خانه احزاب، بهتر است قبل از «آسیب‌شناسی انتخابات»، «آسیب‌شناسی ناکارآمدی در گفتگو و عدم تحمل دیگری» را برگزار کند.

همایش خانه احزاب ایران با عنوان «آسیب‌شناسی انتخابات اخیر» با حضور احمد وحیدی وزیر کشور، منوچهر متکی رئیس خانه احزاب ایران، محمدرضا غلامرضا معاون سیاسی وزیر کشور، عبدالله مرادی دبیر کمیسیون ماده ۱۰ قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی و دبیران کل احزاب در وزارت کشور روز شنبه ۱۴۰۱/۱۱/۰۸ برگزار شد.

در این همایش نمایندگان سه جریان سیاسی اصلاح طلبان، مستقلین و اصول‌گرایان به بیان دیدگاه‌های خود درباره راه‌های افزایش مشارکت مردم در انتخابات پرداختند. لازم به ذکر است که از بین تمامی نمایندگان منتخب سه جریان همگی از آقایان بودند و تنها زنی که برای سخنرانی دعوت شده بود خانم آذر منصوری بودند که ایشان در این مراسم حضور نداشتند.

در ادامه اما پیشنهاد فاطمه قدم، رئیس کمیته زنان حزب اراده ملت

باید به نسل جوان حق داد، که ما را به عنوان نمایندگان مردم از طیف‌های مختلف برای گفتگو به رسمیت نشناسد.



ایران به هیئت‌رئیس خانه احزاب حاشیه‌ساز شد. وی به دکتر کواکبیان گفت که چرا باید خانه احزاب از بین سه جریان سیاسی در کشور، از حضور



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

گزارشی از تجربیات لهستان در قرن بیستم (۲)

لهستان؛ دوران حکومت نظامی



علی صابری

a.saberi1389@gmail.com

در دو شماره قبل، گزارشی مختصر از نحوه شکل گیری جمهوری خلق لهستان، دوران ذوب و اصلاحات گوملکا و سقوط اقتصادی دولت گیرک بیان شد، حال به ادامه تاریخ مختصر جمهوری خلق لهستان پس از شکست فرایندهای اصلاحی تاسرنگونی جمهوری خلق لهستان و تشکیل جمهوری لهستان خواهیم پرداخت.

با افزایش بدهی دولت و ثبات قیمت ها و عدم وابستگی قیمت محصولات به هزینه های تولید، اقتصاد لهستان با چالش و بحران های جدی تری روبه رو می شد. در ابتدای سال ۱۹۸۰ ادوارد بابیوچ، اقتصاددان که سالها عضو شورای دولتی لهستان بود به سمت نخست وزیری انتخاب شد و برای کاهش بحران اقتصادی، سیاست ریاضت اقتصادی رو در پیش گرفت و در اول جولای ۱۹۸۰، در اولین اقدام، قیمت مواد غذایی افزایش یافت، این افزایش قیمت باعث اعتصابات کارگران در ژوئیه ۱۹۸۰ در ژراردوف و لوبلین شد. دولت با موافقت با افزایش حقوق اعتصاب کنندگان توانست اوضاع را کنترل کند و ادوارد گیرک برای تعطیلات به کریمه رفت. اما در اواسط ماه آگوست دوباره اعتصابات به تدریج کل کشور را در بر گرفت.

در کارخانه کشتی سازی گدانسک، کمیته اعتصاب بین شرکتی برای هماهنگی کارخانه های اعتصابی در سراسر لهستان تشکیل شد. و با گذشت

زمان مطالبات اعتصاب کنندگان از ماهیت اقتصادی، به مرور به مسائل عمومی و اجتماعی به ویژه تشکیل اتحادیه های کارگری آزاد گسترش یافت و در نهایت با توافق نامه های آگوست ۱۹۸۰ و پذیرش تشکیلات کارگری مستقل همبستگی و نیز سقوط دولت بابیوچ به پایان رسید.

در واکنش به این اتفاقات، در سپتامبر ۱۹۸۰، در ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب متحد کارگران لهستان، دبیر اول کمیته مرکزی، ادوارد گیرک، پس از یک حمله قلبی کنار گذاشته شد و استانیسلاو کانیا دبیر اول جدید حزب شد. او که سالها بر وزیر کشور و وزیر دفاع ملی بود با سوابق امنیتی عهده دار این پست شد هر چند که اختلافات درون حزب برای نحوه مواجهه با مخالفین همچنان وجود داشت.

اما در داخل جامعه لهستان، سندیکای همبستگی توانسته بود با پوشش گروه های مختلف اجتماعی، یک جنبش اجتماعی گسترده برای مخالفت با کمونیسم ایجاد کند و در اکثر محیط های کاری به جز واحدهای نظامی هسته های اتحادیه های کارگری آزاد را تشکیل بدهد و حتی "همبستگی کشاورزی" و "انجمن مستقل دانشجویان" (NZS) را ایجاد کند.

در ۱۱ فوریه ۱۹۸۱، ژنرال وویچ یاروزلسکی وزیر دفاع ملی با پیشنهاد کانیا، دبیر اول حزب نخست وزیر شد و اگرچه در ابتدا ژست مسالمت آمیز گرفته بود اما به سرعت به سمت بر خورد خشن تر با مخالفین حرکت کرد،



هفته نامه غیر بر خط
اراده ملت

شماره ۵۷

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱



شود که طی دوره حکومت نظامی (اندکی بیش از دو سال) در جریان اعتصابات و تظاهرات (عمدتاً شلیک گلوله و ضرب و شتم) ۵۶ نفر جان باخته باشند. عصر روز اعلام حکومت نظامی، ژنرال یاروز لسکی در پیامی رادیویی گفت:

شهروندان جمهوری خلق لهستان!

من امروز شمارا به عنوان یک سرباز و به عنوان رئیس دولت لهستان خطاب می کنم. من در مهمترین مسائل به شما مراجعه می کنم. وطن ما در لبه پرتگاه است. دستاوردهای بسیاری از نسل ها، خانه لهستانی ساخته شده از خاکستر در حال سقوط است. ساختارهای دولتی دیگر کار نمی کنند. هر روز ضربات جدیدی به اقتصاد در حال مرگ وارد می شود. شرایط زندگی مردم با بارهای فزاینده سنگین می کنند. در هر محل کار، در بسیاری از خانه های لهستانی، خطوطی از تقسیمات درناک وجود دارد. فضای درگیری های بی پایان، سوء تفاهم ها، نفرت - ویرانگری ذهنی ایجاد می کند، به سنت های مدارا آسیب می رساند. اعتصابات، آمادگی اعتصاب، اقدامات اعتراضی به یک امر عادی تبدیل شده است. حتی بچه های مدرسه هم به سمت آن کشیده می شوند. عصر دیروز بسیاری از ساختمان های عمومی اشغال شد. درخواست هایی برای سرکوب فیزیکی "قرمزها" با دیدگاه های متفاوت وجود دارد. موارد وحشت، تهدید و خودقضاوت اخلاقی و همچنین خشونت مستقیم در حال افزایش است. [...]

دیگر روزها نیست، بلکه ساعت هاست که یک فاجعه ملی را به هم نزدیک می کند. صداقت مستلزم پرسیدن این سوال است: آیا باید اتفاق می افتاد؟ شهروندان و شهروندان!

بار مسئولیتی که در این لحظه دراماتیک در تاریخ لهستان بر دوش من سنگینی می کند. این وظیفه من است که این مسئولیت را بر عهده بگیرم. من اعلام می کنم که امروز شورای نظامی نجات ملی تشکیل شده است. [...]

شورای دولتی مطابق به احکام قانون اساسی نیمه شب امروز در سراسر کشور حکومت نظامی اعلام کرد. من می خواهم همه انگیزه و اهداف اقدامات ما را درک کنند. ما به سمت یک کودتای نظامی، یک دیکتاتوری نظامی نمی رویم. [...]

هیچ یک از مشکلات لهستان با خشونت در درازمدت قابل حل نیست. شورای نظامی نجات ملی جایگزین مقامات قانون اساسی نمی شود. تنها وظیفه آن حفاظت از نظم قانونی در دولت، ایجاد ضمانت های اجرایی است که امکان بازگرداندن نظم و انضباط را فراهم می کند. این آخرین راه برای شروع خروج کشور از بحران، برای نجات کشور از فروپاشی است. [...]

لهستانی ها و لهستانی ها! برادر و خواهر! [...]

در مارس ۱۹۸۱، اسفند ۱۳۵۹ زمانی که رزمایش سایوز ۸۱- پیمان ورشو در مرزهای لهستان انجام شد، بر خورد دولت با همبستگی که به دنبال مجوز تأسیس همبستگی کشاورزی بود، شدت گرفت. در واکنش به این برخوردها لخ والسار هربر همبستگی بر خلاف خواست عمومی اکثر اعضای شورای ملی همبستگی از اعلام اعتصاب پرهیز کرد و صرفاً هشدار اعتصاب داد و با مسئولان برای اخذ مجوز همبستگی کشاورزی وارد مذاکره شد، تصمیم و اقدامی که باعث تشدید تنش هادر درون تشکیلات همبستگی شد. اما مخالفت کاردینال ویسزینسکی با اعتصابات عمومی و ترس مسئولان از دخالت شوروی باعث موفقیت این مذاکرات شد.

در ده سپتامبر ۱۹۸۱، مقامات شوروی به دولت لهستان اطلاع دادند که با توجه به وضعیت لهستان در سال ۱۹۸۲، اتحاد جماهیر شوروی ۶۴ درصد نفت کمتر و ۴۷ درصد گاز کمتر به لهستان تحویل خواهد داد، تصمیمی که می توانست به وخیم تر شدن اوضاع اقتصادی لهستان منجر شود که تا اکتبر ۱۹۸۱، تحت تأثیر این تنش ها و نیز سیاست های اشتباه دولت، کمبود مواد غذایی افزایش یافته بود تا بیشتر مواد غذایی کوپنی و حتی شکلی از اقتصاد مبادله ای در لهستان بوجود بیاید.

در اکتبر ۱۹۸۱ با استعفای استانیسلاو کانیا، ژنرال یاروز لسکی، نخست وزیر به عنوان دبیر اول حزب انتخاب شد و دو ماه بعد و در ۱۳ دسامبر ۱۹۸۱، (۲۲ آذر ۱۳۶۰) با تصمصیم غیرقانونی شورای دولتی حکومت نظامی در سراسر کشور اعلام شد و ژنرال ووچ یاروز لسکی به عنوان رئیس شورای نظامی نجات ملی انتخاب شد.

سال ۱۹۶۸، کشورهای بلوک شرق به رهبری شوروی با حمله به چکسلواکی، باعث شده بود که بهار اصلاحات پراگ خیلی زود به خزان تبدیل شود، اصلاحاتی که توسط الکساندر دوبچک رهبر حزب کمونیست چکسلواکی اجرا شده بود، ترس تکرار مداخله شوروی در لهستان یکی از دلایل اعلام حکومت نظامی اعلام شد، هر چند که شوروی به دلیل غیر افتادن در باتلاق افغانستان و نیز تهدید جیمی کارتر، رئیس جمهور وقت آمریکا، عملاً امکان و توان مداخله ای دیگر نداشت.

اعلام حکومت نظامی با مخالفت آنچنانی مواجه نشد و همبستگی به علت کاهش محبوبیت ناشی از اختلافات داخلی نتوانست تظاهرات و اعتصابات گسترده ای را شکل بدهد. علاوه بر اینکه ژنرال از ماه ها قبل طرح حکومت نظامی را آماده کرده بود و از قبل با غیرقانونی اعلام کردن همبستگی، زمینه بازداشت بیش از ده هزار نفر از اعضا و هواداران همبستگی و سایر گروه های مخالف را تهیه کرده بود، اگر چه آمار دقیقی وجود ندارد اما تخمین زده می



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱



هفته‌نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

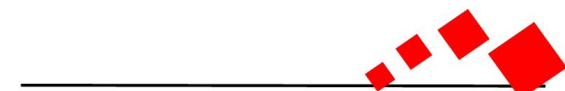
بگذار حتی یک قطره خون لهستانی در این کشور عذاب کشی که تاکنون این همه شکست و رنج را تجربه کرده است، جاری نشود. بیایید با هم جلوی شبح جنگ داخلی را بگیریم. [...]

من به شما کارگران لهستانی خطاب می‌کنم: از حق مسلم خود برای اعتصاب به خاطر میهن خود برای مدتی که برای غلبه بر حادثه‌ترین مشکلات ضروری است چشم‌پوشی کنید. [...]

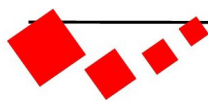
خطابم به شما، مادران، همسران و خواهران لهستانی است: تمام تلاش خود را بکنید تا دیگر در خانواده‌های لهستانی اشک نریزد. من به زنان و مردان جوان لهستانی خطاب می‌کنم، بلوغ مدنی و تأمل عمیق خود را در مورد آینده خود، در مورد آینده میهن خود نشان دهید. [...]

من به شما هم‌زمانم - سربازان ارتش لهستان در خدمت فعال و ذخیره خطاب می‌کنم: به سوگندهایی که برای خوب یا بد وطن خود قسم خورده اید وفادار باشید. سرنوشت کشور به نگرش امروز شما بستگی دارد. من به شما افسران شبه نظامی شهروندی و سرویس امنیتی خطاب می‌کنم: از دولت در برابر دشمن و از مردم زحمتکش در برابر بی قانونی و خشونت محافظت کنید. من از همه شهروندان در خواست می‌کنم - ساعت آزمایش سخت فرارسیده است. ما باید این آزمون را انجام دهیم و ثابت کنیم که شایسته لهستان هستیم. هموطنان!

در برابر تمام ملت لهستان و تمام جهان، من می‌خواهم این کلمات جاودانه را تکرار کنم: لهستان تا زمانی که ما زنده ایم هنوز از بین نرفته است.



در معدن ووچک خشن ترین برخوردها صورت گرفت که طی سرکوب معدنچیان نه نفر از آنها جان خود را از دست دادند.



ژنرال اگرچه در این سخنرانی، حرف از آرامش و مدارا می‌زد اما ده هزار تن از نیروهای ذخیره به خدمت فراخوانده شدند و بسیاری از موسسات توسط نظامی‌ها اشغال شد و بیش از هشت هزار کمیسر نظامی برای آنها تعیین شد و با قطع ارتباطات تلفنی، سانسور شدت بیشتری گرفت و فقط دو روزنامه دولتی مجوز انتشار داشتند و علاوه بر محدودیت‌های تردد شبانه، سفرهای خارجی نیز ممنوع شد.

شورای اسقفی لهستان اگرچه در ابتدا در بیانیه تندی از محکومیت حکومت نظامی سخن گفته بود اما زیر فشار ماموران دولتی از بازخوانی آن در موعظه

ها و منابع خودداری کرد و اعضای همبستگی در نبود رهبران اصلی خود اگرچه اعتصابات در برخی کارخانه‌ها و معادن همچون معدن ووچک، کارخانه کامیون لوبلین، کشتی سازی گدانسک، برگزار کردند اما همه این اعتصابات ظرف چند روز توسط نیروهای زوما به شدت سرکوب شد، در معدن ووچک خشن ترین برخوردها صورت گرفت که طی سرکوب معدنچیان نه نفر از آنها جان خود را از دست دادند. طولانی ترین اعتراضات در معدن زغال سنگ زیومیت به مدت دو هفته طول کشید و معدن چیان در ۲۸ سپتامبر مجبور به خروج از معدن و زیر زمین شدند.

تظاهرات بعضاً چند هزار نفری در شهرهای مختلف برگزار شد اما با سرکوب وحشیانه زوما معترضین پراکنده شدند، یک نفر در گدانسک با شلیک مستقیم افسران زوما کشته شد و تعداد بیشتری زخمی و بازداشت شدند، اما خستگی و دلسردی مردم باعث عدم تداوم اعتراضات و پایان آنها شد.

مخالفت با اعمال حکومت نظامی البته به شکل‌های دیگری تداوم یافت، اکثر بازیگران و هنرمندان در ابتدا از شرکت در رسانه‌های دولتی امتناع کردند، اما با اخراج گسترده آنها و روزنامه نگاران مستقل این روند هم متوقف شد، شهروندان عادی سبک کار حلزون و لاک پشت را در پیش گرفتند و دیرتر سرکار حاضر می‌شدند یا اینکه توزیع خودجوش اعلامیه‌ها و پوسترهای ضد حکومتی و ضد کمونیستی گسترش یافت و روز به روز شعارهای ضد دولتی بیشتری روی ساختمان‌ها نوشته می‌شد، شعارهایی مانند: «کلاغ برای دان پیروز شد»، «زمنستان، بهار تو مال ماست»، «عقاب از کلاغ شکست نخواهد خورد» و تلاش دولت کودتا برای محو و پاک کردن آنها بیشتر می‌شد.

طی دوره حکومت نظامی، بسیاری از سران و رهبران معترضین محاکمه و محکوم به زندان شدند، بیشترین دوره محکومیت برای اوا کوباسیوویچ، بود که به دلیل شرکت در سازماندهی اعتصاب در دانشگاه دریایی گدنیا به ۱۰ سال زندان محکوم شد. چهار رهبر کنفدراسیون لهستان مستقل به ۷ سال زندان محکوم شدند. چندین روزنامه تعطیل و منحل شدند و بیش از هشتصد روزنامه نگار و خبرنگار بیکار شدند و البته اخراج‌های گسترده در کارخانه‌های اعتصابی اتفاق افتاد به طوریکه در ۲۸ دسامبر، پس از سرکوب آخرین اعتصابات در معدن "پیاست"، ۲۰۰۰ نفر از کار در این کارخانه اخراج شدند.

بسیاری از سازمانهای مستقل منحل و غیرقانونی شدند، در ۵ ژانویه ۱۹۸۲، انجمن دانشجویان مستقل ممنوع شد و بسیاری از اعضای آن دستگیر شدند، در ۲۰ مارس ۱۹۸۲، انجمن روزنامه نگاران لهستانی‌ها منحل شد، در سال ۱۹۸۳، انجمن هنرمندان و طراحان لهستان و اتحادیه نویسندگان لهستان منحل شدند

اگرچه پیش از سال ۱۹۸۱ نیز مهاجرت لهستانی‌ها به خارج از مرزهای این کشور نیز وجود داشت اما افزایش سرکوب‌ها و نداشتن چشم‌انداز مادی و آزادی سیاسی منجر به تشدید موج مهاجرتی خصوصاً در نسل جوان و بین نیروهای متخصص گردید به گونه‌ای که هزاران دانشمند، پزشک و مهندس تا سال ۱۹۸۶ از این کشور مهاجرت کردند.





اندیشه



مدخل "خوب زیستن" در دانشنامه فلسفی استنفورد - بخش سوم

نظریه های بدیل برای لذت گرایی

نوشته راجر کریسپ



کاظم طیبی فرد

k.tayyebifard@gmail.com

این نوشتار که سومین بخش از ترجمه مقاله "خوب زیستن" (well-being) است، به دو نظریه فلسفی دیگر راجع به مسئله "خوب زیستن" می پردازد. بعد از آنکه در بخش اول، کریسپ، نویسنده مقاله، مبانی و مفهوم مسئله را روشن نمود، و پس از آنکه در بخش دوم نظریه لذت گرایی را شرح داده و به نقد آن پرداخت، اینک با مرور تفکرات قائل به "نظریه تحقق امیال" و "نظریه های فهرست بیرونی" و نقد آنها، خواننده را برای آشنایی با نظریات اخلاقی در باب مسئله خوب زیستن آماده و محیا می نماید.

نظریه تحقق امیال (۱)

ماشین تجربه یکی از انگیزه های اتخاذ نظریه تحقق امیال است (۲) وقتی به دستگاه متصل هستید، به احتمال زیاد بسیاری از خواسته های اصلی شما برآورده نشده باقی می مانند. به عنوان مثال، تمایل خود را برای نوشتن یک رمان عالی در نظر بگیرید. ممکن است باور کنید که این همان کاری است که شما انجام می دهید، اما در واقع این فقط یک توهم است. بحث این است که شما می خواهید یک رمان عالی بنویسید، نه تجربه نوشتن یک رمان عالی.

اما از نظر تاریخی، دلیل تسلط فعلی نظریه های تحقق امیال در ظهور اقتصاد رفاهی نهفته است. لذت و درد درون سر مردم است و اندازه گیری آن نیز دشوار است، به ویژه هنگامی که ما باید تجربیات افراد مختلف را در برابر یکدیگر بسنجیم؛ بنابراین، اقتصاددانان "خوب زیستن" مردم را شامل ارضای ترجیحات یا خواسته هایی می دانند که محتوای آن خواسته ها می تواند با انتخاب صاحبان آنها آشکار شود. این امر، رتبه بندی ترجیحات و توسعه "عملکردهای مفید" را برای افراد ممکن می سازد و روش هایی برای ارزیابی ارزش رضایت از اولویت به دست می دهد (مثل، استفاده از پول به عنوان یک استاندارد).

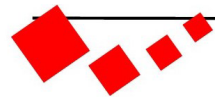
ساده ترین نسخه از نظریه "تحقق امیال" را می توان نظریه "تحقق امیال کنونی" نامید که بر اساس آن تا آنجا که خواسته های فعلی شخص برآورده می شود، وضعیت بهتری دارد. این نظریه در اجتناب از اعتراض ماشین تجربه موفق است؛ اما مشکلات جدی خود را دارد. مثلاً نوجوانی عصبانی را در نظر بگیرید که مادرش به او می گوید که نمی تواند در یک کلوپ شبانه شرکت کند. به همین خاطر اسلحه ای به سمت سر خود می گیرد و می خواهد ماشه را بکشد و کار مادرش را تلافی کند. به یاد داشته باشید که دامنه نظریه های "خوب زیستن" باید کل یک زندگی باشد. از این رو، این غیر ممکن است که آن نوجوان با کشیدن ماشه زندگی خود را به بهترین شکل ممکن پیش ببرد. شاید بتوانیم نظریه "تحقق امیال ساده" را به عنوان نظریه "خوب زیستن" در زمان خاص تفسیر کنیم اما حتی در آن صورت نیز نامطلوب به نظر می رسد. از هر زاویه ای بنگریم، اگر آن

نوجوان اسلحه را زمین بگذارد، وضعیت بهتری خواهد داشت. بنابراین، می بایست به سراغ یک نظریه جامع (۳) درباره میل برویم که بر اساس آن، آنچه برای "خوب زیستن" افراد اهمیت دارد، سطح کلی رضایت و میل، به عنوان یک کل در زندگی آنها است. یک نسخه خلاصه از این نظریه به طور واضح نشان می دهد که هر چه خواسته ها در زندگی بیشتر برآورده شود، بهتر است. اما این نسخه با مثال اعتیاد درک پارفیت (۴) روبرو می شود.

تصور کنید که می توانید مصرف یک داروی بسیار اعتیادآور را شروع کنید که هر روز صبح میل شدیدی به این دارو در شما ایجاد می کند. مصرف دارو هیچ لذتی برای شما نخواهد داشت اما عدم مصرف آن رنج بسیار شدیدی برای شما به همراه خواهد داشت. در دسترس بودن دارو مشکلی ایجاد نمی کند و هیچ هزینه ای برای شما ندارد. اما چه دلیلی دارید که آن را قبول کنید؟ (۵)

یک نسخه جهانی از همین نظریه جامع، خواسته ها را رتبه بندی می کند، به طوری که خواسته های مربوط به شکل و محتوای زندگی فرد در اولویت قرار می گیرد؛ بنابراین، اگر ترجیح می دهید معتاد به مواد مخدر نشوم، این نظریه توضیح می دهد که چرا برای من بهتر است داروی پارفیت را نخورم. اما حالا مثال "راهب یتیم" را در نظر بگیرید. این مرد راهب جوان در همان سنین اولیه آموزش راهب بودن را آغاز کرد و تحت پوشش زندگی می کرد. اکنون و با رسیدن به سن جوانی سه گزینه به او پیشنهاد شد. اینکه راهب بماند یا اینکه آشپز و یا باغبان در خارج صومعه شود. او تصویری از این گزینه ها ندارد، بنابراین تصمیم می گیرد که راهب بماند. اما آیا مطمئن امکان دارد که اگر در خارج از صومعه زندگی کند زندگی او برای او بهتر باشد؟

دلیل تسلط فعلی نظریه های تحقق امیال در ظهور اقتصاد رفاهی هفته است



بنابراین، ما اکنون باید به سراغ نسخه "تمایل آگاهانه" از این نظریه جامع برویم (۶). بر اساس نسخه "تمایل آگاهانه"، بهترین زندگی آن است که من آرزو می کنم ای کاش از همه حقایق غیر ارزیابانه کاملاً مطلع باشم. اما اکنون مثال موسوم به "پیشخوان چمن" را که جان راولز (۷) پیشنهاد کرده است، نظر



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۵۷

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

بیشتر نتیجه عقیده است تا عقیده نتیجه میل (۸). به عبارت دیگر، ما چیزهایی را دوست داریم، مانند نوشتن یک رمان عالی، زیرا فکر می کنیم آن چیزها به طور مستقل خوب هستند. ما فکر نمی کنیم آنها خوب باشند؛ زیرا تمایل ما به آنها را برآورده می کند.

نظریه های "فهرست بیرونی"

تمایز سه گانه ای که بین نظریه های مختلف "خوب زیستن" استفاده می کنیم در اخلاق معاصر رایج شده است. (۹) با این حال، مانند بسیاری از طبقه بندی ها، مشکلاتی نیز هست؛ زیرا این تمایزات می تواند راه های دیگر توصیف دیدگاه ها را کور کند (۱۰). نظریه های "فهرست بیرونی" معمولاً به عنوان نظریه هایی در نظر گرفته می شوند که مواردی را که شامل "خوب زیستن" هستند را تشکیل می دهند، نه اینکه فقط در تجربه ای لذت بخش و در ارضای خواسته ها وجود داشته باشند. به عنوان مثال، چنین مواردی ممکن است شامل دانش یا دوستی باشند. اما لازم است به خاطر بسپاریم که لذت گرایی، ممکن است به عنوان یک نوع از نظریه «فهرست بیرونی» تلقی شود و از دیگر سو، ممکن است همه نظریه های «فهرست بیرونی» به طور کلی با نظریه های میل مطابقت داشته باشد.

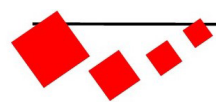
چه چیزی باید در این لیست باشد؟ (۱۱) مهم این است که باید هر کالایی در آن گنجانده شود. همان طور که ارسطو می گوید: "ما آنچه را که خودبسنده (۱۲) است و به تنهایی زندگی را شایسته انتخاب و فاقد خلل می کند، می پذیریم. ما فکر می کنیم خوشبختی چنین چیزی است، و در واقع چیزی که بیشتر از همه ارزش انتخاب دارد، در بین چیزهای دیگر تنها یک چیز محسوب نمی شود" (۱۳). به عبارت دیگر، اگر شما ادعا می کنید که "خوب زیستن" تنها شامل دوستی و لذت می شود، من اگر بتوانم نشان دهم که دانش نیز چیزی است که باعث بهبود وضعیت مردم می شود، می توانم فهرست شما را نامطلوب نشان دهم.

طبق نظریه پردازان نظریه "فهرست بیرونی"، "خوب ساز" چیست؟ این بستگی به نوع نسخه نظریه دارد. یکی از آنها کمال گرایی است که به تازگی تحت تأثیر ارسطو و توسط توماس هور کار ارائه شده (۱۴) و بر اساس آن، چیزی که باعث ایجاد "خوب زیستن" می شود، طبیعت کامل انسانی آنهاست. (۱۵) به عنوان مثال، اگر دستیابی به دانش، جزء طبیعت انسان است، پس یک فرد کمال گرا باید ادعا کند که دانش مؤلفه "خوب زیستن" است. اما هیچ چیز نمی تواند مانع ادعای نظریه پرداز فهرست بیرونی شود که همه موارد مشترک در لیست او این است که هر کدام از آنها به روش خاص خود، "خوب زیستن" را بهبود می بخشد. چگونه تصمیم می گیریم که چه چیزی در لیست قرار می گیرد؟ اگر می خواهید، تنها چیزی که می توانیم روی آن کار کنیم، ارائه قوه حکم تأملی - شهود (۱۶) است گرچه نباید از این نتیجه گرفت که نظریه پردازان فهرست عینی، چون شهودی

بگیرید. یک ریاضی دان در خشان دانشگاه هاروارد را تصور کنید که تمایل مفرطی برای شمارش تیغه های چمن های فضای سبز دانشگاه هاروارد دارد. او در مورد گزینه های موجود به طور کامل آگاه است، مانند دستگاه تجربه، این مورد نمونه دیگری از "بستر" فلسفی موضوع است. برخی معتقدند که اگر او واقعاً مطلع باشد و از برخی بیماری های عصبی رنج نبرد، زندگی با شمارش چمن برای این شخص بهترین زندگی خواهد بود.

توجه داشته باشید که در دیدگاه "تمایل آگاهانه"، در واقع، شخص باید خواسته های مورد بحث برای به دست آوردن "خوب زیستن" را دارا باشد. یعنی اگر در مورد من چنین بود، اگر کاملاً مطلع بودم، من به چیزی علاقه مند بودم که در حال حاضر هیچ تمایلی به آن ندارم؛ و اگر در حال حاضر آن شیء به من سود نمی دهد، هر نظریه ای که چنین ادعایی داشته باشد، یک نظریه "فهرست

بر اساس نسخه "تمایل آگاهانه"، بهترین زندگی آن است که من آرزو می کنم ای کاش از همه حقایق غیر آرزو یابانه کاملاً مطلع باشم.



بیرونی" با معرفت شناسی مبتنی بر میل است.

به نظر می رسد همه این موارد اشکال برای نظریه های تمایل، نشانه های یک مشکل کلی تر هستند. بار دیگر تمایز بین نظریه های اساسی و رسمی "خوب زیستن" را به یاد آورید. اولی، مؤلفه های رفاه (مانند لذت) را بیان می کند، در حالی که دومی بیان می کند که چه چیزی این چیزها را برای مردم خوب یا برای مثال خوشایند می کند. اساساً، یک نظریه پرداز طرفدار "تحقق امیال" و یک لذت گرا ممکن است در مورد اینکه تجربیات لذت بخش زندگی را برای مردم خوب می کند توافق کنند اما از نظر رسمی این دو متفاوت خواهند بود چون لذت گرایان از خوشایند بودن به عنوان خالق خوب یاد می کنند، در حالی که نظریه پرداز پيرو نظریه "تحقق امیال" باید به ارضای خواسته اشاره کند. البته در اینجا باید به این نکته اشاره کرد که اگر کسی لذت را به عنوان تجربه ای توصیف کند که سوژه مورد نظر می خواهد آن را ادامه دهد، تشخیص تمایز لذت طلبی و نظریه های تحقق امیال بسیار دشوار می شود.

این تفکر که ارضای خواسته و میل یک "ویژگی خوب" است تا حدودی عجیب به نظر می رسد. همان طور که ارسطو در کتاب متافیزیک می گوید: "میل





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷
۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

هستند، رضایت کمتری نسبت به دو نظریه دیگر دارند؛ بلکه برای این نظریه‌ها نیز می‌تواند تنها بر اساس قوه حکم تأملی باشد. همچنین نباید تصور کرد که شهودگرایی استدلال را رد می‌کند. استدلال یکی از راه‌هایی است که بشر را به دیدن حقیقت می‌رساند. علاوه بر این، باید به‌خاطر داشته باشیم که ممکن است در شهود اشتباه کنیم. در واقع، همان‌طور که در بالا پیشنهاد شد، تلاش برای تضعیف اعتبار اثبات شده بسیاری از باورهای طبیعی مادر مورد آنچه برای بشر مفید است، قوی‌ترین خط دفاعی است که در اختیار لذت‌طلبان قرار دارد. یکی از اعتراضات رایج در مورد نظریه‌های "فهرست بیرونی" این است که آن نظریه‌ها نخبه‌گرا هستند؛ چون به نظر می‌رسد مدعی هستند که برخی چیزها برای مردم خوب است، حتی اگر افراد از آنها لذت نبرند و حتی آنها را نخواهند. یک استراتژی که در اینجا ممکن است اتخاذ شود قرائت "ترکیبی" است. بر اساس این استراتژی، چیزهای خاصی مستقل از لذت و رضایت از خواسته‌ها، به نفع اشخاص است، اما فقط در صورتی که واقعا لذت یا ارضای خواسته‌ها را به ارمغان بیاورد. یکی موضع دیگر این است که یک نظریه می‌تواند هم نخبه‌گرا باشد و هم درست.

همچنین لازم به ذکر است که نظریه‌های فهرست عینی به هیچ نوع اقتدارگرایی (حجیت قول باوری) (۱۷) ناشایست یا کمال‌گرایی نیازی ندارند. اولاً، ممکن است کسی بخواهد استقلال را در لیست خود قرار دهد و ادعا کند که زندگی آگاهانه و بازتابیده از زندگی شخصی خود برای خود، یک امر خوب محسوب می‌شود. دوم، و شاید مهم‌تر اینکه ممکن است توجه داشته باشید که هر نظریه‌ای درباره "خوب زیستن" به خودی خود پیامدهای اخلاقی مستقیم ندارد. هیچ چیز منطقی نمی‌تواند مانع از این شود که فرد دارای تصورات بسیار نخبه‌گرایانه از "خوب زیستن" در کنار دیدگاه لیبرالی سختگیرانه‌ای باشد که از هر نوع دخالت پدانه در زندگی شخص منع می‌کند (در واقع، از نظر برخی تفاسیر، موضع جی اس میل نزدیک به این است).

در واقع اگر نظریه‌های تحقق امیال در معکوس کردن رابطه بین میل و آنچه خوب است اشتباه کنند، دیدگاهی غیرقابل قبول نیستند. این بحث و مجادله‌ای جدی بین لذت‌گرایی و نظریه‌های فهرست بیرونی است و همان‌طور که در بالا پیشنهاد شد، آنچه در اینجا بیشتر مورد توجه است، مسئله کفایت معرفتی باورهای مادر مورد "خوب زیستن" است. بهترین راه برای حل این مسئله، حداقل تا حد زیادی این است که بار دیگر به اعتراض ماشین تجربه‌باز گردیم و به دنبال کشف این موضوع باشیم که آیا این اعتراض واقعا وجود دارد یا خیر.



مآخذ و پانوسه‌ها:

۱. Desire Theories
۲. برای آشنایی با این دیدگاه نک: Heathwood, C., ۲۰۱۶, "Desire-Fulfillment Theory", in Fletcher (۲۰۱۶b), ۱۲۵-۴۷
- و نیز: —, ۲۰۱۹, "Which Desires are Relevant to Well-being?", Nous, ۵۳: ۶۶۴-۸۸.

۳. کلمه comprehensive در لغت به معنای جامع، و اصطلاحی منطقی و روشناختی است که به نظریه‌ای که بتواند احاطه یابی داشته باشد اطلاق می‌شود. در فلسفه علم، یک نظریه می‌باید جامعیت و احاطه داشته باشد و بتواند موارد و پدیده‌های بیشتری را شامل شود. در اینجا نیز، مقصود مؤلف مقاله این است که با توجه به نقص‌هایی که درباره نظریه تحقق امیال بیان شده، باید به دنبال نسخه‌ای از این نظریه باشیم که جامعیت بیشتری داشته باشد. [مترجم]

۴. (۲۰۱۷-۱۹۴۲) Derek Parfit (فیلیسوف اخلاق انگلیسی)
۵. Parfit, D., ۱۹۸۴, Reasons and Persons, Oxford: Clarendon Press, ۳۹۷
۶. Sobel, D., ۱۹۹۴, "Full-information Accounts of Well-being", Ethics, ۱۰۴: ۷۸۴-۸۱۰

۷. جان راولز (۱۹۲۱-۲۰۰۲) فیلسوف لیبرال آمریکایی است که به دلیل صورت‌بندی نظریه عدالت شهرت بسیار دارد. وی از چهره‌های به نام فلسفه سیاسی و فلسفه اخلاق در سده بیستم بود که در سال ۱۹۹۹، جایزه رالف شک و مدال منطق و فلسفه و علوم انسانی را دریافت کرد. اثر مشهور وی "نظریه عدالت یا نظریه‌ای در باب عدالت، یکی از منابع کلاسیک فلسفه سیاسی محسوب می‌شود. این کتاب، تنها در آمریکا دست کم ۲۰۰ هزار جلد فروش داشته و تا کنون به بیش از ۲۰ زبان ترجمه شده است. ترجمه فارسی این اثر: نظریه عدالت، ترجمه محمد کمال سروربان و مرتضی بحرانی، با مقدمه رضا داوری اردکانی تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۷ ش

۸. برای ترجمه فارسی نک: ارسطو؛ مابعدالطبیعه، مترجم محمدحسن لطفی تبریزی، تهران: طرح نو، ۱۳۷۸، صص ۴۷۷ تا ۴۸۰

Aristotle, Metaphysics, in The Complete Works of Aristotle, J. Barnes (ed.), Princeton: Princeton University Press, ۱۹۸۴, ۱۰۷۲a, tr. Ross

۹. Parfit, ibid, app. I
- see Kagan ۱۹۹۲; Hurka ۲۰۱۹, ۱۰
۱۱. Moore, A., ۲۰۰۰, "Objective Human Goods", in B. Hooker and R. Crisp (eds.), Well-being and Morality: Essays in Honour of James Griffin, Oxford: Clarendon Press, ۷۵-۸۹

۱۲. خودبسنده: self-sufficient ارسطو مقصودش از خودبسنده را چنین بیان کرده: "حالت چیزی یا کسی که به خود مکتفی است و صرف نظر از همه چیز حیات را خواستنی می‌کند و به چیز دیگری نیاز و احتیاجی ندارد"

۱۳. Aristotle, Nicomachean Ethics, R. Crisp (ed.), Cambridge: Cambridge University Press, ۲۰۰۰, ۱۱۹۷b
۱۴. Bradford, G., ۲۰۱۷, "Problems for Perfectionism", Utilitas, ۲۹: ۳۴۴-۶۴

Hurka, T., ۱۹۹۳, Perfectionism, Oxford: Clarendon Press

۱۵. در مورد تاریخ کمال‌گرایی (perfectionism) مدرن ر.نک: Brink, D., ۲۰۱۹, "Normative Perfectionism and the Kantian Tradition", Philosophers' Imprint, ۱۹: ۱-۲۸

۱۶. قوه حکم تأملی reflective judgement: قوه حکم تأملی در فلسفه کانت، نوعی از قوه حکم است و قوه حکم به‌طور کلی، قوه‌ای است که جزئی را به عنوان اینکه مندرج و داخل در کلی است، تعقل می‌کند. برخلاف قوه حکم یقینی determinat judgment قوه حکم تأملی، قوه حکم است در حالتی که فقط یک امر جزئی داده شده باشد و بنا باشد کلی آن پیدا شود. بنابراین، مقصود نویسنده مقاله در اینجا این است که بر اساس اجزائی که داخل در زندگی خوب هستند و با شهود آنها به بازشناسی حکم کلی "خوب زیستن" دست یابیم.

برای توضیح این اصلاح نک: کورنر، اشرفان، فلسفه کانت، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ سوم، ۱۳۸۹ ش، صص ۳۳۱-۳۳۲. همین اصلاح را منوچهر بزرگمهر در ترجمه جلد ۴ تاریخ فلسفه کاپلستون به "قوه حاکمه تفکری" ترجمه کرده است.

۱۷. authoritarianism به معنای حجیت قول باوری، نظریه شناختی که عقیده دارد آنچه صدق هر قول و گزاره‌ای را تعیین می‌کنند، آن است که تأیید شخص یا گروهی از اشخاص موقت و مورد احترام باشد (نک: فرهنگ فلسفه، انتشارات موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۹۹) [مترجم]



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

مروری بر کتاب "بزهکاری نوجوانان و ریشه های آن"

نسل Z، نسل پر خطر



سکینه باران چشمه

sakinehbarancheshmeh@gmail.com

کانگر (۱۹۸۳) ازدیاد جرم و جنایت و تشکیل باندهای بزهکاری را توسط نوجوانان از اختصاصات جوامع کنونی دانسته و معتقد است که تحریک جامعه امروزی با پدیده هایی از قبیل صنعتی شدن کشورها، ازدیاد مهاجرت، نفوذ فرهنگ های مختلف در یکدیگر، ازدیاد مشکلات اجتماعی، اختلاف طبقاتی و فقر، فقدان اعتقادات مذهبی و اخلاقی، منازعات خانوادگی و غیره، انگیزه های برون و درونی نوجوانان را در ارتکاب بزهکاری تشکیل می دهد.

تحقیقات میدانی مؤسسه تحقیق جرم و جنایت در امریکا نشانگر این مطلب مهم بوده است که بین سال های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۹ میزان جنایت ۶۹ درصد، تجاوزهای جنسی ۱۶ درصد و بالاخره مشاجرات توأم با خشونت ۱۰۲ درصد نسبت به سال های قبل از آن افزایش داشته است. به طور کلی، بزهکاری عبارت است از مجموعه رفتارهایی که نوجوانان و جوانان برخلاف قوانین اجتماعی و اخلاقی مرتکب می شوند.

علل بزهکاری، عبارت است از مجموعه ویژگی های فردی، اخلاقی، خانوادگی، مذهبی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و بزه ها، عبارت اند از عملی که برخلاف موازین، مقررات، قوانین و معیارهای ارزشی و فرهنگی جامعه باشد. اعمال بزهکارانه نوجوانان اموری است که قانون آن را برای نوجوانان به عنوان بزه تعریف می کند. قوانین مربوط به بزه نوجوانان در کشورهای مختلف فرق می کند؛ اما به طور کلی بزهکاری است که متهم به ارتکاب عمل ضد اجتماعی یا قانون شکنی شده است. البته بعضی معتقدند که جرم عملی است که باعث برهم خوردن نظم اجتماعی می شود و برخی دیگر جرم را یک پدیده جهانی و همگانی می دانند که از بدو پیدایش انسان به نحوه های گوناگونی مثل سرپیچی، سرکشی، رفتار ناشایست به عنوان جرم وجود داشته است.

در یونان باستان و قبل از شروع تحقیقات علمی، در تعریف بزه، علت ارتکاب بزه را تقدیر یا سرنوشت می دانستند و معتقد بوده اند که سرنوشت و یا تقدیر رفتار و کردار افراد را تحت تأثیر قرار می دهد و ناشی از مشیت خدایان و یا نفوذ اراده نیروهای مرموزی است که خواست و اختیار بشر در آن نقشی ندارد.

بزهکاری عبارت است از مجموعه رفتارهایی که نوجوانان و جوانان برخلاف قوانین اجتماعی و اخلاقی مرتکب می شوند.

افلاطون، عوامل اجتماعی و اقتصادی، مخصوصاً فقر و ثروت را منشأ بروز جرائم می داند و معتقد است که دو عامل مذکور، عواطف انسانی را در گون ساخته

در ماه های اخیر و پس اعتراضات، نسل موسوم به نسل Z یعنی نوجوانان، مورد توجه قرار گرفتند، چرا که محور اعتراضات، مطالبات آنها بود. تلاطم و عصیان که مقتضای سن این نسل است، از قضا، با انبوه مطالبات اجتماعی انباشته شده مقارن شد. این نسل پر خطر، امروز بیش از هر روز در معرض خطر انحراف است. در نوشتار زیر، خانم سکینه باران چشمه، دانشجوی علوم تربیتی، تلخیصی از کتاب "بزهکاری نوجوانان و ریشه های آن"، نوشته رخشنده ابرقوئی را بازنویسی و تلخیص کرده که حاوی نکات راهبردی و مهمی برای خانواده ها، نظام آموزشی و مدیران سیاسی است.

یکی از مسائل ناراحت کننده امروز که توجه محققان، جامعه شناسان و روان شناسان را به خود جلب کرده موضوع نوجوانان و جوانان بزهکار است، نویسنده با اشاره به اینکه بعضی ارتکاب جوانان به گناه را از اختصاصات جوامع متمدن و پیشرفته امروزی دانسته اند، ادامه می دهد که عده ای اعتقاد دارند که بشر به همان سرعتی که به سوی پیشرفت و تکامل صنعتی و مادی پیش می رود از معنویات فاصله می گیرد و به سوی تبهکاری و قانون شکنی گام برمی دارد. عده ای هم علت این پدیده را سستی اعتقادات دینی و مذهبی دانسته اند و معتقدند که علم و ایمان و عمل صالح موجب رشد انسان را فراهم می کند و اخلاق نکوهیده مانند خود پرستی، حب دنیا و تکبر سبب می شود انسان از رشد و کمال بازمانده و در نهایت به تبهکاری و ارتکاب گناه روی آورد.

بزهکاری و علل و انگیزه های آن از جمله مشکلات اجتماعی است که از دیرباز چشم تیزبین و ذهن روشن محققین و دانشمندان از آن غافل نبوده است. افزایش میزان تبهکاری و بزهکاری از چند قرن پیش یعنی از اواخر قرن نوزدهم و پس از دو جنگ بین الملل اول و دوم که منجر به متلاشی شدن خانواده ها و سرگردانی کودکان گردید، مورد بحث محافل بین الملل قرار گرفت. در سال ۱۹۸۴ در اعلامیه حقوق بشر و اعلامیه های سایر سازمان های بین المللی لزوم توجه به حقوق اساسی و ارزش های بشری و حفظ حقوق حق کودکان منظور گردیده و به رسمیت شناخته شده است.

بزهکاری نوجوانان یکی از انواع ناسازگاری زیستی، روانی، اجتماعی است و چنانچه "لاوری" می گوید، سلوک رفتاری که خود شخص را از رضاء نماید؛ ولی مورد پسند جامعه نباشد سلوک دشوار یا بزهکاری و حتی در برخی موارد جنایت نامیده می شود.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

و افراد را به طرف ارتکاب بزه می کشاند.

کین برگ، جرم شناس سوئدی، بزه کاران را از نظر تیپ بدنی و قیافه طبقه بندی می کرد و معتقد بود که بروز تمایلات نفسانی و وضع اعضای بدن به چهار خصلت روانی مربوط می شود؛ ۱. لیاقت ۲. سلامت ۳. عادت ۴. پایداری. انواع جرم های ارتكابی نوجوانان را می توان به این صورت دسته بندی کرد؛ ۱. قتل ۲. سرقت ۳. استعمال مواد مخدر ۴. ایراد ضرب و جرح ۵. اعمال منافی عفت ۶. تکدی گری ۷. کلاهبرداری ۸. رشوه. شیوع این بزه ها در میان دختران و پسران بزه کار تفاوت فاحشی دارد و دلیل آن تفاوت های جنسیتی در آسیب پذیری در برابر فشارهاست.

شیوع این بزه ها در میان دختران و پسران بزه کار تفاوت فاحشی دارد و دلیل آن تفاوت های جنسیتی در آسیب پذیری در برابر فشارهاست

در دوران کودکی، اختلال روانی در پسران شایع تر از دختران است. شایع ترین اختلال دوران کودکی، اختلال در رفتار و اختلال کمبود توجه است. علاوه بر این، اختلال هویت جنسی نیز اختلال نادری است که در پسران شایع تر از دختران است. در مقابل، اما، دختران به مراتب بیشتر از پسران از مشکلات عاطفی و به خصوص از اختلال اضطراب برخوردار هستند.

در یونان قدیم و در قرون وسطی مسئله بزه همواره از نقطه نظر اخلاق و قانون مورد مطالعه قرار می گرفت و به همین علت نظر متفکرانی همچون، سقراط، پروتاگوراس، هراکلیتوس و افلاطون را به خود جلب کرده است. دانشمندانی چون کنتیلین، سالوست، ویرژیل و ژوونال فقر و بدبختی را عامل بزرگ ناپسامانی به شمار می آوردند. در قرن هفدهم در روم و نیز در اوایل سده

هجدهم در انگلستان، دانشگاه هایی به سبک امروزی برای نوجوانان بزه کار ایجاد شد و بیمارستان سنت میشل در روم، برای بهسازی، اصلاح و آموزش نوجوانان هرزه و فاسق اختصاص یافت.

در انگلستان، نهاد اصلاح و بهسازی کینگزودود تأسیس شد تا گروه های نوجوان قانون شکن که به خیابان های شهرهای جدید صنعتی هجوم می آورند و منشأ اذیت و آزار عامه بودند را بازداشت کنند. در اواسط قرن ۱۸، در فرانسه، قیام هایی علیه بی رحمی و استبداد در مجازات صورت گرفت که در این مبارزه فلاسفه بزرگی چون منتیسکو، روسو، ولتر، دلباخ، مشارکت نمودند.

در واقع، در قرن ۱۹ است که جرم شناسی به صورت علمی شروع به گسترش کرد و در سایه روانپزشکی بانیل و اسکیرول به وجود آمد. در حقیقت از سال ۱۸۷۵ به بعد اندیشه های جدید مبنی بر مشاهده و تجربه امور بزه کاری شروع به گسترش نمود و اولین مطالعات علمی را لمبروزو، ایزیکوفری و گاروفالو در ایتالیا پایه گذاری کردند.

مانند هر پدیده و موضوع علمی دیگر، توجه به تاریخچه واکنش اجتماعی در مقابل اطفال و نوجوانان بزه کار هم شایسته و بایسته توجه است. اصلاح بزه کاری نوجوانان، نخستین بار در انگلستان و در قرن نوزدهم میلادی مطرح شد. در امریکا نیز لایحه مربوط به تأسیس دادگاه اطفال در سال ۱۸۹۱ در شیکاگو به مجلس قانون گذاری ایلینوی تقدیم شد. این لایحه در سال ۱۸۹۹ به تصویب رسید و به صورت قانون درآمد. هم زمان با تصویب این قانون، دادگاه های اطفال تشکیل گردید در سال ۱۹۰۹ در شیکاگو سازمان بسیار مهم و ارزنده ای به نام مؤسسه روان شناسی جوانان تأسیس گردید که کار اصلی آن، تحقیق و بررسی در رفتار و سلوک نوجوانان و همکاری نزدیک با دادگاه اطفال شهر شیکاگو بود.

معمولاً اسناد و قطعنامه های مختلفی از سوی سازمان ملل صادر شده که بعضی از آنها به مثابه قانون است و جنبه الزامی دارند و برخی اسناد جنبه ارشادی. باید گفت که از اسناد الزام آور ناظر بر اطفال بزه کار تنها معاهده حقوق کودک است که جنبه الزام آوری دارد و با مراقبت های اساسی آموزشی و بهداشتی آغاز، و از کودکان و نوجوانان در مقابل بهره کشی و سوء استفاده های مختلف، از جمله بهره کشی در زمینه کاری حمایت می کند. در اسناد ارشادی ناظر بر





بزهکارانه ریشه در یادگیری رفتار مشاهده شده دارد.

۴. رویکرد وضعیت اقتصادی؛ در ارزیابی رویکرد اقتصادی نیز همانند رویکرد روان شناختی، می توان ادعا کرد که تأثیر نابرابری اقتصادی در بزه، بیشتر از تأثیر عامل فقر است.

۵. رویکرد کنترل اجتماعی؛ به عقیده هیرش، بزهکاری به عنوان یک مسئله اجتماعی باید در عرصه خانواده، محله، مدرسه، همسالان و سایر ارگان ها یا مؤسسات اجتماعی که نوجوان به نوعی در آن ها عضویت دارد بررسی شود. وابستگی حساسیتی است که شخص نسبت به عقاید دیگران درباره خود نشان می دهد. در حقیقت یک نو عقیده و بند اخلاقی است که فرد را ملزم به رعایت هنجارهای اجتماعی می کند. این وابستگی راهبرش، همپایه وجدان یا من برتر می داند. این باورها، میزان اعتباری هستند که فرد برای هنجاری های قراردادی اجتماعی قائل است و در حالی که می تواند طبق میل خود از آنها تخلف کند، به آنها پایبند باقی می ماند. مانند باور به نیکو کاری و حسن شهرت.

۶. رویکرد پیوند افتراقی؛ بنابر این نظریه، نزدیکان و همسالانی که بزهکار باشند، در تشکیل و تقویت نگرش بزهکاری تأثیر گذارند. فرد را به سوی بزهکاری سوق می دهند. نظریه پیوند افتراقی، محتوای اجتماعی بزهکاری را در نظر دارد و فرد بزهکار را در جایگاه اجتماعی او از حیث رابطه اش با خانواده در نظر می گیرد. این نظریه ابتدا از سوی ساترلند و کرسی مطرح، و بعدها توسط دوفلور و کوینی بنا شده است.

۷. رویکردهای التقاطی؛ طبق این نگرش، مؤلفه اول را کنترل های خانوادگی، اجتماعی، روابط عاطفی کودک و نوجوان با افراد مهم در زندگی مثل اقوام، معلمان و دوستان صالح تشکیل می دهد. حال بر اساس همین رویکردها می توان به مطالعه بزهکاری کودکان و نوجوانان پرداخت و انواع و اقسام بزه و بزهکاری را تمیز داده و طبقه بندی نمود.

اقسام بزهکاری و علل آن

بزهکاران را از لحاظ مطالعات اجتماعی و از نظر عرف و قانون، بر حسب نوع عمل می توان به سه دسته تقسیم کرد؛

۱. بزهکاری بر علیه اشخاص عادی جامعه که زندگی عادی ای بر اساس فرهنگ و قانون برای خود انتخاب کرده اند مثل کشتن افراد به عمد و غیر عمد

۲. اقدام بر علیه دارایی و مالکیت مشروع دیگران، مثل ورود به خانه به قصد دزدی و بردن اموال منقول قیمتی

اطفال بزهکار در زمینه عدالت کیفری اطفال، به مجموعه قواعد سازمان ملل متحد درباره مدیریت و اعمال عدالت کیفری اطفال و همچنین به قواعد ملل متحد راجع به حمایت از اطفال محروم می توان اشاره کرد.

آمار و ارقام گوناگونی مربوط به بزهکاری اطفال و نوجوانان در کشورها و زمان های مختلف در دست است؛ اما به عنوان مثال، طبق گزارشی که یکی از حقوق دانان به نام گادلی برای سومین کنگره جرم شناسی تهیه کرده بود هفتاد درصد از کودکان و نوجوانان بزهکار، خانواده های گسسته و درهم ریخته دارند. در مطالعه بزهکاری کودکان و نوجوانان رویکردهای مختلف و گوناگونی از قدیم وجود داشته که به مهم ترین آنها اشاره می کنیم.

از اسناد الزام آور ناظر بر اطفال بزهکار تنها معاهده حقوق کودک است که جنبه الزام آوری دارد

انواع رویکردهای مطالعاتی

۱. رویکرد شکل ظاهری؛ یکی از قدیمی ترین نظریه های بزهکاری است که بر اساس ساختار زیستی و ظاهری بدن، بزهکاری را تبیین کرده. شلدون و کراچمر اندیشه تأثیر ریخت بدنی در پاسخ فرد نسبت به موقعیت مطرح، و بر اساس آن سه تیپ شخصیتی اندومرفیک، مزومرفیک و اکتومرفیک را معرفی کردند.

۲. رویکرد ساختار زیستی؛ این رویکرد به دور از هراس تباطی بین شکل ظاهری و اختلالات ذهنی، بر تأثیر نقش شخصیت زیستی فرد در رفتار بزهکارانه تأکید دارد. به طور خلاصه، رویکرد زیست شناختی به تعامل بین عوامل زیستی و محیط اجتماعی بیشتر تأکید دارد تا تأثیرات زیستی.

۳. رویکرد روان شناختی؛ در رویکردهای روان شناختی علاوه بر عوامل زیستی، عوامل موقعیتی در تبیین رفتار بزهکارانه مهم به نظر می رسند به همین دلیل بسیاری از پژوهش های زیست شناختی در مسئله بزهکاری توسط روان شناسان انجام شده. برخی نظریه های روان شناختی معتقد هستند رفتار



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

۳. بزهکاری بر علیه نظم عمومی و سلامت افراد جامعه مانند ارتکاب جرایمی از قبیل فحشا که نظم اجتماعی خانواده‌ها را برهم می‌زند و یا به عدم تشکیل خانواده منجر می‌گردد، یا مبادرت به قمار بازی کردن که حقوق دیگران را به مخاطره می‌اندازد، و یا استعمال مواد مخدر که به نیروی انسانی سازنده آسیب می‌رساند.

از نظر روان‌شناختی، اقسام سه‌گانه بزهکاری در میان گروه نوجوانان به دو گونه مختلف تقسیم می‌شود؛ ۱. بزهکاری گروهی و ۲. بزهکاری عصبی. در بزهکاری گروهی، افراد ناهنجاری‌های خاصی ندارند و تنها علت انحراف آنها عدم تبعیت از مقررات و نظم اجتماعی است. غالباً این افراد در مراکز نامساعد و محلات فاسد شهری نشو و نمو می‌کنند و از قواعد و معیارهای اخلاقی بی‌بهره می‌مانند. اما در نوع بزهکاری عصبی، گروهی دیگر از اطفال یا نوجوانان هستند که رفتارهای بزهکارانه‌ای از خود بروز می‌دهند بدون آنکه عوامل محیطی مشخصی ایجادکننده این نوع رفتارها باشند. این افراد ممکن است حتی از خانواده‌های مرفه، متشخص و پایبند به اصول اخلاقی باشند و در عین حال دست به دزدی بزنند، دروغ بگویند، انحرافات جنسی نشان دهند و یا از خانه بگریزند. در علت‌شناسی انواع بزهکاری، در قرن نوزدهم، دو نوع نگرش در مورد بزهکاری مقابل هم قرار گرفتند. نگرشی که معتقد بود بزهکاری دارای عامل ارثی بوده و منشأ بدنی مربوط است، به نارسایی‌ها و یا اختلالاتی که فرد از آغاز با خود به همراه داشته توجه می‌کرد و رویکرد دیگری که عامل اجتماعی را در ایجاد بزهکاری بی‌نهایت مؤثر می‌دانست. از همین رو است که به گفته ویکتور هوگو "هر مدرسه‌ای که باز شد، در حکم زندانی است که بسته می‌شود". البته تقسیم‌بندی جدیدی در مورد علل بزهکاری بیان شده که طبق آن، علل بزهکاری عبارت‌اند از: ۱. تحول بهنجار و سازگار اجتماعی، ۲. عوامل اجتماعی و ۳. عوامل بدنی سرشتی.

بر این اساس، خانواده، وظایفی مهم و محوری‌ای در تأمین نیازهای جسمی فرزندان، شروع یادگیری به عنوان منبع رشد و شکوفایی استعدادهای فرزندان داراست. پیوندهای دوستانه والدین، عاملی برای تعدیل نوجوانان، وسیله‌ای برای ارضای عواطف و موجهی برای جلوگیری از پدید آمدن نابسامانی است. و اختلاف والدین، از عوامل مهم و مؤثر بر بزهکاری نوجوانان. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که والدینی که از سطح بالایی در تحصیلات برخوردارند در مواجهه و برخورد و رابطه برقرار کردن با نوجوانانشان از مهارت کافی برخوردارند. در مقابل، بزهکاری نوجوانان پسر در زمینه مواد مخدر علل بسیاری دارد که یکی از مهم‌ترین آنها اعتیاد والدین است. البته باید توجه داشت که بزهکاری در زندگی هر نوجوانی به

شکل خاصی ظاهری می‌شود و معنا و مفهوم متفاوتی دارد. صاحب‌نظران معتقدند که احساس محرومیت جوانان در خانواده‌هایی با پایگاه اقتصادی، اجتماعی پایین، نبود شرایط مناسب زندگی و ارضای نامناسب نیازهای جوانان، آنان را به سمت رفتار بزهکارانه سوق می‌دهد. تعداد زیادی از بزهکاران در خانواده‌هایی بزرگ شده‌اند که از محبت والدین محروم بوده‌اند و بیشتر وقت‌ها میان اعضای خانواده آنها ناسازگاری، کدورت و درگیری وجود داشته است. برخی از نوجوانان نیز ممکن است به دلیل اختلالات روانی دست به اعمال خلاف بزنند و نتوانند تشخیص درست و مناسبی داشته باشند. معمولاً در سنین ۱۱ تا ۱۳ سالگی، مراحل اولیه دوران نوجوانی که مرحله جدایی نوجوان از خانواده است، تمایل به انجام اعمال خارج از فرم شروع می‌شود اما بیشترین میزان

هفتاد درصد از کودکان و نوجوانان بزهکار، خانواده‌های گسسته و درهم‌ریخته دارند.

بزهکاری در سنین ۱۵ تا ۱۸ سالگی دیده می‌شود. رفتاری ثبات والدین با فرزند، عقب ماندگی خانوادگی و حضور نداشتن یکی از والدین، از دیگر عوامل بروز بزهکاری است که خانواده در شکل‌گیری آن سهم بسزایی دارد. خانواده‌هایی که در آن یکی از والدین حضور نداشته باشد، احتمالاً موجب ناراحتی نوجوانان آن خانواده می‌شود، زیرا با نبود پدر و بخصوص مادر، نوجوان از کودکی احساس کمبود کرده و عواطف ناخوشایندی در او ایجاد می‌شود که عامل مهم بزهکاری در آینده خواهد شد. به قول توماس هابز، بسیاری از کودکان پریشان حال و آشفتنه از خانواده‌هایی هستند که از زندگی اجتماعی مجزا و بیگانه‌اند.

مثلاً در یک تحقیق میدانی بخصوص، در مقایسه ۲۹ اولیا اطفال سالم با اولیا اطفال ناسازگار دیده شده است که اولیا اطفال ناسازگار بیشتر به بیماری‌های شدید جسمانی، عقب‌ماندگی هوش، اختلالات عاطفی و می‌گساری مبتلا بوده‌اند و تعداد زیادی از آنها در سنین جوانی سابقه شرارت داشته‌اند. گرچه دانشمندان با پژوهش‌های اجتماعی، بر وضع نابسامان محیط خانوادگی در بروز جرائم تأکید کرده‌اند و اذعان داشته‌اند که وضع خانوادگی شخص



امر به صورت نقصی در آنان مشهود است.

در ارائه راه‌های پیش‌گیری از ارتکاب بزه اطفال و نوجوانان نقش مدارس پر رنگ و سرنوشت ساز می‌نماید. راهکارهایی چون کاهش تعداد شاگردان هر کلاس به صورتی که معلم بتواند به یکایک شاگردان رسیدگی کند، تربیت و آماده کردن معلمانی که نشان داده‌اند توانایی کار کردن به طور سازنده با کودکان را دارند، فراهم آوردن افراد متخصص برای کمک به معلمان در مواجهه با مسائل خاص در مدرسه، مهیا ساختن کلینیکی، مشتمل خدمات پزشکی، روان‌شناسی اجتماعی، برای کودکانی که به کمک‌هایی ورای مسئولیت مدرسه نیاز دارند، جلب پشتیبانی والدین و هماهنگ کردن تلاش‌های آنها و کارکنان مدرسه جهت طرح‌ریزی نقشه‌هایی به منظور مقابله کردن با مسائل بزهکاری، توجه به استعدادها و خلاقیت‌های دانش‌آموزان، وجود رابطه نزدیک و مستمر بین اولیا خانه و مدرسه، و ایجاد رابطه‌ای دوستانه و محیطی جذاب برای جلب اعتماد دانش‌آموزان، مهم‌ترین و تأثیر گذارترین این تمهیدات است.

رابطه‌ای مستقیم با بروز حالت خطرناک و بزهکاری وی دارد؛ اما باید توجه داشت که عوامل گوناگونی در بروز بزهکاری مؤثر است و تنها نمی‌توان علت خاص و واحدی را برای آن در نظر گرفت، این عوامل مختلف در کنار هم باعث می‌شود که بزهکاری در نوجوانان و اطفال به منصفه ظهور برسد.

مثلاً، مجموعه صفات موروثی منتقل شده از پدر و اجداد، تحولاتی که از آغاز زندگی جنینی رخ می‌دهد و بر تکوین شخصیت طفل مؤثر بوده و موجدی صفات تازه‌ای می‌گردیده و همچنین ترکیب و شکل گرفتن تمام آنها در یک وضعیت ثانوی و تازه‌ای تحت عنوان طینت و سرشت ذاتی شخص با توجه به اثراتی که حوادث و اتفاقات بعد از تولد در طفل بجای خواهد گذاشت، می‌تواند از عوامل مؤثر در بزهکاری اطفال و نوجوانان شود.

علل بزهکاری عبارت‌اند از: ۱. تحول بهنجار و سازگار اجتماعی، ۲. عوامل اجتماعی و ۳. عوامل بدنی سرشتی.

احساس محرومیت جوانان در خانواده‌هایی با پایگاه اقتصادی، اجتماعی پایین، نبود شرایط مناسب زندگی و ارضای نامناسب نیازهای جوانان، آنان را به سمت رفتار بزهکارانه سوق می‌دهد.

مرکز کنترل بیماری‌های امریکانیز استراتژی‌های جامعی را در مقابله با مسئله بزهکاری جوانان پیشنهاد کرده است که حول سه محور عمده خانواده گرایی، جامعه گرایی و استراتژی‌های پایشی سامان یافته‌اند. استراتژی‌های خانواده گرا بر مهارت‌هایی مانند آموزش والدین در مورد روش‌های فرزندپروری، مهارت‌هایی ارتباطی بین کودک و خانواده. حل مشکلات کودک تأکید می‌کنند و استراتژی‌های جامعه گرا، مهارت‌های لازم برای حل مشکلات فراهم می‌کنند به طوری که کودکان قادر باشند به جای برخورد بزهکارانه و متخلفانه، مسائل را به طریق درست حل کنند. اما استراتژی‌های پایشی بیشتر بر پایه الگوهای تربیتی مثبت بزرگسالان استوار است و می‌تواند خطر رفتار بزهکارانه را کاهش دهد.

در مورد این محرکات و علل روانی و جسمی و تأثیران در رفتار مجرمانه می‌توان گفت که بزه و بیماری روانی هر دوی که ریشه دارند و آن تضادی است که در مورد اول، در عالم خارج، و در مورد دوم در درون شخص وجود دارد. درد بیماری روانی این عدم هماهنگی درونی به علت تعلیم و تربیت غلط خانوادگی و سایر عوامل به وجود می‌آید؛ اما در بزه، فرد قادر نیست که خود را با شرایط محیط خارج هماهنگ سازد و آن را بپذیرد.

از دیگر عوامل مؤثر در بزهکاری اطفال، دوستی با افراد فاسد و بی‌بندوبار است. نوجوانانی که از خانواده طرد می‌شوند برای جبران کمبودهای عاطفی و روانی و برای کسب حمایت و تأیید، به دوستان هم‌سن و سال خود روی می‌آورد و به دنبال افرادی می‌گردد که مانند خودش هستند.

نداشتن وقار و متانت کافی همراه با بی‌قراری و ناآرامی، و عمل نکردن به نصایح، از ویژگی‌های عمده نوجوانان بزهکار است. همچنین، بدقولی برای آنها امری عادی است و این افراد دچار فقدان احساسات و یابی تفاوتی عاطفی هستند و این



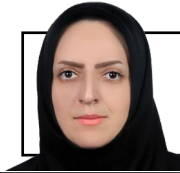
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

سخنی در باب ضرورت تجهیز معلم به فلسفه

فلسفه به مثابه روش تدریس



سمانه فاخری

Arghavant.95@gmail.com

تمام حرف من که شنیده نشد همین بود که فلسفه برای کودک مطاعی نیست که به خود کودک ارائه کنیم، دلپیش همان است که می توان از بیان دکتر اوجبی و دکتر عبدالکریمی استنتاج کرد؛ غربت تفکر. فرهنگ ما و نظام آموزش ما به گونه ای نیست که آموزگار اختیار و توان آن را داشته باشد که کودک را، ولو با استعداد، به ورطه پر مخاطره تفکر رهنمون شود. افسردگی و صدمه محتمل را که اغلب به سرخوردگی می انجامد چه کسی می تواند و می خواهد که تسکین دهد؟!

در نظامی که صدمه زدن و اهانت به دانش آموز فاجعه است که هست، اما اهانت و تخفیف معلم و حتی خبر آن درز گرفته می شود و فاجعه ای تلقی نمی شود، کجا رخصت و مجالی هست تا معلم کودک را به سرای دردمندی هدایت کند؟!

در بیان دلیل به همین میزان بسنده کنیم به صلاح نزدیک تر است. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل...

اما اینکه پس چرا آموزش فلسفه به کودکان را توصیه می کنیم، به شیوه تدریس و ارزیابی ای برمی گردد که چند سالی است در مقطع ابتدائی مدارس مان اعمال می شود یعنی شیوه ارزیابی توصیفی.

در شیوه آموزش فعال و توصیفی، و ارزشیابی کیفی متعاقب آن، بنا بر این

چندی پیش استاد فاضل و ارجمند، جناب آقای دکتر علی اوجبی (۱) در نوشتاری اینستاگرامی آورده: "فلسفه برای کودک به زور می خواهد وارد جامعه ما هم بشود. اما هم ناخوشایند است و هم ناشدنی، مگر آموزش فلسفه به بزرگسالان چه قدر رشد کرده که به آموزش فلسفه به کودکان امیدواریم. اساسا چه میزان به جامعه اجازه پرسشگری می دهیم. ناخوشایند است زیرا در جامعه ما فلسفه و پرسیدن، آدم ها را منزوی می کند و محبوبیت را از میان می برد. بگذارید بچه منزوی نشود و همچنان محبوب باشد. پرسیدن را به آنها یاد ندهید."

گذشته از طنز تلخ و واقعیت پنهان در این گفتار، به یاد حرف های به مانند همیشه صریح دکتر بیژن عبدالکریمی افتادم که می گفت: "این کشور بدون فوتبالیست و هنرپیشه کشور نمی شود؛ ولی بدون من معلم فلسفه و بدون تفکر کشور می شود. جامعه به تفکر احتیاج ندارد" (۲).

حالا در فیک، p۴c، فلسفه برای کودک یا هر اسم دیگری که برای این روش انتخاب کنیم، بیاییم و کودک را بکشانیم به آنجایی که تو هم صاحب اندیشه ای و پس بر کنار باش!!

من نیز طی سال های گذشته که معلم آموزش و پرورش بوده ام، تلاش کرده ام طرح فلسفه برای کودک را برای مسئولان آموزش جابیندازم، اثراتش به کنار، مقصودم را نیز دریافتند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

به دست آید موجب شغف دانش آموزان گردیده و بهجت حاصل از فهم و تلقی اینکه موضوعی برایشان جا افتاده در ذهنشان شکل می گیرد.

حال در چنین حالتی تجهیز مدرس به فلسفه و روش های تدریس آن به کودکان، می تواند پیوند مضمون در تمام علوم را پیش چشم کودکان آورد و یا حتی آنان را در دستیابی به نتایج فلسفی از دروس مختلف راهنمایی نماید.

نقش دوم فلسفه در فعالیت ذهنی را می توان به طور کلی ایجاد روحیه نقادی و کنکااشگری دانست. گرچه پروفیسور هوسله این مؤلفه را به سه نقش مجزا تقسیم می کند چنانچه می نویسد: ”نقش دوم در پاسخگویی به پرسش ها و مسائل اخلاقی بهره می گیرد و در جستجوی راه حل فلسفی برای هر یک از این پرسش هاست“

نقش دوم فلسفه که در اینجا آن را ذیل مؤلفه روحیه نقادی گنجانده ایم یقیناً ثمربخش ترین روش برای نهادینه سازی اخلاقیات است و می تواند به تثبیت آموزه های اخلاقی در دانش آموزان منجر شود. این کم فایده ای نیست و کیست که از بحران های اخلاقی موجود در جهان مدرن امروز و خلأ چنین آموزش هایی در مدارس اطلاع نداشته باشد. پر واضح است و اکنون مجالش نیست تا در باب تقویت اخلاق از راه مواجهه نقادانه با مسائل سخن به گوئیم ولیکن به همین اندازه بسنده می کنیم که یقیناً آموزه اخلاقی ای که از راه نقادی و مواجهه نقادانه شکل گرفته باشد تاب و توان مقاومت در مقابل شبهه ها را دارد. از طرف دیگر آموزه ای که با نقادی به دست آمده باشد توان بالقوه آن را دارد که در مقاطع زمانی مختلف به شکل مناسب وضعیت، تفسیر و به کار گرفته شود.

فلسفه از حیرت و پرسش آغاز می شود و سوق دادن حیرت کودک به سوی پرسشگری کار ما معلمان است نه پاسخ به آنها

هوسله نیز به همین مطلب اشاره دارد چنان که می گوید: ”اخلاقیات از راه علوم دیگر قابل درک نیست. به همین دلیل است که تربیت اخلاقی بدون تفکر در زمینه اخلاقیات، از این جهت قابل تردید است، چون ابزاری دقیق در اختیار فرد تربیت شده قرار نمی دهد تا بتواند در شرایطی تازه به تعیین راه حل های جدید مبادرت ورزد... آنچه تفکر فلسفی در کودک مستعد پدید می آورد همانا تردیدی اندیشمندانه است که به شناخت ارزش های اخلاقی می انجامد. طبیعتاً شخصیت کودک محدود به آموخته های فلسفی اش نیست؛ ولی تفکر فلسفی اش می تواند در حفظ و رشد این شخصیت مؤثر باشد.“ (۵)

مخلص کلام آنکه فلسفه از حیرت و پرسش آغاز می شود و سوق دادن حیرت کودک به سوی پرسشگری کار ما معلمان است نه پاسخ به آنها. این وظیفه همان است که فلسفه متولی آن است. معلم مسلح به فلسفه به مثابه کسی است که ماهیگیری می آموزاند نه آنکه ماهی اتفاق کند.

پی نوشت و مأخذ:

۱. دکتر علی اوجی، پژوهشگر فلسفه و مصحح نام آشنای آثار متقدم فلسفی ای چون ”اشراق هیکال النور“ نوشته غیاث الدین دشتکی، ”انیس العارفین“ نوشته عبدالرزاق کاشانی و مؤلف آثاری چون ”سهروردی پژوهی“ و ”سهروردی به روایت اشکوری وارد کانی“.

۲. گفتگوی تلویزیونی دکتر بیژن عبدالکریمی، استاد فلسفه دانشگاه باقر نامه ”گفتگوی تنهایی“، شبکه چهارم سیما

۳. ویتوریو هوسله و نورا. ک، محفل فیلسوفان خاموش، ترجمه کوروش صفوی، چاپ سوم، تهران، نشر هرمس، ۱۳۹۲ خ

۴. همان، ۲۶۷.

۵. همان، همان جا

است که هر دانش آموز مهارت اندیشیدن و آموختن را خود بیاموزد و با تمرین و به کارگیری همراهی معلم، آنچه در توان دارد را به منصفه ظهور برساند لذا این چنین است که از پس چنین آموزشی، ارزشیابی می باید کیفی بوده و از مقایسه و درجه بندی دانش آموزان احتراز شود.

تمام حرف من که شنیده نشد همین بود که فلسفه برای کودک مطاعی نیست که به خود کودک ارائه کنیم،

گرچه اکنون این شیوه آموزش و ارزشیابی فقط و فقط به عنوان ابزاری جهت آمار سازی و لا پوشانی سطح علمی دانش آموزان در آمده، لیکن هدف و نحوه اجرای شیوه توصیفی ایجاب می نماید، آموزگار و معلمی که به مثابه یک همراه، نو آموزان را تا مقصد مهارت و دانش مشایعت می نماید خود به مقصد اشراف داشته و مسلح به ابزاری بوده باشد که به وسیله آن به ترغیب متعلم مبادرت ورزد. اما در این میان فلسفه به چه کار می آید؟ فلسفه همان ابزاری است که معلم می باید بدان مجهز شود. تجهیز معلم به این ابزار به قصد راهبرد دانش آموزان است. این چنین است که فلسفه به صورت غیر مستقیم به خدمت دانش آموزان در می آید.

ویتوریو هوسله، استاد فلسفه در آلمان، مجموعه نامه نگاری هایش با دختری به نام ”نورا“ را در کتابی به نام ”محفل فیلسوفان خاموش“ (۳) تدوین کرده و در بخش پایانی آن مقاله ای در تحلیل روند آموزش فلسفه به کودک، با تجزیه و تحلیل همین نامه ها پیوست نموده است. او در این مقاله چهار نقش عمده فلسفه را در ذهن نورا احصاء نموده که به گمان من و با مقصود من می توان آن چهار نقش را در دو مؤلفه جمع نمود.

اولین نقش فلسفه در ذهن نورا، همانا نقش فلسفه است در پیوند دادن میان حوزه های علمی مختلف.

تصور نمی کنم هیچ بحث فلسفی را بتوان یافت که صرفاً با داده های فلسفی تغذیه شود. در هر مبحثی و هر مسئله ای از فلسفه، ابتناء به مسلمات و مشهوراتی از علوم دیگر همراه لازم می آید و فلسفه گریزی از استمداد از علوم تجربی ندارد. به عنوان مثال مبحث اثبات وجود خدا را در نظر بگیرید، هر چقدر هم بحث را از لحاظ وجودی پی بگیریم، به جاهایی ناگزیریم به پرسش هایی که علوم تجربی مثل فیزیک، زیست شناسی و زمین شناسی پیش می نهند پاسخ دهیم و چالشی را که ایجاد می کنند را تبیین نماییم. چالش هایی مثل نظریه تکامل داروین یا نظریه بیگ بنگ و کوآنوم.

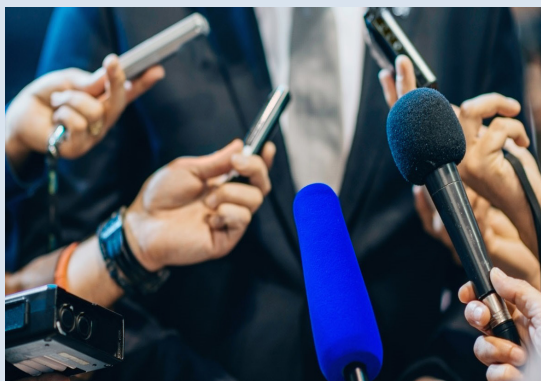
پروفیسور هوسله هم از همین رو چنین توصیه می کند که: ”فلسفه این فرصت را فراهم می آورد تا کودکان پیوندی میان دروس مختلف خود احساس کنند. از سوی دیگر با بحث درباره مسائل فلسفی در قالب هر یک از این دروس، می توان به محتوایی ملموس برای فلسفه دست یافت“ (۴).

خصوصاً در مقطع ابتدایی که آموزگار جمیع دروس را در طول هفته تدریس می کند ضرورت چنین مهارتی بیشتر جلوه میکند. نگارنده این نوشتار که خود تجربه تدریس در تمام مقاطع را داشته چنین ضرورتی را ملموس می پندارم.

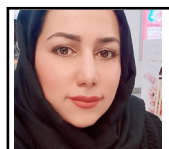
در مقطع دبیرستان نوعی مقاومت در دانش آموزان، در پذیرش نتیجه گیری فلسفی از علوم دیگر وجود دارد. اگر حتی در کلاس درس ریاضی یک برداشت منطقی یا حتی فلسفی یا دینی به دست آید، دانش آموزان آن را بی محل قلمداد می کنند و از آن می گذرنند. اما در مقطع ابتدایی، برعکس، حتی اگر به صورت ملموس و صریح از درسی در درس دیگر استفاده شود یا یک استنتاج کلی فلسفی



گفتگو



اراده ملت، فائزه صدر: کشور در روزهای گذشته شاهد وقایع مهم و حساسی بود. حادثه سفارت آذربایجان در تهران و حمله پهبادی به صنایع نظامی در اصفهان از جمله اتفاقاتی بودند که به عقیده تحلیلگران نشان از رد پای اسرائیل دارند. اراده ملت در این رابطه به گفت و گو با دو دیپلمات پیشین وزارت امور خارجه نشست و دو نگاه متفاوت را بررسی می کند که در ادامه می خوانید:



فائزه صدر

Faehsadr7@gmail.com

فریدون مجلسی، نویسنده، تحلیلگر و دیپلمات پیشین وزارت امور خارجه:

اقتصاد کشور در برابر هزینه نزاع های جمهوری

اسلامی ناتوان است



ضمناً ورود جمهوری اسلامی در جنگ اوکراین ایران را در مقابل غرب قرار داد که با روسیه در حال جنگیدن بود. دامنه این تقابل به متحدین غرب در منطقه یعنی اعراب، اسرائیل ترکیه و آذربایجان کشیده شد. نشانه های این تقابل را می توان در واقعه سفارت آذربایجان در تهران دید که منجر به اسباب کشی و رفتن کارکنان سفارت از ایران شد.

وی در ادامه گفت:

این حالات آمادگی برای جنگ را نشان می دهند. به نظر من احتمال درگیری بیش از هر چیزی است. اسرائیل اخیراً اعلام کرده بود که پاسخ موشک پرانی های نیابتی ایران را در داخل ایران خواهد داد. اسرائیل از مدت ها قبل حملات خود را آغاز کرده بود. این حملات با اهداف مشخص بود؛ اما اتفاقی که این بار رخ داد، پاسخی به موشک هایی بود که از غزه به اسرائیل شلیک شد. آن ها هم ضربات کشنده ای به نیروهای مقاومت در غزه زدند و در مقابل کودک فلسطینی تعدادی را در کنیسه یهودیان کشت. اقداماتی که در اصفهان صورت گرفت را باید به حساب نوعی واکنش از سوی اسرائیل گذاشت.

فریدون مجلسی گفت: سیاست آمریکا همیشه این است که در کنار تهدید و قدرت دریچه ای را برای روابط باز می گذارد. حال یا این روزه پذیرفته می شود و یا پذیرفته نخواهد شد! اما این فکر که آمریکا همیشه باب اجتناب از جنگ را باز خواهد گذاشت، درست نیست.

به عقیده مجلسی زمزمه هایی که از شروع مذاکرات شنیده می شود بیشتر

جنبه تبلیغاتی دارد وی در این رابطه گفت:

اگر جمهوری اسلامی در رابطه با امکان مذاکرات و پذیرفتن این دریچه باز مذاکرات صحبت می کند، می تواند جنبه تبلیغی داشته باشد و همچنین می توان خستگی دو طرف از روابط نامتعارف جنگی را از این اظهار نظر ها دریافت. طرفین با این اظهارات می خواهند به سمت ترک مخاصمه بروند. من هیچ گاه از واژه هایی نظیر مصالحه و صلح و ... استفاده نمی کنم، چون جمهوری اسلامی با جهان غیر اسلامی سر مصالحه ندارد. به ویژه با اسرائیل که از ابتدا منازعه و جنگی جدی را با این رژیم در سر می پروراند و هدف نابودی اسرائیل را قدم به قدم پیش می برد. در مقابل اسرائیل هم از سوی دیگری گام به گام پیش آمده و امروز اسرائیل و متحدانش ایران را در محاصره ای زمینی و دریایی قرار داده اند.

این تحلیلگر در رابطه با ارتباط وقایع اخیر کشور با شرایط خارجی ایران گفت:

شرایط داخلی ایران و نارضایتی های عمومی که به دلایل مختلفی در کشور پدید آمده است، ابزاری برای استفاده غرب به شمار می رود. در این حرف تردیدی نیست و طرفین سعی دارند از نقاط ضعف یکدیگر بهره مند شوند.

فریدون مجلسی، دیپلمات پیشین وزارت امور خارجه در تحلیل اتفاقات اخیر کشور گفت:

بعد از پیروزی انقلاب، جمهوری اسلامی از آغاز راه خود به اسرائیل اعلان جنگ داد و هدف خود را در نابودی اسرائیل تعریف کرد و در آشکار و نهان روی این هدف تأکید کرده است. اقدامات نظامی طرفین از همان زمان ها آغاز شد. ایران چه به صورت نیابتی توسط حزب الله لبنان و جهاد اسلامی در غزه و سوریه گروه های مختلفی از شیعیان که مسلح شدند، جنگ و رویارویی با اسرائیل در منطقه را آغاز کرد.

وی در این رابطه افزود:

جنگی به صورت مزمن در جریان است که گاهی اوقات اوج می گیرد. به تدریج با بالا رفتن قدرت موشکی و پهبادی جمهوری اسلامی دیدیم که ضرباتی در عربستان وارد شد و در یمن اتفاقاتی رخ داد و به این جنگ حالتی جدی تر داد به ویژه از زمان جنگ سوریه که حضور جمهوری اسلامی برای حفظ بشار اسد در قدرت احساس شد. باید توجه داشت که جنگ متقابلاً جنگ می آورد.

مجلسی ارتباط وقایع اخیر با جنگ اوکراین را این طور تشریح کرد:



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱



هفته‌نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷
۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

وی افزود:

سیاست عمومی آمریکا این است که طرف مقابل خود را آن چنان به هزینه‌های نظامی فرسایشی آلوده کند که فقیر شود و از فقر از پای در بیاید. آمریکا دفعه پیش این کار را با شوروی انجام داد و امروز هم در جنگ اوکراین همان رفتار را با روسیه تکرار می‌کنند.

دیپلمات پیشین وزارت امور خارجه در پایان اظهارات خود گفت:

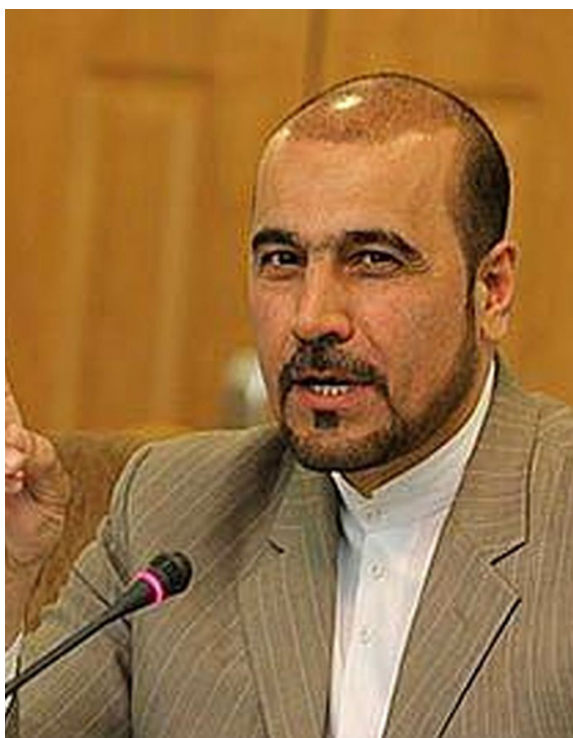
جمهوری اسلامی در جنگ‌ها و درگیری‌هایی بالاتر از ظرفیت اقتصادی خود درگیر شده است. به عبارتی اقتصاد کشور در مقابل هزینه‌های داخلی که جمهوری اسلامی گرفتار آنهاست، ناتوان است. دلیل تورم‌های داخلی همین مسئله سیاست‌های خارجی و همین هزینه‌های خارجی است که برای کشور مشکل ایجاد می‌کند و گرنه نباید نادیده گرفت که در داخل تلاش زیادی صورت می‌گیرد تا تولید و وضعیت اقتصادی بهبود پیدا کند. این بهبودها در برابر هزینه‌های جنگ ناچیز است؛ زیرا جنگ هزینه‌های سرسام‌آوری دارد و مخرب‌ترین عامل در مقابل اقتصاد است. صدها میلیون دلار هزینه و آماده‌سازی و تلاش برای یک پروژه اقتصادی با یک زخم از جنگ دود می‌شود و به هوا می‌رود. جنگ موجب خروج ثروت‌ها از کشور می‌شود.

فریدون مجلسی سخنان خود را با اشاره به زبان تقابل با غرب برای ایران به پایان برد:

غرب مایل است آرامش و ثباتی برقرار شود و به کسب و کارش بپردازد. هدف اصلی در غرب اقتصاد و درآمد است. اما امکان جنگ را در نظر می‌گیرد؛ چون می‌کوشد در جنگ هم دادوستد کند و کسب و کار و درآمدی داشته باشد. غرب مهد تولید ابزار جنگی است. همچنین بعد از جنگ نیز با مشارکت در بازسازی کشورها اقتصادش را رونق می‌دهد. پس غرب در هر سوی این بازی منفعتی دارد و ما هستیم که باید محل منافع خود را در معادله کشور و غرب شناسایی کنیم. من گمان نمی‌کنم تقابل با غرب سودی برای ایران داشته باشد.

امیر موسوی، تحلیلگر و دیپلمات پیشین وزارت امور خارجه:

حادثه اصفهان در برابر عملیات زلزله برانگیز فلسطینیان همچون یک خراش بود



امیر موسوی، دیپلمات پیشین وزارت امور خارجه در تحلیل وقایع اخیر کشور گفت:

این وضعیت نشان می‌دهد که شهید قاسم سلیمانی که بود و چه کارهای بزرگی می‌کرد. کلت قاسم سلیمانی وارد قدس شریف شد و عملیاتی با آن انجام شد. این مرد پنج ارتش بزرگ مردمی در منطقه تشکیل داد. اسرائیل می‌داند که اگر جمهوری اسلامی و هم‌پیمانانش اراده کنند تا حرکتی انجام بدهند کل سیستم غرب و مزدورانش در منطقه برچیده می‌شود. غرب از توانایی‌های جمهوری اسلامی باخبر است و با احتیاط عمل می‌کند.

وی افزود:

کاری که در اصفهان انجام شد خراشی بود که در مقابل عملیات زلزله برانگیز فلسطینیان انجام شد. اقدام اخیر فلسطین سیستم زندگی شهرک‌نشینان اسرائیل را به هم ریخت. کاری که اسرائیل در مقابل آن در اصفهان صورت داد حرکتی ناچیز و کوچک بود. حادثه اصفهان در برابر عملیات زلزله برانگیز فلسطینیان همچون یک خراش بود.

موسوی ادامه داد:

اسرائیل به دنبال تبلیغاتی است که از قبل این تحریکاتش در جهان اجرا می‌کند و متأسفانه کار تبلیغاتی عظیمی است. متأسفانه اقدامات تبلیغاتی ایران به جا و کافی نیست. ما در این حوزه بسیار ضعیف عمل می‌کنیم. اما کار اسرائیل از این منظر که انتقامی گرفت و تخلیه شد قابل توجه است. اسرائیل می‌داند اقدامی بزرگ‌تر چه نتیجه‌ای برایش خواهد داشت. این اولین باری بود که رژیم صهیونیستی به دنبال ضرباتی که متحمل شده، غزه را بمباران نکرد. شرایط داخلی در اسرائیل هم متزلزل است. تظاهرات بزرگی علیه نتانیاهو در داخل رژیم صهیونیستی برپا شده و این کشور در موقعیت خوبی قرار ندارد.

موسوی در رابطه با ارتباط تنش‌های اخیر با مذاکرات برجام گفت:

آمریکا و اروپا به دنبال توافق هستند و تأخیر در احیای توافق به نفع جمهوری اسلامی تمام می‌شود. امروز نه دوربینی در سایت‌های هسته‌ای ایران وجود دارد و نه بازرسان می‌توانند بازدید داشته باشند. غرب مسیری را که ایران طی می‌کند برای خود خطرناک ارزیابی کرده و باز در جمهوری اسلامی ایران را می‌زند و خواستار ازسرگیری مذاکرات است.

وی افزود:

غربی‌ها آشوب زیادی به راه انداختند. تبلیغات فراوانی در سطح جهان انجام شد. تحریم‌ها را سنگین‌تر کردند، تا ایران در مذاکرات هسته‌ای کوتاه بیاید و شروط خود را کمتر کند و به ویژه در مورد گرفتن تضمین از آمریکا منصرف شود. آمریکا، اروپا و رژیم صهیونیستی تلاش بسیاری به کار بستند تا جمهوری اسلامی را از درون تضعیف کنند. بخشی از اهداف این سیاست غرب به منظور تضعیف موضع ایران در مذاکرات بود. ولی این پروژه شکست خورد. غرب امیدوار بود بتواند در پس آشوبی که در ایران به راه انداخته موقعیت برتری در جریان مذاکرات برای خود ایجاد کند. آمریکا و اروپا در سه ماه گذشته مودیان برای تضعیف ایران تلاش کردند.

امیر موسوی سفر وزیر امور خارجه قطر به ایران را نشان از عقب‌نشینی غرب در مذاکرات می‌داند. وی در این رابطه گفت:

امروز فرستاده‌های غرب در شرایطی از راه می‌رسند که غرب متوجه شده تلاش برای تضعیف ایران در مذاکرات ناموفق است. مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا تماس‌های خود با آقای امیر عبدالهیان را آغاز کرد. اخیراً آمریکا از طریق مسقط پیام‌هایی را به ایران فرستاد و در آخرین اقدام وزیر امور خارجه قطر پیام‌هایی کتبی و مفصل‌تر از طرف مقامات آمریکایی را به ایران آورد. هم‌زمان با این تحرکات اروپا اعلام کرد راهی جز مذاکره با ایران ندارد. این موارد نشان‌دهنده دو نکته است اول اینکه غرب تمایل بالایی به احیای برجام دارد و دوم اینکه تلاش غرب در تضعیف جایگاه ایران در مذاکرات با شکست روبرو شده است.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

امیر موسوی، دیپلمات پیشین وزارت امور خارجه در پایان سخنان خود گفت:

وقتی بعد از این همه فاصله یکی از طرفین پا پیش می‌گذارد و به سمت از سرگیری مذاکرات می‌آید، همین مقدار نشان می‌دهد که آنها کوتاه آمده‌اند. دقت کنید آن کسی که برای شروع دوباره مذاکرات پیش قدم شده ایران نیست بلکه طرف غربی است که به سمت ما می‌آید. وقتی غرب پیش قدم شده صد در صد یک عقب نشینی برای خود پیش بینی کرده است چون در یک سال گذشته به اندازه کافی با موضع محکم و اقتدار ایران برخورد داشته است.

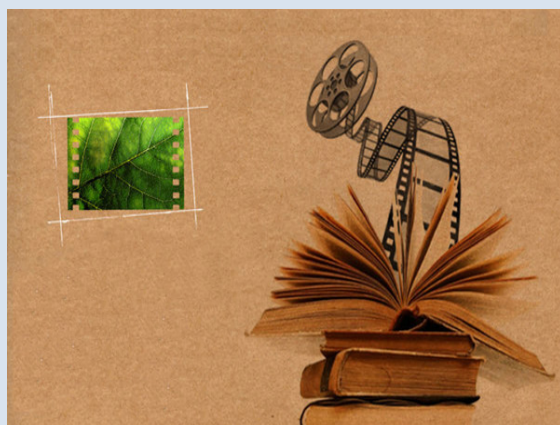
وی در ادامه گفت:

ایران حرفهایش را زده و تمام بحث‌ها تمام کرده است. آنها بودند که باید قبول یا رد شروط ایران را بررسی می‌کردند. حالا این طرف مذاکره کننده پیام داده و خواستار بازگشت به گفت و گوها است. این یعنی چه؟ یعنی اولاً از تزلزل ایران و از عقب نشینی ایران و تضعیف کشورمان در مذاکرات ناامید شده‌اند و دوماً عقب نشینی برای خود ترسیم کرده‌اند. غرب در چنین شرایطی قطر را به سراغ ایران فرستاده است.





معرفی و پیشنهاد



آنچه انکار می کنی تور اشکست می دهد، آنچه قبول می کنی تور تغییر می دهد



راضیه گمار

r.gomar901@gmail.com



نام اثر: آخرین دوئل (The Last Duel)
کارگردان: ریڈلی اسکات
ژانر: درام، تاریخی، اکشن
مدت زمان: ۱۵۲ دقیقه
زبان: انگلیسی
سال انتشار: ۲۰۲۱
محصول: آمریکا و انگلیس

فیلم آخرین دوئل روایت داستانی واقعی از آخرین دوئل ثبت شده در تاریخ فرانسه را بیان می کند. روایتی از مردمان قرن ۱۴ میلادی که برای شجاعت، شهرت و همچنین برای پاک کردن نامشان در نبردی تا آخرین نفس می جنگیدند. نبردی که در آن قضاوت برای فرد بیگناه آبی بود که بهتر می جنگید، نه آنکه حقیقت با او بود. اقتباسی تاریخی از داستانی جذاب که از کتابی با همین نام گرفته شده است. فیلم در بستر تاریخی صدساله می گذرد و با بررسی قدرت مردان و فضای زن ستیز سیستماتیک و مدنی آن روزها پیش می رود و صدای واقعی و قانع کننده اش را در مارگریت می یابد، که به عنوان زنی نه چندان جلوتر از زمانش که به طور منطقی در برابر اهانت های مردسالارانه اش سرکشی می کند، و درمندی زنانه اش را پنهان نکرده است.

در واقع کارگردان سعی دارد که به مخاطب اعلام کند که همه چیز تحت نظر شخصیت زن داستان بوده و تنها می شود به قربانی تعرض اعتماد داشت. هدف و فکر این داستان می تواند مسئله حق طلبی زنان باشد و یک حماسه بزرگ فمینیستی قرون وسطایی را به دور از کلیشه ها و داستان های تکراری و پوچ نمایش دهد و در نهایت منجر به خلق زنی با قدرت و تابو شکن می شود. و در پایان این فیلم یک درام خوش بازی شده و تأمل برانگیز است که با عظمت حماسی در جریان است.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

به کجای رویم؟



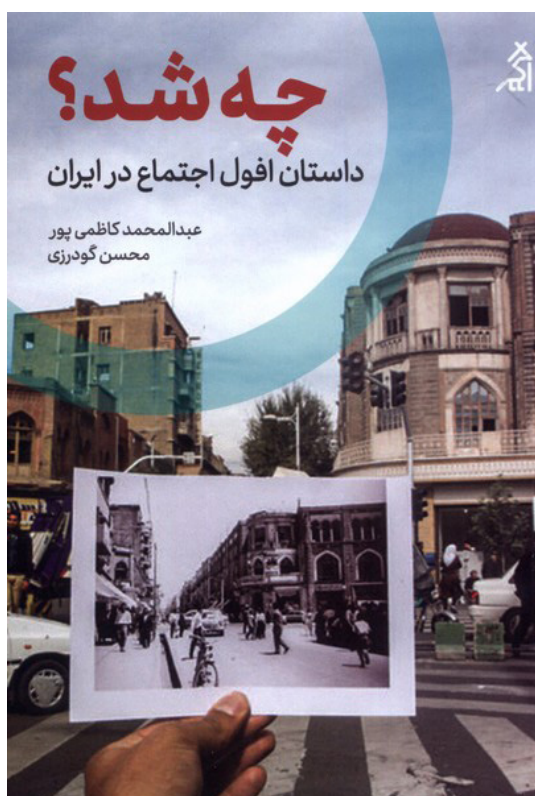
علیر ضامالمیر

Malmira287@gmail.com

هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱



نام کتاب: چه شد؟ داستان افول اجتماع در ایران
نویسندگان: محسن گودرزی، عبدالمحمد کاظمی پور
انتشارات: اگر
تعداد صفحه: ۲۷۰

ایرانیان امروز التهاب جامعه خود را در اکثر ابعاد زندگی درک کرده و بسیاری از خود می پرسند "چه شد؟" راستی چه شد که جامعه ایران به وضع فعلی رسید؟

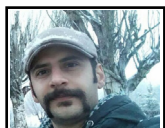
چه شد؟ پاسخی به این پرسش می دهد که در ایران چند دهه گذشته چه اتفاقی افتاده است و هم این پاسخ را با نثری ساده، حداقل مفهوم پردازی تخصصی و با نوشتاری روان و قابل فهم و تحمل برای خواننده غیر متخصص در علوم انسانی و به ویژه جامعه شناسی ارائه می دهد؛ خصیصه ای که می تواند بر شمار خوانندگان این کتاب بسیار بیفزاید.

به تازگی محسن گودرزی و عبدالمحمد کاظمی پور، کتابی را با نام چه شد؟ و با عنوان فرعی داستان افول اجتماع در ایران به رشته تحریر درآورده اند؛ کتابی جذاب و خواندنی درباره وضعیتی که در این سال ها بارها بسیاری به آن پرداخته اند. وضعیتی که در آن اعتماد عمومی از دست رفته، بنیان های اخلاقی سست و متزلزل شده و ارتباطات رو به سردی و بی رمقی گذاشته اند. بنا به نظر مؤلفان در چنین جامعه ای نهادها و انجمن ها قوام نمی گیرند و روابط میان افراد، گروه ها و حکومت از هم گسیخته می شود با چنین تفاسیری، گودرزی و کاظمی پور در این اثر کوشیده اند ضمن توصیف این وضعیت، به تحلیل چگونگی و تبیین چرایی آن بپردازند و به این مهم نیز اشاره کنند که به کجا می رویم؟ و هر یک از ما به صفت فردی یا جمعی برای بهبود وضعیت ایران چه کاری می توانیم بکنیم؟

داده های ارائه شده در این کتاب نشان می دهند جامعه ایران در چند دهه اخیر به شکل هشدار دهنده ای به چنین وضعیتی نزدیک شده است. نویسندگان در این کتاب با ارائه آمارها و داده های مختلفی از پیمایش های ملی، تحلیل ها و تجربه های تاریخی از ایران و کشورهای دیگر خواننده را به سفری پنجاه ساله می برند تا با نگاهی از بلندا، دیدگاهی کلی از روندهای کلان جامعه به دست آورند.

چه شد؟ اگر چه بیشتر توصیف این وضعیت است اما در پایان درباره این که به کجا می رویم؟ و هر یک از ما به صفت فردی یا جمعی برای بهبود وضعیت ایران چه کاری می توانیم بکنیم؟ خوانندگان را به هم اندیشی دعوت می کند.

این میراث من است!



حامد نامجو

Hamed.namjoo@gmail.com

به فرانسه گریخت. رابان معماری خواند، اما به دلایلی جذب دنیای مد شد. او هزینه تحصیل خود را با طراحی جواهرات و دکمه‌هایی برای هنرمندانی مانند کریستین دیور و فروش طرح‌هایی به چارلز جوردان پرداخت کرد. با این حال، پیوند او با مواد غیر متعارف بود که باعث شد نامش ماندگار شود. ولی به سرعت لباس‌های او مورد توجه سردبیران مد آمریکایی و همچنین افراد مشهور قرار گرفت و فرانسوا هاردی، بریژیت باردو و جین بیرکین لباسهایش را به تن کردند. او به نوآوری ادامه داد و مجموعه‌ای از لباس‌های کاغذی را طراحی کرد که در سال ۱۹۶۷ با نوار اسکاچ رنگارنگ کنار هم قرار گرفتند، او بعداً نوار چسب، آلومینیوم و فایبرگلاس را در کار خود قرار داد. رویکرد تخیلی او توجه فیلمسازان را به خود جلب کرد و او به عنوان طراح لباس برای فیلم‌هایی از جمله «دو یا سه چیزی که درباره او می‌دانم» ژان لوک گدار و «تو کی هستی، پولی مگو؟» ویلیام کلاین بکار گرفته شد. او نویسنده تعدادی کتاب درباره باورهای ماوراء الطبیعه، از جمله «آیا شمارش معکوس آغاز شده است؟ از طریق تاریکی تاریک‌نایی» (۱۹۹۴) و «طلوع عصر طلایی: طراحی معنوی برای زندگی» (۱۹۹۹)، بود. وی یک بار گفت: می‌دانم که همیشه در تاریخ مد جایگاهی خواهم داشت. من در همه لغت‌نامه‌ها هستم زیرا مواد جدیدی را به دنیای مد معرفی کردم. خلق اولین لباس‌ها از فلز، کاغذ، پلاستیک - این میراث من است!

پاکو رابان، طراح اسپانیایی که ایده‌های خلاق و پیشگامش به رویاهای عصر فضا شکل داد و مد و لباس را بازتعریف کرد، روز جمعه در پورتسال فرانسه درگذشت. او ۸۸ سال داشت.

خوزه مانوئل آلیسا، رئیس بخش زیبایی و مد در Puig در بیانیه‌ای گفت: چه کسی دیگری می‌تواند زنان شیک پوش پاریسی را وادار کند که برای لباس‌های ساخته شده از پلاستیک و فلز سر و صدا کنند؟

او در سال ۱۹۶۶ با مجموعه‌ای به نام «مانیفست: ۱۲ لباس غیرپوشیدنی در مواد معاصر» و لباس‌های کوتاه زنجیری متشکل از صدها دیسک پلاستیکی و فلزی وارد صحنه مد فرانسه شد. سه سال بعد او اولین عطر خود را به نام Calandre معرفی کرد (نام آن به معنای «ماشین کباب» است) که اساس یک امپراتوری عطر شد.

در گستره وسیعی از پیشگامی‌ها در مد، رابان افکار و عقاید عجیبی نیز داشت. نیویورک تایمز زمانی او را به عنوان «آینده نگر، شیک پوش، عارف، دیوانه، مجسمه ساز، معمار، ستاره شناس، عطر ساز، هنرمند و پیامبر» توصیف کرد. همچنین سالوادور دالی او را دومین نابغه اسپانیا نامید.

در سال ۱۹۹۷، رابان کتابی با عنوان «سفر: از یک زندگی به زندگی دیگر» منتشر کرد. اما در واقع زندگی خودش برای خودش حماسه ای بود. پدر او یک سرهنگ بود که در طول جنگ داخلی اسپانیا اعدام شد و در سال ۱۹۳۹ مادرش، رئیس خیاطی طراح کریستوبال بالنسیاگا، به همراه پسر کوچکش



هفته نامه غیربرخط
اراده ملت

شماره ۵۷

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱



به بهانه زادروز جوزف استیگلیتز؛

نگاهی به سخنرانی استیگلیتز درباره اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۶



جوزف استیگلیتز متولد ۱۹۴۳ (۲۰ بهمن ماه ۱۳۲۱) است. او در سال ۲۰۰۱ به دلیل تجزیه و تحلیل بازارها با اطلاعات نامتقارن برنده جایزه نوبل اقتصاد شد. استیگلیتز علاوه بر نقش تخصصی خود در عرصه آکادمیک، حضور عمومی بسیار پررنگی در رسانه‌های جهان دارد و با یادداشت‌ها، مقالات، مصاحبه‌ها، و سخنرانی‌های خود ایده‌های خود را در جهان تکثیر می‌کند. او از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های مکتب اقتصاد کینزی نو می‌باشد.

اقتصاد اطلاعات

استیگلیتز درباره‌ی این گزاره‌ی رایج که افراد به تمامی اطلاعات کافی برای تصمیم‌گیری و انتخاب بهینه دسترسی دارند تردید وارد کرد. اولاً به این دلیل که تقاضای اطلاعات پرهزینه است و به زمان، تلاش، و نیاز دارد. همه‌ی گزینه‌ها را بررسی نمی‌کنیم، ما انسان‌ها معمولاً چند گزینه معقول و محدود را در نظر می‌آوریم، سپس انتخابی می‌کنیم که به نظر رضایت‌بخش بیاید. دوماً این که ویژگی‌های اطلاعات، با کالاهای ملموس تفاوتی جدی دارد. برای مثال پس از خرید یک کالا مثل لپ‌تاپ می‌توانیم آنها را امتحان کنیم تا دریابیم که مطابق انتظارات ما هست یا نه. اما درباره‌ی اطلاعات نمی‌توان چنین کاری وقتی که اطلاعات برای بررسی به کسی داده می‌شود، دیگر دلیل وجود ندارد که او این اطلاعات را بخرد. ما می‌توانیم پیش از خرید یک خوراکی، بخشی از آن را بررسی. اما نمی‌توانیم با اطلاعات چنین کنیم. به عبارت دیگر به محض این که اطلاعات در دسترس افراد قرار می‌گیرند، به کالای عمومی تبدیل می‌شود. همین موضوع سبب می‌شود تا ارائه‌کنندگان اطلاعات برای پنهان کردن آن انگیزه داشته باشند.

اطلاعات در بازارها اهمیت بسیاری دارد. برخی از افراد، اطلاعات لازم برای اتخاذ انتخاب‌های عقلایی در اختیار ندارند. برای مثال در بازار نیروی کار، کارفرمایان از مهارت‌های کارکنان بالقوه اطلاعی ندارند و نمی‌دانند که آیا کارجویان، پس از استخدام چه گونه کار خواهند کرد؟ او پرتلاش خواهد بود یا اهمال‌کار؟ در طرف مقابل نیز کارجویان انگیزه دارند تا در بازنمایی مهارت‌های خود بزرگ‌نمایی کنند. تنها راه برای آزمون این که افراد متقاضی شغل سخت‌کوش خواهند بود یا نه، استخدام آن‌هاست. طبیعتاً اما این کار به کارفرمایانی که می‌خواهند در مورد استخدام نیروهای خود تصمیم‌گیری

کنند، کمکی نمی‌کند. استیگلیتز پیشنهاد کرد که بنگاه‌ها می‌توانند از آموزش به عنوان ابزاری برای غربالگری استفاده کنند. اگر کارفرمایان افرادی را استخدام کنند که از سطح آموزش بالاتری برخوردار باشند و از دانشگاه‌های بهتری فارغ‌التحصیل شده باشند احتمالاً کارکنانی بامهارت و سخت‌کوش در اختیار خواهند داشت.

اقتصاد ایران

استیگلیتز در دی‌ماه سال ۱۳۸۶ از طریق ویدئو کنفرانس در همایش جهانی شدن، خصوصی‌سازی و عدالت اقتصادی در تهران سخنرانی کرد و به این پرسش پرداخت که ایران چه باید بکند تا بتواند عملکرد اقتصادی خود را ارتقا دهد؟ او ضمن تأکید بر مدیریت صحیح ثروت جامعه گفت اگر بخواهیم عدالت را در جهانی شدن ایجاد نماییم باید به آن نه تنها از بعد اثر بخشی بر اقتصاد و ثروت بنگریم بلکه باید بر اثر بخشی آن بر عدالت اجتماعی نیز توجه کنیم. جهانی‌سازی برای کشورهایی که روش مدیریت بر روند جهانی‌سازی را می‌دانند -مانند چین- بسیار مفید خواهد بود. گرچه به نظر من برخی از قوانین جهانی‌سازی عادلانه نیستند و اگر عادلانه باشد جهانی‌سازی بسیار گسترده خواهد بود. او سپس به دو ویژگی استراتژی جهت ارتقای رشد اقتصادی در ایران پرداخت:

یکم این که ایران باید به دنبال هماهنگ‌سازی در جهانی‌سازی باشد. تجربه هند و چین نشان داد که می‌توان روند جهانی‌سازی را طوری مدیریت کرد که باعث ارتقا و رشد اقتصادی شود. هر چند که هند به اندازه چین در کاهش فقر موفق نبوده است. این مسئله نیازمند سیاست‌گذاری‌های درست از طرف دولت است.

مسئله دوم ارتقا و افزایش بهره‌وری در زمینه سرمایه‌گذاری در آموزش و سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌ها است.

او در ادامه افزود که هر اقتصاد موفق نیازمند تعادل بین بخش‌های دولتی و خصوصی است. هر دو دارای نقش‌های کلیدی هستند و موفقیت در صورتی حاصل می‌شود که میزان درست حضور هر کدام مشخص باشد. نقش‌های بسیاری توسط دولت ایفا می‌شود. دولت می‌تواند ناظم، تنظیم‌کننده، و کارآفرین باشد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

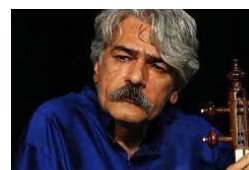
شماره ۵۶

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

جایزه گرمی

آیلبش هدیه شده است.) و بهترین هنرمند جدید می باشد، همچنین ۵ جایزه ویژه در بخش جایزه اسطوره، یک عمر دستاورد هنری، جایزه امنا، جایزه تالار مشاهیر گرمی و بهترین هنرمند موزیکار سال اهدا می شود. جایزه موسیقی جهانی هر ساله به ۹ هنرمند نشان طلا، به ۱۰۰ تن نشان نقره و به ۵۰ نفر نشان برنز اهدا می کند. جایزه جهانی موسیقی ۱۲ داور دارد که برخی از آنها در زمره برندگان جایزه گرمی و امی هستند و برخی نیز از جمله موزیسین های شناخته شده کشور خودشان به شمار می روند که در دوره های گذشته این جایزه نشان طلا دریافت کرده بودند. در شصت و پنجمین دوره جوایز گرمی سال ۲۰۲۳ - برای محصولات سال میلادی ۲۰۲۲ - شروین حاجی پور از ایران با آهنگ «برای» به عنوان برنده جایزه جدید بهترین آهنگ برای تغییر اجتماعی معرفی شد. در سال های گذشته، کیهان کلهر و حمید سمیعی به عنوان عضوهای گروه های برنده جایزه گرمی، نام «ایران» را در تاریخچه جایزه های گرمی ثبت کرده بودند. محمدرضا شجریان و حسین علیزاده نیز با آثاری، سابقه نامزدی در جایزه های گرمی را داشته اند.

در این شماره نشریه متاسفانه نتوانستیم در خدمت آقای محمدهادی خوشکلام باشیم و شما را از مقالات ایشان در زمینه آموزش موسیقی بهره مند نمائیم. اما برای خالی نماندن بحث موسیقی در این شماره و با توجه به موفقیت شگفت انگیز شروین حاجی زاده در کسب جایزه گرمی امسال نگاهی انداختیم به بحث جایزه گرمی. گرمی یا در اصل جایزه گرامافون؛ نام جایزه ای افتخاری است که توسط آکادمی ملی علوم و هنرهای ضبط برای تشخیص دستاوردهای برجسته ای که به طور عمده در صنعت موسیقی زبان انگلیسی رخ داده اهدا می شود. این جایزه از سال ۱۹۵۹ آغاز شده است و از بین سه مراسم بزرگ موسیقی جهان، بزرگ ترین آن ها است. به گمان بسیاری ارزش جایزه گرمی برابر با جایزه اسکار در صنعت فیلم سازی و جایزه امی در تلویزیون است. این جایزه که به رسم یادبود به برندگان اهدا می شود، تندیس طلایی دست ساز یک گرامافون است که توسط بیلینگز آرت ورکز ساخته شده است. مراسم جایزه گرمی دارای ۴ بخش اصلی آلبوم سال، ضبط سال، ترانه سال (این جایزه در سال ۲۰۰۹ از آن کلدیلی شد و در سال ۲۰۱۰ به بیانسه، در سال ۲۰۱۱ به لیدی آنتیلمو، در سال ۲۰۱۲ به ادل، در سال ۲۰۱۶ به اد شیرن و در سال ۲۰۲۰ بیلی



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

شاعر رنج مدام



مرتضی صادقیان

۱۳ بهمن ماه ۱۴۰۱، در شهر کتاب همدان، مراسم یادبود قاسم امیری بود. این مراسم که به همت حسین زندی از هفته نامه "همدان نامه" برگزار شده بود، از کتاب شعر "آسمانی در جیب" آخرین اثر قاسم امیری رونمایی شد. یک رونمایی در غیاب شاعر، چرا که شاعر در شهریور ماه ۱۴۰۱ مرده بود. همدانی هایی که از پیاده رو آرامگاه بوعلی عبور کرده باشند، احتمالاً مردی نحیف را دیده بودند که در کنار دیوار کوتاه دور آرامگاه، کنار نرده های آهنی، بساط دست فروشی کتاب را بر پا کرده است. این مرد نحیف، قاسم امیری بوده است. خیلی ها احتمالاً ایستاده باشند، نگاهی به کتاب ها انداخته باشند، و احتمالاً کتابی خریده باشند.

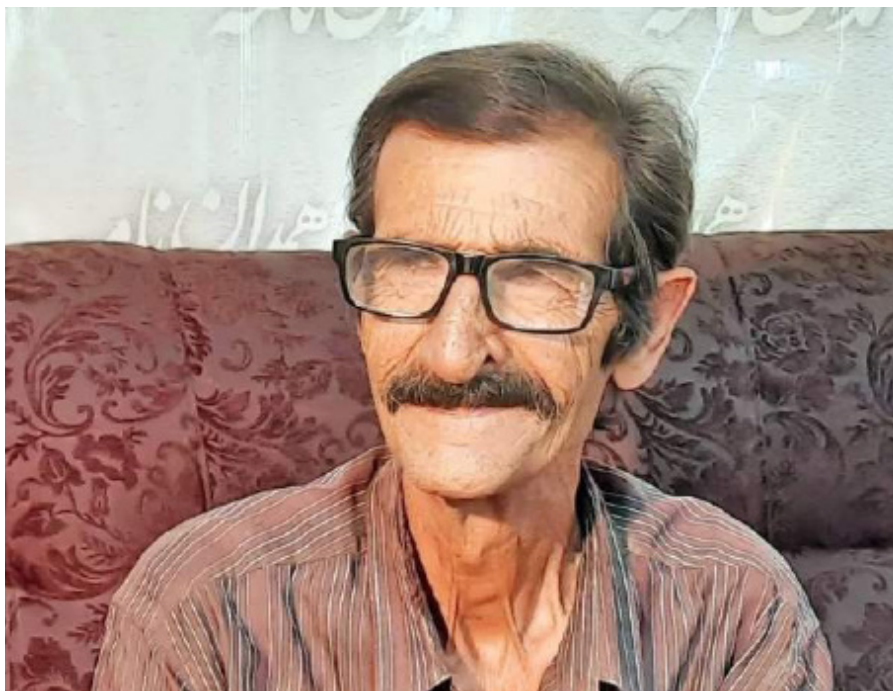
میرزا آقا عسگری در جایی گفته است:
آقای قاسم امیری، شاعر رنج کشیده و با استعداد کرمانشاهی که شنیده ام در حاشیه خیابان های همدان کتاب می فروشد و در تنگنای زمانه هول و خفقان، بار دشوار زندگی اش را بر قامتی خم نشده می برد. امیری را ندیده ام، نمی شناسم؛ اما می دانم که او پرتوی است از آتشی که دل ایرانیان را در درازای تاریخ امیدوار و زنده و بیدار نگهداشت است.
دو شعر کوتاه از قاسم امیری:

یک:

شهادت می دهم که در این
رستخیز زن ها تو بخوان
بانوان، گل سرسید شجاعت
جسارت و شرافت بوده و
خواهند بود.

دو:

آن قدر خانه می سازیم
که کسی بی خانه نباشد
البته با چوب کبریت.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱



زهره رحیمی

RAHIMI_ZOZO2003@yahoo.com



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷
۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

شاغلین باتن پوشی های عروسی در پشت نقاب های خندان

بدون تردید توجه هر کسی را برای یک لحظه هم شده جلب می کنند اما توجه کودکان را خیلی بیشتر؛ و این شاید مناسب ترین انگیزه و دلخوشی صاحبان این شغل باشد، که می توانند موجب توجه و شادی و خنده کودکان شوند.

ما تماشاچیان عجول و پر مشغله، معمولاً این عزیزان را با همان صورت خندان و کار تونی می فهمیم و در خاطر می آوریم و می شناسیم و لاغیر، چهره عروسی تقریباً خندان تمامی این عروسکها اجازه نمی دهد که ناظران بیرونی تصویر واقعی و درستی از چهره پنهان در پس آن داشته باشند.

اما واقعیت این است که بسیاری از آنها در شرایطی کار می کنند که مرور آن خالی از ارزش نیست. آنها باید خود را به سرما یا گرما، کلافگی ناشی از یک تن پوش بزرگ و دست و پا گیر، پادربه خاطر ایستادن یا پیاده روی زیاد عادت بدهند. هوای ناکافی برای تنفس و روزنه محدودی که باید همه چیز را از آن تماشا کنند. بعضی از این عزیزان باید جنب و جوش زیادی برای جلب توجه مشتری ها به خرج بدهند تا موفق به راضی کردن و جذب ایشان شوند. بدون اظهار خستگی و بی حوصلگی، باید سوژه عکس کودکان و بزرگسالانی بشوند که از آنها تقاضای یک عکس مشترک می کنند.

متأسفانه در سراسر دنیا، عابران و تماشاچیان از کنار ایشان می گذرند که دور از آداب و ادب، دست به رفتارهای آزار دهنده یا گفتن جملات طعن آمیزی می کنند که روان این شاغلین را به شدت می آزارد. بسیار پیش می آید که این شاغلین برای جلب توجه مجبور به حرکات موزون یا حتی رقصیدن و آداورن می شوند. چنین نشاط و رقصی البته به واسطه جبری بودنش، گاهی ناخوشایند است. به ویژه در روز هایی که به هر دلیلی، حال و حوصله ای ادا های شاد را نداشته باشیم. اینکه چه عروسی را باید به تن بکنی، علاوه بر وزن و کیفیت و محدودیت های عروسی، گاهی عواطف و احساسات آدم را به چالش می کشد. معمولاً این سلیقه کار فرماست که چه عروسی باید انتخاب شود و فرد پوشنده، نقشی در این انتخاب ندارد و باید خودش را با آن شخصیت سازگار کند.

داخل لباس عروسی، تاریکی محض است و عروسک گردان دید محدودی دارد. همین موضوع آنها را که کنار جاده و در معابر شلوغ کار می کنند با خطر تصادف و صدمات جسمی مواجه می کند. آن دسته از شاغلین که برای رستوران ها و فروشگاه های غذایی کار می کنند، مجبورند دقیقاً در ساعات صرف ناهار و شام چند ساعت را صرف جلب مشتری کنند. در غالب موارد، به این افراد حقوق بالایی تعلق نمی گیرد. و اکثر اوقات از اتمام ساعات کار تبلیغی، مشغول انجام وظیفه دیگری، چون نظافت یا مرتب کردن فروشگاه و رستوران می شوند.

از سویی کودکان معمولاً انتظار دارند که چند کلمه ای با آنها حرف بزنند و طبیعتاً متناسب با یک نقش کار تونی و صدای مطلوب کودکان پاسخ بشنوند. هر چند اگر واکنش کودکان نیز، مهربانی و جیغ شادمان باشد، شاید سختی ها و نخواستن های این شغل را کم رنگ و فراموش شدنی کند.

به طور معمول مادر طی ساعات کاری، لباسی به تن داریم که ما را از کار های ضروری و عادی ناتوان نمی کند و هم زمان می توانیم نیاز های ساده ای چون خراب کردن گوش تارفتن به دستشویی یا برداشتن و گرفتن یک بسته کوچک را انجام بدهیم. اما بیشتر این تن پوش های عروسی، بگونه ایست که امکان رفتار و کار های معمول را از فرد سلب می کند و عملاً از انجام هر کاری غیر از پوشیدن لباس ایشان را عاجز می کند.

میکي موس، باب اسفنجی، خرگوش باهوش، خرس ناقل شخصیت های آشنا و ملموس هستند که این شاغلان با آنها و نمایشان زندگی می کنند. تن پوش گردانی عروسی، شغل آینده داری نیست و جویندگان شغل بیشماری، می توانند بر احوال جای شاغلین چند ساله را بگیرند. بیمه، قراردادهای کاری، امنیت شغلی و مزایا و تسهیلات در این شغل چشم انداز و وضعیت مطلوبی ندارد.

البته شاید برای شهروندانی که عاشق کودکان هستند و از شادمانی و لیخند کودکان، شاداب و خشنود می شوند. شاید برای آنانی که خلاق تر و آسوده خیال تر زندگی می کنند، این شغل می تواند خاطرات هر چند گذرا، اما انانی را رقم بزند. ممنونیم که برای کودکان ماهیجان و شادی می آفرینید!

مشاغل دور از نظر

تهیه شده توسط کمیته آموزش و توانمندسازی حزب اراده ملت ایران

ایران، کشوری کم جنگل



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱



مهشید قاسمی

gha3mg.m@gmail.com

ایران کشوری کم جنگل

(بعد از کویر لوت) دومین اثر طبیعی ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو است. بر اساس گزارش فائو ۶/۸ درصد مساحت جنگل ایران به نسبت مساحت کل کشور کاهش یافته است. عمده دلایل نابودی و تخریب جنگل ها عوامل انسانی، بهره برداری غیراصولی و مفرط (۹۰ درصد) و عوامل طبیعی (گرما، هوا، خشکسالی و پوشش گیاهی خشک) است. اینفوگرافیک این شماره تهیه شده در خبرگزاری ایرنا) به مهم ترین دلایل نابودی جنگل های ایران پرداخته است. بی توجهی به جنگل ها، نبود دانش کافی و مدیریت اشتباه، سهل انگاری و نبود پشتوانه قوانین محیط زیستی منجر به نابودی وسعت وسیعی از جنگل های کشور شده است. جنگل زدایی در بسیاری از کشورها به طور طبیعی و انسانی رخ می دهد که وضعیت ایران باتوجه به خشکسالی های اخیر، باید مورد توجه قرار گیرد. از این رو طرح تنفس جنگل های شمال در برنامه ششم توسعه در سال ۹۵ تهیه و در سال ۹۶ وارد مجلس شد تا از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ اجرا شود، در طرح تنفس جنگل، بهره برداری چوبی از درختان جنگل های کشور از ابتدای سال چهارم برنامه ششم توسعه ممنوع اعلام شد، اما هنوز طرح جامعی برای مدیریت ایده تنفس جنگل تهیه نشده است.

جنگل ها به عنوان یکی از مهم ترین منابع طبیعی تجدید شونده و به عنوان ریه های زمین ۳۰ درصد سطح زمین را تشکیل می دهد که سالانه حدود ۳/۵ میلیون هکتار از آنها تخریب می شود. ایران کشوری خشک و کم آب و وسعت جنگل های ایران معادل ۷/۴ درصد کل مساحت کشور است، که جزء کشورهای با وسعت جنگل کم است. مناطق جنگلی ایران شامل بخش شمالی (هیرکانی با مساحت ۸۴ میلیون هکتار) و جنگل های زاگرس، ارسباران، ایران - تورانی و سواحل جنوبی (مجموع مساحت ۷ میلیون هکتار) می باشد. نقش جنگل ها در تأمین غذا، محصولات کاغذی و چوبی، جلوگیری از فرسایش خاک و حفظ آب (هر هکتار جنگل قادر به ذخیره سازی ۵۰۰ تا ۲ هزار مترمکعب آب است). ... انکارناپذیر است و حفاظت از جنگل ها به عنوان سرمایه ملی هر کشور، تضمین کننده بقای محیط زیست، زیستگاه جانوران، حفظ تنوع گیاهی و توسعه پایدار خواهد بود. جنگل ها جز ثروت عمومی هر کشور است (۷۳ درصد از جنگل های جهان تحت مالکیت عمومی و ۲۲ درصد مالکیت خصوصی دارد و ۵ درصد باقی مانده مالکیت ناشناخته دارند). در ایران سال ۱۳۴۱ هیئت وزیران قانون ملی شدن جنگل ها و مراتع کشور را تصویب کردند. جنگل های هیرکانی

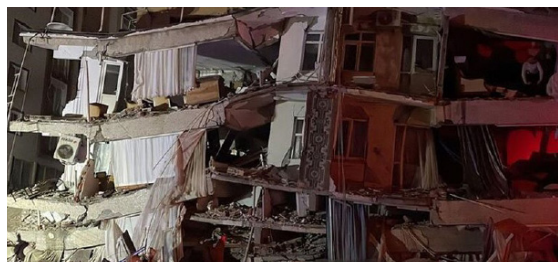


رویدادهای منتخب جهان



جهان در هفته‌ای که گذشت

زلزله مهیب در مرز ترکیه و سوریه



زمین لرزه بزرگی بامداد روز دوشنبه جنوب ترکیه و شمال سوریه را لرزاند. در جریان این زمین لرزه ۷.۸ ریشتری ساعت ۴:۱۷ بامداد خسارت‌های زیادی به ساختمان‌ها وارد شد و گروه مجزهای نجات و جستجو در حال آواربرداری و نجات کسانی هستند که در زیر آوارها گرفتار شده‌اند. این زلزله همچنین در کشورهای هم‌جوار مانند عراق، سوریه و لبنان نیز حس شده است. طبق آمار قطعی نشده این زمین لرزه هزاران کشته و زخمی داشته است. همچنین کشورهای زیادی گروه مجزهای امداد رسانی خود را به ترکیه اعزام کردند.

ریاض المالکی: در سال جاری ۹ کشور جدید موجودیت فلسطین را به رسمیت خواهند شناخت



به گزارش روسیا الیوم، «ریاض المالکی»، وزیر امور خارجه فلسطین، در مصاحبه با خبرگزاری‌های روسیه، گفت که تلاش برای به رسمیت شناختن فلسطین ادامه دارد و مورد اهتمام ویژه تشکیلات خودگردان است. وی گفت که فلسطین انتظار دارد که در سال ۲۰۲۳ با به رسمیت شناخته شدن از جانب ۹ کشور جدید تعداد کشورهایی که فلسطین را به رسمیت می‌شناسند به ۱۵۵ کشور افزایش یابد. المالکی افزود که به زودی به یک کشور آفریقایی خواهد رفت و تلاش وی برای به رسمیت شناخته شدن فلسطین از جانب این کشور (که نام آن را نیاورد) است. وی افزود که هماهنگی‌ها و تماس‌ها با یک کشور آمریکایی لاتین و ۷ یا ۸ کشور اروپایی برای به رسمیت شناختن فلسطین جریان دارد. در حال حاضر ۱۳۸ کشور جهان موجودیت فلسطین را به رسمیت می‌شناسند.

میزبانی عربستان از رزمایش هوایی با مشارکت ۱۰ کشور



خبرگزاری رسمی عربستان (واس) شامگاه یکشنبه اعلام کرد سومین رزمایش «رمح النصر» در پایگاه رزمی هوایی در شرق عربستان آغاز شد. در این رزمایش علاوه بر عربستان، قطر، اردن، بحرین، پاکستان، یونان، بریتانیا، آمریکا، امارات، کویت و عمان به عنوان کشورهای ناظر در این رزمایش شرکت دارند. هدف از این رزمایش ارتقای سطح عملکرد و آمادگی رزمی یگان‌های شرکت کننده، با اجرای عملیات مشترک شبیه سازی واقعیت تهدیدات موجود و بالقوه در یک محیط عملیاتی چندبعدی است. سرلشکر «خالد الحربی» مدیر این رزمایش گفت که در این رزمایش سناریوهای مختلفی را برای عملیات‌های هوایی انجام می‌شود. تعداد نیروهای حاضر در این رزمایش و نیز زمان پایان آن تعیین نشده است. از سوی دیگر، وزارت دفاع عربستان شامگاه یکشنبه در رشته توییستی اعلام کرد: سپهد «ترکی بن بندر بن عبدالعزیز» فرمانده نیروی هوایی عربستان با همتای خود در فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) دیدار و گفت‌وگو کرد. ریاض و واشنگتن با وجود اختلافاتی که در دوره اخیر به خصوص در حوزه نفت رخ داده است، روابط راهبردی با یکدیگر دارند.

لیز تراس: به من فرصتی داده نشد



لیز تراس، نخست‌وزیر سابق بریتانیا تأکید کرد که حزبش و یک مؤسسه اقتصادی قدرتمند هرگز به او فرصتی واقعی برای اجرای برنامه رادیکال ویژه کاهش مالیات نداده است. تراس در نخستین اظهار نظر پس از خروج از داوینینگ استریت افزود که از مقاومتی که در برابر برنامه‌هایش شد،



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

دیدار وزرای خارجه عربستان و عراق در بغداد



فیصل بن فرحان وزیر خارجه عربستان که به بغداد سفر کرده است، در دیدار با فواد حسین همتای عراقی خود گفت که ریاض از تلاش‌های بغداد در تقویت امنیت و ثبات منطقه حمایت می‌کند. حسین پیش از این اعلام کرده بود که رایزنی در خصوص از سرگیری مذاکرات تهران و ریاض، از محورهای اصلی سفر بن فرحان به بغداد است. بن فرحان با تأکید بر لزوم برقراری ثبات در منطقه، گفت که بدون امنیت، فرصتی برای توسعه اقتصادی در منطقه وجود نخواهد داشت. وزیر خارجه عراق هم در این نشست خبری گفت که هماهنگی کاملی در همه زمینه‌ها میان دو کشور برقرار است. فواد حسین تأکید کرد که هماهنگی امنیتی با سعودی ادامه دارد و برای کاهش تنش‌ها در منطقه در تلاش هستیم.

یک مقام آمریکایی: همواره راه‌هایی برای انتقال پیام به ایران داشته‌ایم



یک مقام ارشد دولت آمریکا پنجشنبه شب به وقت محلی در گفتگو با لارا روزن خبرنگار نشریه دیپلماتیک ادعا کرد: ما همیشه گفته‌ایم برای دیپلماسی آماده هستیم تا ببینیم می‌توانیم به برنامه هسته‌ای آنها (ایران) رسیدگی کنیم یا نه. این برنامه باعث نگرانی‌های جدی برای ما است. این مقام دولت بایدن که نامش بیان نشده است، افزود: البته که بارها گفته‌ایم نظر ما این است، روش بهتر این است که این کار از طریق مذاکرات مستقیم انجام شود که ایران همچنان آن را رد می‌کند. این مقام آمریکایی با بیان اینکه ایران مذاکرات مستقیم را رد کرده است، گفت: ما همیشه روش‌هایی برای انتقال پیام به ایران داشته‌ایم. وی مدعی شد: ما همیشه روش‌هایی برای انتقال پیام به ایران داشته‌ایم تا منظور خود را به نحوی که باعث اشتباه نشود به ویژه درباره تهدیدهای ایران علیه شهروندان آمریکایی، آزادسازی زندانیان بازداشت شده و حمایت نظامی ایران از روسیه به آنها منتقل کنیم.

ناخرسند است. وی در عین اعتراف به اینکه روش «کواسی کوارتینگ»، وزیر خارجه وقت بریتانیا که موجب فروپاشی بودجه کوچک شد، خالی از اشتباه نبوده است، تأکید کرد که همچنان معتقد است رویکرد او برای ایجاد رشد و توسعه رویکرد درستی بوده است. تراس گفت: من ادعا نمی‌کنم که در این پرونده هیچ اشتباهی نداشتم، اما اساساً هیچ دستگاه اقتصادی با نفوذی به من فرصت واقعی برای اجرای سیاست‌هایم نداد و از من حمایت سیاسی نشد.

حمایت کانادا از شلیک واشنگتن به بالن چینی بر فراز اقیانوس اطلس



به گزارش فرانسه، «جاستین ترودو»، نخست‌وزیر کانادا اعلام کرد که کشورش از تصمیم واشنگتن برای سرنگونی بالن جاسوسی چین که حریم هوایی ایالات متحده و کانادا و قوانین بین‌المللی را نقض کرده است، حمایت می‌کند. ترودو دیروز - یکشنبه - با انتشار پیامی در حساب کاربری خود در توییتر گفت: کانادا از این اقدام حمایت می‌کند. ما به همراه فرماندهی دفاع هوایی آمریکای شمالی به محافظت از خود ادامه خواهیم داد. «آنیته آناند»، وزیر دفاع کانادا در بیانیه‌ای اعلام کرد که او و ترودو از سوی مشاور امنیت ملی و رئیس ستاد دفاع آمریکا در جریان این عملیات قرار گرفتند. وی گفت که کانادا همکاری نزدیک با ایالات متحده دارد و بدون قید و شرط از اقدامات انجام شده حمایت می‌کند.

دستگیری ۱۵ مظنون متهم به همکاری با داعش در ترکیه



به گزارش آناتولی، نیروهای امنیتی ترکیه ۱۵ مظنون را به اتهام دریافت دستور از گروه تروریستی داعش برای انجام حملات علیه سرکنسولگری‌ها و کلیساهای مسیحیان و یهودیان در استانبول دستگیر کردند. منابع امنیتی ترک گزارش دادند که تیم‌های مبارزه با تروریسم در استانبول عملیاتی را برای کشف فعالیت‌های این گروه تروریستی و دستگیری مظنونان انجام دادند. تیم‌های مبارزه با تروریسم با هماهنگی سازمان اطلاعات ترکیه ۱۵ مظنون را به اتهام دریافت دستور از سرکرده‌های موسوم به «ولایت خراسان» وابسته به داعش دستگیر کردند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷
۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

دارد و بن غفیر در پیگیری این مطالب تنها نیست. بر اساس این گزارش، علیرغم این انتقادات، بن غفیر از روند تخریب خانه‌های فلسطینیانی که در دست به اقدامات استشهادی می‌زنند و نیز تخریب خانه‌های فلسطینیان در قدس شرقی و همچنین صدور مجوز حمل سلاح برای هزاران غیر نظامی اسرائیلی ابراز رضایت کرده است.

توقف صادرات نفت اقلیم کردستان عراق به ترکیه



به گزارش الفرات نیوز، وزارت منابع طبیعی دولت ایالتی کردستان عراق اعلام کرد که به علت زمین‌لرزه‌ای که در ترکیه و سوریه رخ داد و برای اطمینان از وضعیت ایمنی در روند صادرات نفت، پمپاژ نفت به خط لوله اقلیم کردستان به ترکیه متوقف شده است. اقلیم کردستان عراق نفت خود را از طریق خط لوله‌ای به بندر جیهان ترکیه صادر می‌کند.

اولین خلبان زن به نیروی هوایی ارتش لبنان پیوست



ارتش لبنان از پیوستن یک خلبان زن به نیروی هوایی این کشور برای اولین بار در تاریخ لبنان خبر داد. در بیانیه رسمی ارتش لبنان آمده که جنی صادر خلبان لبنانی پس از دو سال آموزش‌های تخصصی از پایگاه نظامی Laughlin در ایالت تکزاس آمریکا فارغ التحصیل شده است. این بیانیه افزوده که وی اولین خلبان زن جنگنده در ارتش لبنان خواهد بود و فعالیت حرفه‌ای خود را با جنگنده سوپر توکانو ۲۹-A آغاز خواهد کرد.

پیش‌بینی رئیس سازمان سیا درباره آینده اوکراین



ویلیام برنز رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) اعلام کرد که ۶ ماه آینده برای اوکراین حیاتی خواهد بود. ویلیام برنز (بیل برنز) رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) روز پنجشنبه به وقت محلی در دانشگاه جورج تاون در واشنگتن اظهار داشت که ارزیابی این نهاد اطلاعاتی این است که ۶ ماه آینده برای اوکراین در جنگ علیه روسیه حیاتی خواهد بود. این مقام ارشد اطلاعاتی آمریکا با بیان این اینکه به نظر نمی‌رسد، روسیه برای مذاکره درباره جنگ اوکراین جدی باشد، گفت: ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه معتقد است فرسودگی سیاسی غرب را فرا خواهد گرفت. این مقام ارشد اطلاعاتی دولت بایدن همچنین تعمیق روابط و همکاری‌های نظامی ایران و روسیه را بسیار نگران‌کننده خواند.

ایتمار بن غفیر تهدید به استعفا کرد



به گزارش آنا تولی، کانال ۱۳ اسرائیل به نقل از منابع نزدیک به ایتمار بن غفیر، وزیر راست افراطی کابینه، خبر داد که وی به شدت از عملکرد ضعیف کابینه نتانیاو در قبال نوار غزه و نیز کوتاهی در موضوع تخلیه خان الاحمر از فلسطینیان انتقاد کرده است. این گزارش افزوده که بن غفیر تهدید کرده که اگر ظرف ۸ ماه آینده تغییر جدی در این دو پرونده رخ ندهد از دولت نتانیاو کناره‌گیری خواهد کرد. این منابع گفته‌اند که کابینه نتانیاو آمادگی و تمایل به انجام تغییرات مورد نظر بن غفیر را



اخبار حزبی



مجمع عمومی سالانه حاما در اسفند ماه برگزار میشود

طبق دستور کار جلسه سیزدهم شورای مرکزی حزب، قرار شده است که اعضا این شورا تاریخ مجمع عمومی سالانه حزب را مشخص نمایند. با توجه به محدودیت های زمانی احتمالی این جلسه در اسفند ماه برگزار خواهد گردید.

طبق اساسنامه حزب لازم است که سالانه اعضا حزب یا نمایندگان ایشان گرد هم آیند تا ضمن استماع گزارش کار واحدهای مختلف حزبی، به تدوین و تبیین برنامه های آتی حزب بپردازند. البته هر سه سال یکبار این جلسه تبدیل به کنگره حزب می شود که وظیفه تعیین شورای مرکزی و هیئت بازرسی را بر عهده دارد.

آخرین کنگره حزب در سال ۱۴۰۰ برگزار شد و قاندا تا امسال باید مجمع عمومی عادی حزب برگزار گردد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

آخرین جلسه دفتر سیاسی بر گزار شد



صد و هفتاد و سومین جلسه دفتر سیاسی که آخرین جلسه دوره فعلی آن است روز یکشنبه نه بهمن ماه برگزار گردید. در این جلسه گزارش مفصل و مبسوطی از همایش فصلی خانه احزاب ارائه شد و دیدگاه های مطرح شده در این همایش به اطلاع اعضا دفتر سیاسی رسید.

در بخش دوم جلسه کمپین "من و کالت می دهم" مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت و اعضا دفتر سیاسی نظراتشان در مورد این کمپین و حرکاتی این چنینی را بیان کردند.

با این جلسه دوره فعلی دفتر سیاسی حزب به پایان می رسد و از هفته آینده و با معرفی اعضا جدید، دور دیگری از فعالیت دفتر سیاسی آغاز می شود. در این دوره دفتر سیاسی افراد زیر (۱۱ نفر) حضور داشتند: اعضا حقوقی: احمد حکیمی پور (دبیر کل)، افشین فرمانچی (قائم مقام دبیر کل)، رحیم حمزه (سخنگو)

اعضا حقیقی: شمس افرازی زاده (رئیس دفتر سیاسی)، محمدرضا روستائی (قائم مقام دفتر در شش ماه اول)، علی صابری (قائم مقام دفتر در شش ماه دوم)، زهره رحیمی، احسان سلگی، رضا احمدی صدر، کوروش الماسی، قائم موسوی (چند ماه اول دوره حضور داشتند)

سه کتاب انتشارات حزب در نوبت دریافت مجوز قرار گرفت

در ماه های پایانی سال و باهدف رسیدن آخرین کتاب های انتشارات حزب به نمایشگاه بین المللی کتاب، سه کتاب جدید از انتشارات حاما در صف دریافت مجوز از وزارت ارشاد قرار گرفت. این کتاب ها عبارت اند از:

کتاب "بنیان های مردم سالاری اجتماعی (سوسیال دموکراسی)" با ترجمه زهره رحیمی از مجموعه کتاب های "خوانشی نوین؛ مردم سالاری اجتماعی"

کتاب "ساعت صفر توسعه و امنیت سیاسی (با نگاهی به توسعه هراسی سیاسی در ایران معاصر)" تألیف جواد مسعودی

کتاب "گفتار دو؛ بیانیه ها و مواضع حزب اراده ملت ایران (از سال ۱۳۹۸ تا زمستان سال ۱۴۰۱)" گردآوری افشین فرهانچی و زهره رحیمی



انتشارات حزب اراده ملت ایران



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

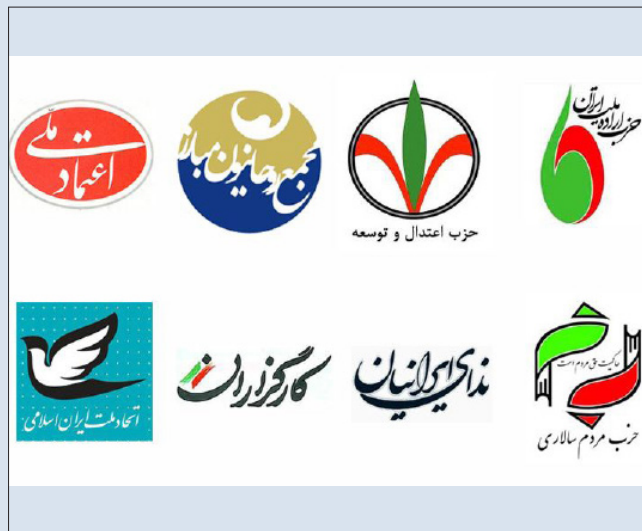
حضور نمایندگان حزب در همایش فصلی خانه احزاب

همایش فصلی خانه احزاب ایران در روز شنبه هشتم بهمن ماه از ساعت ۱۴ الی ۱۷ در محل تالار وزارت کشور با عنوان آسیب شناسی دو انتخابات اخیر در جمهوری اسلامی ایران برگزار شد. در این همایش علاوه بر دبیران کل احزاب و اعضا تعدادی از احزاب ملی و استانی، احمد وحیدی وزیر کشور، منوچهر متکی رئیس خانه احزاب ایران، محمدرضا غلامرضا معاون سیاسی وزیر کشور، عبدالله مرادی دبیر کمیسیون ماده ۱۰ قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه های سیاسی حضور داشتند. در این همایش نمایندگان سه جریان سیاسی اصلاح طلبان، مستقلین و اصول گرایان به بیان دیدگاه های خود درباره راه های افزایش مشارکت مردم در انتخابات پرداختند. وزیر کشور و دبیر کمیسیون ماده ده نیز سخنرانی کردند. در این همایش به نمایندگی از حزب اراده ملت ایران، شمس افرازی زاده (رئیس دفتر سیاسی حزب)، مسعود خادمی (رئیس کمیته انضباطی حزب)، فاطمه قدم (مسئول کمیته زنان حزب) و پیام فیض (مدیر مسئول سایت حزب) حضور داشتند. گزارشی از این همایش را در همین شماره نشریه می توانید بخوانید.





تاریخ احزاب





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷
۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

تاریخ احزاب سیاسی ایران (۱)

احزاب؛ ضرورت اجتماعی یک اجتماع مدرن

با نوع سیستم حزبی که در آن فعالیت می کند طبقه بندی می شود. در یک سیستم غیر رقابتی یا تک حزبی، حزب اغلب به عنوان بخشی از دستگاه حاکم، با عملکرد حفظ حمایت عمومی از رژیم، تشویق مشارکت مردمی در برنامه های دولتی و هشدار دادن به دولت به تغییر در افکار عمومی به عنوان بخشی از دستگاه حاکم استفاده می شود. در سیستم های رقابتی ممکن است تمایز بین سیستم های دوحزبی ایجاد شود. به نظر می رسد استراتژی اعتدال و سازش با هدف به دست آوردن اکثریت تشویق می شود. و در سیستم های چند حزبی که سازش و مصالحه کمیتری وجود دارد و جایی است که استراتژی حزب بر حمایت از هسته اصلی رأی دهندگان به حزب تأکید دارد. با این حال به طور کلی، ساختار و رفتار احزاب سیاسی یک کشور خاص به شدت به تاریخ سیاسی و فرهنگی کشور بستگی دارد.

نخستین احزاب از تلفیق گروه های پارلمانی و کمیته های انتخاباتی و از معدود افراد ثروتمند و صاحب نفوذ تشکیل می شد. احزاب در شکل نوین خود در اروپا و ایالات متحده قرن نوزدهم و در نظام های پارلمانی شکل گرفتند.

حزب گروهی است که با هدف دستیابی به قدرت — چه از راه انتخابات و چه انقلاب — یا اعمال آن در یک نظام سیاسی، تأسیس می شود. واژه حزب (در انگلیسی Party، در فرانسه Parti) از قرن هجدهم به بعد در اروپای غربی وارد ادبیات سیاسی شد و همراه با گسترش شیوه و سبک سیاسی غربی در دیگر نقاط جهان نیز گسترش یافت.

در عربی اگرچه نمونه هایی از کاربرد واژه «حزب» در مقابل معادل اروپایی آن در قرن نوزدهم وجود دارد، اما اولین کاربرد صریح واژه حزب به معنای جمعیت سیاسی به فرح انتون روزنامه نگار لبنانی در مقاله ای در سال ۱۹۰۶ نسبت داده شده است. در ترکی عثمانی واژه «فرقه» و در ترکی استانبولی واژه «پارتی» برای اشاره به این مفهوم استفاده شده است.



ابتدای سال ۱۴۰۱ و بعد از پیشنهاد یکی از جوانان حزبی مبنی بر تهیه پادکست هایی در رابطه با احزاب سیاسی، این ایده در واحد انتشارات حزب اراده ملت ایران شکل گرفت که با توجه به منابع موجود، جای کتابی ساده و موجز اما کامل در حوزه تاریخ احزاب سیاسی ایران خالی است. لذا جلساتی با اساتید صاحب نظر برگزار شد تا شاید بتوانیم این نقیصه را جبران نماییم.

بعد از ساعت ها فکر و تعمق و بررسی الگوهای موجود، تصمیم نهائی بر این شد که کتابی در چهار جلد مجزا و بر اساس روند تاریخی به این موضوع اختصاص یابد. الگوی کار نیز نمونه کتاب های تاریخ برای جوانان و نوجوانان نشر ققنوس قرار داده شد که نثری روان همراه با توضیحات ساده و موجز داشتند.

برای این کار گروهی پنج نفره از جوانان حزبی در قالب کار گروه تاریخ احزاب سیاسی ایران در حزب شکل گرفت و ایشان تحت نظارت یک استاد شناخته شده تاریخ، کار بررسی منابع و مآخذ را برای تدوین این مجموعه چهار جلدی آغاز کردند.

با توجه به کثرت منابع و مآخذ و وسواس هایی که معمولاً در اینگونه کارها وجود دارد، فرایند تدوین این مجموعه چهار جلدی به طول انجامید. لذا بر آن شدیم با استفاده از فضایی که نشریه حزب در اختیار ما قرار میداد، بخش هایی از این کتاب را بتدریج برای خوانندگان محترم منتشر کنیم تا زمانی که متن کامل کتاب ها آماده شود.

مفاهیم و اصطلاحات

حزب چیست؟

حزب سیاسی، سازمانی است که هدف آن به دست آوردن کنترل دستگاه های دولت است و این معمولاً از طریق انتخاب نامزدهای خود به مقامات دولتی انجام می شود. احزاب سیاسی اشکال مختلفی دارند اما کارکردهای اصلی آن ها مشابه است: تهیه پرسنل برای مقام و مسندهای دولتی و سازماندهی این پرسنل در جهت شکل گیری و اجرای سیاست های عمومی جامعه و کشور و خدمت در نقش واسطه ای میان افراد و دولت. احزاب سیاسی به اندازه سیستم های سیاسی سازمان یافته قدیمی هستند. به عنوان مثال بسیاری از دولت — شهرهای باستانی یونان باستان، احزاب به صورت رقابتی سازماندهی شده بودند.

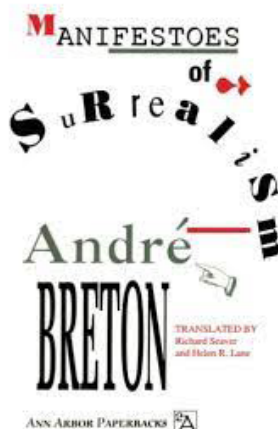
احزاب سیاسی به دلایل مختلف سازماندهی می شوند: برای حمایت از یک شخصیت سیاسی خاص، پیشبرد یک سیاست خاص و یا یک موضع ایدئولوژیک کلی، کمک به گروه های خاص سیاسی یا بخش هایی از جامعه، و یا صرفاً برای متحد شدن برای یک مزیت سیاسی در کوتاه مدت. احزاب سیاسی به روش های مختلفی سازماندهی شده اند. در برخی کنترل ساختار حزب توسط یک مجموعه از نخبگان مرکزی — کوچک، منتخب و یا تغییرناپذیر — اعمال می شود در حالی که در برخی دیگر، قدرت غیر متمرکز است و با انتخاب نامزد و تصمیم گیری در بین واحدهای حزب محلی سازمان دهی انجام می شود. حزب سیاسی جمعی مدرن در قرن گذشته با ظهور ایدئولوژی دموکراتیک، حق رأی جهانی، ناسیونالیسم و ابزارهای مؤثرتر ارتباطات شکل گرفته است. چنین تعریفی از حزب معمولاً



در زبان فارسی از واژه مانیفست ترجمه‌های هم چون بیانیه، بیان نامه، اظهاریه، اعلامیه، مرام‌نامه، و اشعار به نیز وجود دارد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت



اساس نامه

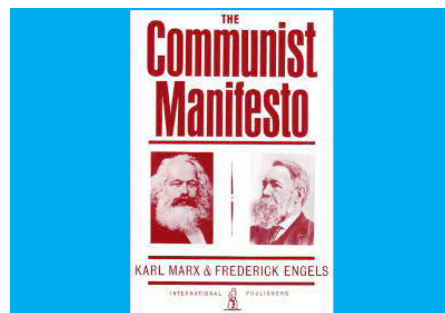
اساس نامه قانونی است که برای اداره یک انجمن، مجلس، سازمان اجتماعی و سیاسی تنظیم شده است و از مجموعه مواد و شرایطی تشکیل شده است که برای تشکیل شرکت، حزب، یا انجمن تدوین می‌شود. نظام‌نامه تعیین کننده ساختار کلی یک سازمان، ارکان و عناصر اصلی آن است. در نظام‌نامه نحوه ارتباط ارکان مختلف حزب، مقررات مرتبط با آن‌ها، و شرح وظایف هر بخش توضیح داده می‌شود.

منشور اخلاقی

منشور اخلاقی سندی است که اصول اخلاقی و شئون معنوی و ارزشی یک نهاد یا گروه در آن قید شده است. در این سند انتظاراتی که نهاد یا گروه از نظر رفتارهای اخلاقی از اعضا دارد نیز نوشته می‌شود. فلسفه و رسالت هر حزب موجب پرورش هوشمندی، پختگی و ژرف نگری اعضا می‌شود به گونه‌ای که اندیشه‌های اعضای آنان را در چارچوب انسانی و اجتماعی قرار می‌دهد تا بتوانند رفتارشان را در همان ساختار بروز دهند و برای انجام رسالت همگانی حزب با یکدیگر سخت تلاش کنند.

مانیفست

مانیفست یا مرام‌نامه نوشته‌ای است که برنامه‌ی عمل یک شخصیت، دولت، و یا گروه سیاسی در آن مشخص شود. یک حزب سیاسی در مانیفست خود، برنامه‌ها و هدف‌هایی را که پس از در دست گرفتن قدرت پی خواهد گرفت را مشخص می‌کند. به عبارت دیگر، مانیفست، سندی که به طور علنی موقعیت یا برنامه صادر کننده‌ی خود را اعلام می‌کند. مانیفست مجموعه‌ای از ایده‌ها، نظرات یا دیدگاه‌ها را پیش می‌کشد اما در عین حال می‌تواند یک برنامه عملی را نیز ارائه دهد. مانیفست می‌تواند به هر موضوعی بپردازد. این می‌تواند شامل اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی، مذهبی، فلسفی، یا ادبی باشد. مانیفست بیش از همه در هنر، ادبیات، و سیاست رواج دارد و به طور کلی به نام گروهی نوشته می‌شود که یک دیدگاه، ایدئولوژی، و یا هدف مشترک را به جای نام یک فرد واحد به اشتراک می‌گذارند. مانیفست‌ها غالباً نشانگر پذیرش چشم‌انداز، رویکرد، برنامه یا ژانر جدید هستند. آنها از یک وضعیت فعلی انتقاد می‌کنند، اما برون‌رفت از آن را نیز اعلام می‌کنند و ظهور یک جنبش جدید یا حتی یک دوره جدید را اعلام می‌کنند. به این معنا، مانیفست‌ها یک نقد اجتماعی - گاه خشونت آمیز - را با اعلامی حاکی از شروع یک رویکرد نو و بیانی الهام‌بخش در جهت تغییر وضع فعلی، ترکیب می‌کنند. اگرچه مانیفست‌ها می‌توانند ادعا کنند که برای اکثریت صحبت می‌کنند، اما آن‌ها اغلب توسط یک اقلیت غیر سازگار تألیف می‌شوند و ایده‌ای آوانگارد را طرح می‌کنند که که مسیر را به سوی آینده هدایت می‌کند. معمولاً از یک مانیفست انتظار نمی‌رود که ادعاهای محکم، قطعی و مستدل داشته باشد بلکه جنبه‌ی شعار گونه و تئوریک متن پررنگ است.



مانیفست کمونیست

مانیفست کمونیست دربرگیرنده یک مقدمه، چهار بخش و یک جمع بندی است که در سال ۱۹۸۴ برای اولین بار در انگلستان منتشر شده است. «مانیفست کمونیست» بیانیه‌ای بود که کارل مارکس و فردریک انگلس در سنین جوانی طی آن برنامه نخستین سازمان مدرن کارگران کمونیست را اعلام کردند. نویسندگان این بیانیه با تفسیری ماتریالیستی از تاریخ و تأکید بر نقش طبقات و مبارزات طبقاتی معتقد بودند برای رسیدن به جامعه بی طبقه و تحول سوسیالیستی جامعه، طبقه کارگر باید چنان قدرتی را در دست خود متمرکز کند که بتواند هر گونه مانع سیاسی در سر راه خود به سوی نظام جدید را به کلی خرد و نابود کند. اثری منظم و به اصطلاح علمی، که عهده‌دار تبیین مطالبات اجتماعی - سیاسی کارگرانی بوده است که با وجود کثرت جمعیت، همواره مطالباتشان از سوی بورژوازی (که به واقع اقتدار سیاسی و اقتصادی خود را مدیون این طبقه بود) پشت گوش انداخته می‌شد.

از بسیاری از معروف‌ترین مانیفست‌های قابل توجه ادبی و هنری می‌توان به «مانیفست آینده‌نگر» فیلیپو توماسو مارینتی در سال ۱۹۰۹ میلادی، «سیلی به صورت سلیقه‌ی عمومی» در سال ۱۹۱۲ میلادی توسط دیوید برلیوک، و «مانیفست سورتالیسم» از سوی آندره برتون در سال ۱۹۲۴ میلادی اشاره کرد. چندین مانیفست نقش مهمی در تاریخ جنبش‌های اجتماعی و ایده‌های سیاسی ایفا کرده‌اند. از مانیفست‌های سیاسی مشهور می‌توان به بیانیه کارل مارکس و فردریش انگلس با عنوان «مانیفست کمونیست» در سال ۱۸۴۸ میلادی و «بیانیه بندر هورون» (۱۹۶۳) دانشجویان برای یک جامعه دموکراتیک اشاره کرد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

لژهای فراماسونری

فراماسونری، آموزه‌ها و شیوه‌های برادری و برابری ماسون‌های آزاد و بزرگ‌ترین انجمن مخفی در سرتاسر جهان است، فراماسونری جامعه‌ای است که اغلب به مشارکت، نظم اخلاقی و کمک متقابل اختصاص دارد. فراماسونری که با پیشروی امپراتوری بریتانیا گسترش یافت، همچنان در بریتانیا و سایر کشورهای که در داخل امپراتوری هستند، محبوبیت زیادی دارد. برآوردها از اعضای فراماسونری در سراسر جهان در اوایل قرن بیست و یکم از حدود دو میلیون تا بیش از شش میلیون نفر متغیر بوده است. فراماسونری در واحدهای کوچک‌تری از اعضا به نام لژ سازماندهی می‌شود که در آن جلسات برگزار می‌شود و اعضا گرد هم می‌آیند. هر یک از اعضا می‌توانند از آداب لژ مورد نظر خود را انتخاب کنند. در ایران، به جای فراماسونری، اصطلاح مجمع فراموشان، خانه فراموشان، فراموش خانه، مجمع فرامیسان و کارخانه و به جای فراماسون، فرامیسین و فرامیسین به کار رفته است.



چرا وجود و تشکیل احزاب ضرورت اجتماعی یک اجتماع مدرن است؟

حزب پدیده‌ای منحصر به دوران معاصر است. در دوران قدیم چیزی به نام حزب نداریم. هر چند که گفته شده است که در دوران یونان باستان حزب وجود داشته است اما این ثابت نشده است. چرا که هر جا که انجمنی وجود داشته و چند نفر پای سخنان کسی نشسته‌اند را دلیلی بر وجود حزب در نظر گرفته‌اند. این پدیده‌ای است که در تاریخ باستان - چه یونان و چه روم - نمی‌تجد و منحصر به تاریخ معاصر است. حزب منحصر به غرب است. حزب از غرب اخذ شده و ما پیروان هاستیم.

گفته شده است که پس از رنسانس در ایتالیا حزب به وجود آمد. اما این درست نیست چرا که انجمن‌هایی که در این دوره وجود داشته است - مشابه آنچه که در دوران مشروطیت بوده است - انجمن‌هایی برای مبادله افکار و آرا و کمک به برخی افراد برای نیل به اهداف سیاسی کوتاه‌مدت بوده‌اند. شاید بتوان گفت لژهای فراماسونری اولین انجمن‌های شبیه به احزاب بوده باشند. چرا که در جهت کسب قدرت گام برمی‌داشتند و احتمالا بتوان آن‌ها را زمینه‌ساز پیدایش احزاب به شمار آورد.

بیانیه پورت هورون

در ژوئن ۱۹۶۲، گروهی از دانشجویان عمدتاً سفیدپوست و طبقه متوسط در پورت هورون، میشیگان گرد هم آمدند تا مانیفست دانشجویانی برای یک جامعه دموکراتیک (SDS) تهیه کنند. ایشان خواستار ایجاد «چپ جدید»، یعنی نوع جدیدی از لیبرالیسم شدند. عمده این متن توسط تام هایدن فعال دانشجویی نوشته شد و شکل جدیدی از «دموکراسی مشارکتی» را برای نجات جامعه مدرن از نظامی گری مخرب و بیگانگی فرهنگی پیشنهاد کرد. بیانیه پورت هورون - به عنوان یک سند جنگ سرد - به چند دلیل مهم است:

اول، سیاست خارجی اساسی و دو حزبی کشور آمریکا را به شدت به چالش میکشید.

دوم، SDS به یک مخالف سرسخت و سازمان یافته جنگ در ویتنام تبدیل شد.

سوم، این بیانیه با انتقاد از ایمان آمریکا به فناوری، ثروت و مادی گرایی، پایهای برای ضد فرهنگ دهه ۱۹۶۰ و پس از آن فراهم کرد.



حزب در دوران معاصر تشکیلاتی است که از افرادی با عقاید شبیه به هم، اهداف تشکیلاتی مشترک، ایدئولوژی شبیه به هم تشکیل شده است که اساس نامه، مرامنامه، هیئت مؤسس، و کادر رهبری حزب دارد. هر حزبی باید این اجزا را داشته باشد؛ فارغ از این که حزب سیاسی قانونی باشد و یا حزب سیاسی غیرقانونی، چه حزبی دولتی باشد و چه حزبی انقلابی.

ایدئولوژی چیست؟

ایدئولوژی (Ideology) از جمله اصطلاحات و واژه‌هایی است که در طول زمان، مفهوم و بار معنایی آن دچار دگرگونی‌های فراوانی شده است و متفکران و نویسندگان مختلف، تعاریف متفاوتی را برای این واژه در نظر می‌گیرند.

می‌توان گفت ساده‌ترین معنای ایدئولوژی همان چیزی است که از ترکیب دو واژه‌ی idea (ایده و فکر) و logos (سیستم و مجموعه) به ذهن می‌رسد: سیستمی از ایده‌ها و افکار.

مارکس ایدئولوژی را به معنای عام و با بار معنایی منفی به کار می‌برد



و آن را با آگاهی دروغین و غیرواقعی، مترادف می‌دانست.

دائرةالمعارف فلسفه‌ی رولت می‌گوید: ایدئولوژی مجموعه‌ای آگاهانه یا ناآگاهانه از افکار، باورها و نگرش‌هاست که برداشت‌ها و سوء برداشت‌های ما را از جهان سیاسی و اجتماعی شکل می‌دهد. ایدئولوژی بر روی قضاوت‌ها، رفتارها، تصمیم‌ها و توصیه‌ها تأثیر می‌گذارد.

ایدئولوژی و مرام را می‌توان مترادف در نظر گرفت. با این حال، به نظر می‌رسد برابر فرض کردن این دو واژه، دقیق نباشد.

۱ درآیند «حزب سیاسی»، دانش نامه کلمبیا، دانشگاه کلمبیا

۲ Farah Antun

۳ زاده در ۱۸۷۴ لبنان، درگذشته در ۱۹۲۲ مصر

۴ نشریه الجمعیه، ۱۹۰۶ تا ۱۹۰۹، چاپ نیویورک

۵ درآیند «حزب سیاسی»، دانش نامه جهان اسلام

۶ Manifesto (en), Manifeste (fr)

درآیند «مانیفست»، دانش نامه‌ی بریتانیکا، آندره مونرو

۸ پندار، حاما چه می‌گوید (۱) - ص ۵

۹ Futurist Manifesto

۱۰ شاعر و تئوری پرداز ایتالیایی

۱۱ A Slap in the Face of Public Taste

۱۲ شاعر، نقاش و تصویرگر کتاب و نقاش فوتوریست اکرابینی - روسی اهل ایالات

متحدہ آمریکا

۱۳ Manifesto of Surrealism

۱۴ Kommunistischen Partei (The Communist Manifesto), by Karl Marx and Friedrich Engels

۱۵ Port Huron Statement

۱۶ درآیند «مانیفست»، دانش نامه‌ی بریتانیکا، آندره مونرو

۱۷ واژه مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی

۱۸ Constitution

۱۹ پندار، حاما چه می‌گوید (۱) - ص ۱۵

۲۰ Codebook

۲۱ پندار، حاما چه می‌گوید (۱) - ص ۳۳

۲۲ Code of Ethics

۲۳ پندار، حاما چه می‌گوید (۱) - ص ۷۹

رسانه داخلی یا خارجی؟!

از جمله انتقاداتی که گاهی بر مسیر معترضان طی چهار ماه اخیر وارد می شود و البته حکومت، به طور مکرر و مداوم آن را به شکلی اغراق شده و بی رویه در قالب اتهام به این نیروها مطرح می کرد و می کند، ارتباط با رسانه های خارج از کشور است. جدای از اینکه حتماً در یک جامعه متکثر، شهروندانی هم وجود دارند که در چهارچوب گرایشات سیاسی ایشان، رسانه های خارجی به عنوان منابعی موجه برای اخذ رهنمود و تحلیل دارای جایگاه هستند. بخش بسیار، بسیار بزرگ و قابل توجه از شهروندانی که به رسانه های خارجی روی می آورند، از آن سبب است که هیچ تربیون آزاد و مدنی را پیدا نمی کنند که منعکس کننده فریادها، رنج ها، روایت ها و اعتراضات ایشان باشد.

مجموعه اتهاماتی از جمله نشر اکاذیب، تشویش اذهان، توهین و افتراء، تبانی علیه امنیت و تبلیغ علیه حکومت که همگی قابلیت تفسیر مبسوطی دارند و بالقوه می توانند مجوز اعمال فشار شدیدی بر رسانه ها و تربیون های مردمی و مدنی در داخل باشند.

چنانچه یکی پس از دیگری با سخنگویان و تربیون هایی که قصد بازتاب روایات و اعتراضات بخشی از مردم را داشته اند برخورد های حذفی و قهری صورت بگیرد، پیامدی بدیهی تر از برخی واقعیات چون گرایش به روزه ها و دریچه های انعکاس خارجی، وجود ندارد.

در شرایط وخامت حال و آوار مشکلات و ناکامی ها و بد حالی ها، افراد دردمند و رنج دیده در پی رسانه ای خواهند بود که صدای آنها را منعکس کند، در سایه این امر هویدا، چنانچه مراجع رسانه ای برای صداهای معترض و منتقد و حتی مخالف را در داخل مسدود و محدود و تهدید کرده باشیم، انتقال مرجع داخلی به بیرون از کشور، می تواند انتظاری بدیهی و معقولانه باشد؛ لذا از جمله خواسته های مشترک جریان های مختلف سیاسی است که علاوه بر اساسی بودن حق برخورداری از رسانه های آزاد، از قضا اگر اراده مصممی برای پیشگیری از اتهامات ذکر شده در بالا وجود دارد مطمئن ترین راهکارش وجود مراجع خبری و رسانه ای در داخل کشور برای انعکاس واقعیات با شواهد و مستندات خواهد بود.

همزمانی بیزاری جستن از رسانه های خارجی و اعمال فشار بر رسانه های داخلی، تناقضی ماهوی است که هر مخاطبی را در درک منطق پشت این سیاست ها مردد می کند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۱۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۱



سازمان آگهی

برای درج تبلیغات خویش، پوستر طراحی شده را
به آدرس پایین ایمیل

Hgolami1367@gmail.com

و یا

به شماره زیر از طریق واتساپ ارسال نمائید

۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵

نمایندگی خادمی

شماره ۱۱۰۰۶۰۰۰

بیمه دانا

با ما به خیر میگذرد

بیمه آتش سوزی / بیمه عمر، پس انداز / بیمه حوادث
 بیمه بدنه اتومبیل / بیمه آتیه فرزندان / بیمه ثالث
 بیمه خطرات مهندسی / بیمه مسئولیت کارفرما

مشاوره ۲۴ ساعته رایگان

تهران - خیابان آزادی (مشرق توحید) - ابتکار خیابان استقلال - جنوبی - پست کشیش - پلاک ۱ واحد ۱

۰۲۱۶۶۵۶۲۳۰۶ * ۰۹۱۲۷۳۳۴۷۷۵ * ۰۹۱۲۲۲۰۵۱۶۲

*** تخفیف ویژه جهت اعضای حامی و یا معرفی توسط اعضا ***

خاطرات

www.khsmag.ir



فروشگاه و نمایشگاه نوین چوب

معصومی



بخش MDF, AGT های گلاس، پلی گلاس، کینگ گلاس، نتویان، صفحه و سه میل ...

طراحی و ساخت انواع کابینت و پارتیشن و ...

۰۸۱۳۳۲۶۷۷۰۰۶



۰۹۱۸۱۱۰۰۰۱۲، ۰۹۳۹۶۳۹۸۶۸۰



همدان: میدان امام حسین، بلوار الغدیر، بعد از کوچه خیر خواه



سپر بلای زندگی شما
برای همه مردم ایران



نمایندگی بام زر

کد: ۳۲۷۵



♦ بیمه اتومبیل (ثالث و بدنه) ♦ بیمه عمر و سرمایه گذاری
♦ بیمه آتش سوزی و حوادث ♦ بیمه مسئولیت و کارفرما

مشاوره 24 ساعته رایگان

۰۹۱۸۸۵۰۶۳۰۰

۳۳۲۴۲۶۲۴

نقد و اقساط

استان همدان، نهاوند، خیابان آزادگان، روبرو روی گوجه دکتر صالح